

۳۷۱

کيهان



KAYHAN.LONDON

بیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده
جمعه ۳۱ تیر تا ۶ مردادماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۳۷

دو سفر

بایدن

در تل آویو و جده

پوتین و اردوغان

در تهران





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۳۷ (۳۷۱)

جمعه ۳۱ تیر تا ۶ مردادماه ۱۴۰۱

۲۲ تا ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۲



مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب سقوط بهشت بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا ققی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

** فهرست مطالب **

- ۳ سرمقاله - سرگذشت یک ملت کابوسی فراتر از تخیل / الا به بقراط
- ۳-۴ تهدیدی به نام جمهوری اسلامی؛ ... / احمد رأفت
- ۴-۵ سفر پوتین و اردوغان به تهران علی خامنه‌ای - در قد و قامت ... / حامد محمدی
- ۶-۱۰ شاهزاده رضا پهلوی: هر جریان سیاسی مشروعیت و مقبولیت را باید بر اساس ... /
- ۷ بیانیه شهبانو فرح پهلوی به مناسبت دستگیری های اخیر ... /
- ۱۰-۱۱ اگر آن حمله را جمهوری اسلامی شروع کرد چی؟! ... / الا به بقراط
- ۱۲-۱۳ بامن به تاجیکستان بیایید - در این کشور فارسی زبان، تاجیک ها ... / شاهرخ وفاداری
- ۱۴ هراس مسئولان قضایی و نظامی جمهوری اسلامی از پهلوی ها ادامه دارد ... /
- ۱۵ کالبدشکافی یک طغیان (۹) ... / احمد احرار
- ۱۶-۱۷ تحویل احتمالی پهلوی های انتحاری به روسیه؛ «عبور از خط قرمزها» ... /
- ۱۷ پهلوی های انتحاری جمهوری اسلامی؛ مشاور امنیت ملی کاخ سفید ... /
- ۱۸-۱۹ کیفر خواست پرونده متر و بل صادر شد؛ ۲۰ متهم در بازداشت و ابهام ... /
- ۱۹ وزارت بهداشت: اجازه «سقط جنین ناسالم» نه با گواهی «پزشک» بلکه ... /
- ۲۰-۲۱ ساز بدصدایی که ولادیمیر پوتین برای آیت الله ها کوک کرده است! ... /
- ۲۱ جو بایدن در نشست جدّه: نمی گذاریم چین و روسیه و ایران ... /
- ۲۲ جمهوری اسلامی بسی فراتر از «سرگذشت ندیمه»! ... /
- ۲۳ مجلس فدرال بلژیک لایحه جنجالی تبادل زندانیان با جمهوری ... / احمد رأفت
- ۲۴-۲۵ در باره شعر مشروطیت ایران (۳) ... / محمد جلالی چیمه (م.سحر)
- ۲۶-۲۷ «آغاز ده» متهم و محکوم به همکاری با مجاهدین خلق مشمول عفو ... /
- ۲۷ خواهش و التماس برای «احیای برجام» ... /
- ۲۸ علت عدم صدور ویزا برای تیم های ایران چیست؟! ... /
- ۲۹ یک «ایران فروشی» دیگر؟! تفاهم نامه ۴۰ میلیارد دلاری میان جمهوری اسلامی و ... /
- ۳۰ حمایت مقامات سازمان ملل متحد از حکم حبس ابد برای حمید نوری ... /
- ۳۱ بگیر و ببند و تهدید کار ساز نشد ... /
- ۳۲ توصیه مقامات نظامی جمهوری اسلامی به نیر و هادر مورد ... /
- ۳۲-۳۳ تکرار اعتراف به بی فایده بودن توافق اتمی ... /
- ۳۳ اعتراف ضمنی کمال خرازی به بی فایده بودن برجام ... /
- ۳۴ تخریب گنبد لاجوردی مسجد شاه اصفهان ... /
- ۳۵ حذف ادبیات فارسی از کنکور؛ ادامه تلاش شورا ... /
- ۳۶ توافق سعودی ها و آمریکا برای مقابله با تهدیدات اتمی و منطقه ای ... /
- ۳۷ ادامه فشارهای قضایی - امنیتی بر خانواده های داد خواه ... /
- ۳۸ ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۲؛ همبسته و هماهنگ #برای ایران (همایش آنلاین) ... /



سرمقاله

سرگذشت یک ملت
کابوسی فراتر از تخیل



آثار ادبی و هنری که هربار جمهوری اسلامی را در ذهن مخاطب ایرانی تداعی می‌کنند کم نیستند. گذشته از دوره تاریخی قرون وسطا و دخالت تمام‌عیار دین در حکومت و زندگی فردی و اجتماعی مردم، آفرینش‌های ادبی ارزشمندی چون «کاستلیو علیه کالوین» یا «وجدانی علیه خشونت» (۱۹۳۶) اثر معروف اشتفان تسوایگ نویسنده اتریشی که به فارسی با نام «وجدان بیدار» ترجمه شده و یا دو کتاب مشهور جرج اورل، «قلعه حیوانات» (۱۹۴۵) و «۱۹۸۴» (۱۹۴۹)، تا بخش‌هایی از سریال معروف «بازی تاج و تخت» زمانی که افراطیون مذهبی در یکی از سرزمین‌های داستان حکومت را به دست می‌گیرند و همچنین سریال «سرگذشت ندیمه» که همگی بر اساس فقط رگه‌هایی از واقعیات در ذهن نویسندگان آنها پرورده شده‌اند، مخاطب ایرانی را به گفتن این عبارت وامی‌دارد: عین جمهوری اسلامی!

در قرن ۲۱ حکومتی در ایران قدرت انحصاری را به دست دارد که داستان‌های تخیلی درباره فشار حکومت‌های مذهبی و ایدئولوژیک فقط می‌توانند اقتباسی ناقص از آن باشند. هیچ‌کدام از دیکتاتورهای نظامی و یا رژیم‌های توتالیتر کمونیست و فاشیست تا این اندازه جامعه را از همه نظر، تحت فشار و سرکوب قرار نداده، همگی آنها «خط قرمز»‌هایی را برای عموم تصویر می‌کردند که فقط اقلیتی اگر در مبارزه با آن رژیم‌ها زیر پا می‌گذاشتند، مورد پیگرد و بازداشت قرار گرفته و به زندان می‌افتادند و یا سر به نیست می‌شدند.

در جمهوری اسلامی اما اکثریت جامعه هرگز و با رعایت هیچ خط قرمزی و همچنین متأسفانه با بی‌تفاوتی نمی‌توانند از گزند رژیم در امان باشند چرا که به هر دلیلی همواره در معرض خطرات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از حکومت و حکومتداری قرار دارند!

چه کسی فکر می‌کرد پس از کشتار مخالفان سیاسی و عقیدتی بلافاصله پس از بهمن ۵۷ و طی «دهه شصت»، دامنه سرکوب چنان گسترده شود که نه فقط خانواده‌های دادخواه کشته‌شدگان و نه آنهایی که مخالف حجاب تحمیلی و شیوه حکومت و خواهان آزادی و حقوق شهروندی هستند، بلکه حتی زوج‌هایی که نمی‌خواهند بچه‌دار شوند نیز با دخالت حکومت و «گشت بارداری» تحت فشار قرار بگیرند و برای تولد انسان‌های بی‌آینده که به خیال رهبری جمهوری اسلامی بر «لشکر اسلام» می‌افزایند، کودکان و نوجوانان و بازنشستگان تبلیغ و تطمیع به «بارداری» شوند؟!

کابوس جمهوری اسلامی در ۴۰۱ با این دامنه از فشار است که رویای سرکوب «دهه شصت» را در سر می‌پروراند آتیم در حالی که از تأمین نیازهای عادی یک جامعه هشتاد میلیونی، یعنی بیش از دو برابر جمعیت «دهه شصت»، عاجز است! اما تردید نباید داشت که پس از هر کابوس جوامع و هر رویای نظام‌های ایدئولوژیک، همواره بیدار است!

تهدیدی به نام جمهوری اسلامی
هدف اصلی سفر جو بایدن به منطقه



● سفر جو بایدن به اسرائیل و پادشاهی سعودی، بیش از آنکه بر روابط دوجانبه متمرکز باشد، نظر به یک حکومت ثالث داشت: جمهوری اسلامی! از همین رو در تهران که به این مسئله واقف بودند، با شتابزدگی «نشست آستانه» را با دعوت از رجب طیب اردوغان و ولادیمیر پوتین برگزار کردند!

نظامی [آخرین راه حلی است که باید از آن استفاده کنیم؟ آری؛ و البته امیدواریم که در این حالت از حمایت ایالات متحده نیز برخوردار شویم».

آویو کوخاوی فرمانده نیروهای دفاعی اسرائیل آمادگی اسرائیل برای اقدام نظامی با هدف جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای را «وظیفه اخلاقی» نیروهای مسلح کشور دانست. آویو کوخاوی در واکنش به ادعای کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی و مشاور علی خامنه‌ای که در دولت محمد خاتمی وزیر خارجه بوده است، در گفتگو با بخش انگلیسی شبکه الجزیره گفت ایران توانایی‌های فنی ساخت بمب هسته‌ای را دارد ولی قصد انجام آن را ندارد. خرازی برای اثبات صحبت‌هایش گفت «تنها در چند روز سطح غنی‌سازی اورانیوم را از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد رساندیم و به سادگی می‌توان آن را به ۹۰ درصد رساند». این ادعا از سوی صادق لاریجانی دبیر سابق کمیسیون حقوق بشر قوه قضائیه، و محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نیز دقیقاً در روزهایی که جو بایدن در منطقه بود، تکرار شد.

اولین سفر جو بایدن به خاورمیانه در مقام رئیس جمهوری آمریکا بدون شک اهمیت دارد، ولی نمی‌توان دستاوردهای بازدید از اسرائیل را فوق‌العاده ارزیابی کرد. شاید مهم‌ترین اتفاق این سفر را پرواز مستقیم از فرودگاه «بن گوریون» در اسرائیل به جده در پادشاهی سعودی دانست.

پادشاهی سعودی و اسرائیل، برخلاف برخی دیگر از کشورهای عربی دارای روابط دیپلماتیک نیستند و بعید به نظر می‌رسد که قبل از تغییرات محسوسی در مسئله فلسطین چنین اتفاقی روی دهد. همچنین دیدارهای جو بایدن با مقامات اسرائیلی تغییر مهمی در سیاست‌های هیچ‌کدام از دو کشور در رابطه با جمهوری اسلامی و پرونده اتمی این کشور ایجاد نکرد اگرچه هر دو آنرا خطری برای امنیت منطقه می‌دانند. جو بایدن در دیدار با بنی گانتز نخست وزیر انتقالی اسرائیل بر مواضع خود مبنی بر اینکه بهترین راه برای جلوگیری از هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی مذاکره است تأکید کرد، اگرچه بر این موضوع نیز تأکید کرد که گزینه‌های دیگر، از جمله استفاده از زور، هم روی میز قرار دارد.

دوگانه یا دیپلماسی یا نظامی

بنی گانتز از سوی دیگر تکرار کرد که دیپلماسی نخواهد توانست جمهوری اسلامی را از دستیابی به بمب اتمی بازدارد. در خاتمه دو کشور در یک بیانیه موضعی را اتخاذ کردند که مورد قبول هر دو کشور باشد مبنی بر اینکه «از هر گزینه‌ای» برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته‌ای استفاده خواهد شد. در همان روزها، یائیر لاپید وزیر دفاع دولت انتقالی اسرائیل، در نشست امنیتی «آسپن» در پاسخ به این پرسش که آیا اسرائیل به تنهایی آماده مقابله با جمهوری اسلامی ایران است، چنین پاسخ داد: «آیا ما باید بتوانیم در صورت لزوم عملیات نظامی جهت جلوگیری از آن [هسته‌ای شده جمهوری اسلامی] انجام دهیم؟ پاسخ آری است. آیا ما توان نظامی خود را افزایش می‌دهیم؟ بازهم پاسخ آری است. آیا این اقدام

تهدیدهای لفظی جمهوری اسلامی

این همزمانی را نمی‌توان اتفاقی دانست. با این ادعا جمهوری اسلامی خواست رنگ و بوی تازه‌ای به پرونده هسته‌ای بدهد. این صحبت‌ها را با توجه به اینکه همزمان با حضور جو بایدن در جده بیان شدند می‌توان از منظر چند هدف و پیام مورد بررسی قرار داد:

جمهوری اسلامی خواست با بیان اینکه در یک قدمی سلاح هسته‌ای قرار دارد، به کشورهای عربی که برای دیدار با جو بایدن به جده سفر کرده بودند هشدار دهد که در صورت شکل‌گیری آنچه از آن با عنوان «ناتو خاورمیانه» یاد می‌شود، می‌توانند هزینه هنگفتی پرداخت کنند.

همچنین اظهارات کمال خرازی و دیگران هشدار به کاخ سفید بود که تا کتون نتوانسته است برجام را احیا کند، زیرا به برخی از خواسته‌های جمهوری اسلامی، چون

سفر پوتین و اردوغان به تهران علی خامنه‌ای در قد و قامت دفاع از منافع ملی ایران نیست

علی خامنه‌ای و کارگزارانش نه برای دفاع از منافع ملی ایران بلکه حتی دیگر برای دفاع از منافع جمهوری اسلامی نیز ناتوانند

در شرایطی که مذاکرات اتمی به بن‌بست رسیده و غربی‌ها جمهوری اسلامی را تهدید به تشدید فشارها و انزوای بیشتر بین‌المللی می‌کنند، بدیهی است در تهران مقامات و رسانه‌های حکومتی سفر همزمان ولادیمیر پوتین و رجب طیب اردوغان رؤسای جمهوری روسیه و ترکیه به ایران را آنهم پس از سفر جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا به عربستان و اسرائیل، برای جمهوری اسلامی یک «نقطه عطف» قلمداد کنند.

تکرار لاف و گزاف

وحید جلال‌زاده رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با اشاره به سفر پوتین و اردوغان به تهران ادعا کرد «نبض تحولات منطقه در تهران زده می‌شود!» وی افزود «ایران دست برتر را در منطقه دارد.»

همچنین اینکه خبرگزاری دولتی ایرنا نوشت، «تهران لنگرگاه و مرکز ثقل امنیت در منطقه است» و شبکه «المیادین» وابسته به حزب الله لبنان گزارش داد «نشست تهران واکنش قوی ژئوپلیتیک به سفر بایدن به منطقه بود» تنها بخشی از تیتراهای پرطمطراق و لاف و گزاف‌های مزمن در مورد نشست سه جانبه روسیه، ترکیه و جمهوری اسلامی در تهران بود.

از محورهای اصلی سفر بایدن به منطقه زمینه‌سازی برای تشکیل یک ائتلاف امنیتی علیه تهدیدات جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان وفادار به رژیم ایران بود اما پوتین و اردوغان به تهران آمده بودند تا شاید راهی برای کاستن از درگیری‌های سوریه پیدا کنند. جایی که نیروهای وابسته به روسیه و جمهوری اسلامی و ترکیه هر کدام هم با رژیم سوریه وهم با یکدیگر درگیرند و به عنوان سه کشور به اصطلاح «ضامن آتش‌بس» در سوریه هنوز نتوانسته‌اند راهی برای پایان دادن به جنگ پیدا کنند.

توقع جو بایدن از عربستان افزایش تولید نفت آنهم در شرایطی بود که با تحریم روسیه غربی‌ها بیش از گذشته به نفت و گاز نیاز دارند اما پوتین در شرایطی به ایران سفر کرد که با فروش نفت زیر قیمت، فروش نفت ایران در بازار سیاه به ویژه به چین را مختل کرده و بازار را از دست جمهوری اسلامی به در آورده است! اروپایی‌ها که به شدت به دنبال منابعی برای تأمین گاز می‌گردند امیدوار بودند تا شاید با لغو تحریم‌های جمهوری اسلامی بخشی از کمبودهای آنها در حوزه انرژی جبران شود اما «آخرین تیر تیرکش» آنها در دوحه نیز به سنگ خورد و مذاکرات ۱+۲ (آمریکا و جمهوری اسلامی با میانجیگری اروپا) به نتیجه نرسید.

مهم‌ترین دستاورد سفر جو بایدن به جده آغاز مجدد همکاری‌های نظامی و امنیتی است. بر مبنای این توافق‌ها، واشنگتن به همکاری‌های نظامی و فروش تجهیزات جنگی، از جمله سامانه‌های دفاعی و فناوری‌های پیشرفته نظامی با پادشاهی سعودی باز می‌گردد. کاخ سفید آمادگی و تعهد خود را برای همکاری در تولید سامانه‌های دفاعی برای مقابله با پهپادها و موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های شبه‌نظامی یمنی تحت حمایت نیروی قدس، که امنیت و صلح منطقه پادشاهی سعودی را تهدید می‌کنند اعلام کرد.

سلاح‌های آمریکائی برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی

در نشست دوجانبه همکاری‌های نظامی سعودی و آمریکا اعلام شد که ریاض و واشنگتن در مورد ایجاد دو



واحد نظامی مشترک به رهبری سعودی که در دریای سرخ و در خلیج عمان و شمال دریای عرب مستقر باشند، توافق کرده‌اند. علاوه بر آن، دو طرف توافق کردند تا نیروهای سعودی با ناوگان پنجم آمریکا همکاری داشته باشند و از فناوری مدرن کشتی‌های بدون سرنشین و هوش مصنوعی برای حفاظت از قلمرو دریایی استفاده کنند. در جریان سفر جو بایدن به جده، دو توافقنامه در عرصه امنیت سایبری نیز بین سازمان امنیت ملی سعودی و «اف بی آی» و همچنین «آژانس امنیت سایبری» ایالات متحده، به امضا رسیدند.

سفر جو بایدن به اسرائیل و پادشاهی سعودی، بیش از آنکه، مانند سفرهای مشابه بر روابط دوجانبه متمرکز باشد، نظر به یک حکومت ثالث داشت: تهدیدی به نام جمهوری اسلامی! از همین رو در تهران که به این مسئله و نتایج سفر جو بایدن به منطقه واقف بودند، با شتابزدگی «نشست آستانه» را با دعوت از رجب طیب اردوغان و ولادیمیر پوتین برگزار کردند تا طرفین مقابل را قانع ساند که نه تنها در انزوا بسر نمی‌برند، بلکه از حمایت کامل روسیه ولادیمیر پوتین، و شاید هم پشتیبانی نسبی ترکیه رجب طیب اردوغان برخوردارند. البته مشکل است که تهران بتواند روی پشتیبانی حتی محدود ترکیه، کشور عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که رسماً در دو بحران مهم چون سوریه و اوکراین در جبهه مقابل قرار دارد، حساب کند اگرچه آنکارا در اختلافات خود با غرب گاهی کارت جمهوری اسلامی را از آستین بیرون بکشد و روی میز بکوبد.

احمد رأفت

خارج ساختن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست تروریسم تن نداده است. هدف، تهدید کاخ سفید به هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی در صورت عدم تمکین به خواست‌های علی خامنه‌ای است.

هدف و پیام سوم می‌تواند افزایش تنش‌ها در منطقه و خارج از آن باشد. تنش‌آفرینی از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی، یکی از ارکان سیاست خارجی این نظام بوده است. همزمان با حضور جو بایدن در اسرائیل یک اتفاق دیگر هم رخ داد که بی‌ربطه با این سفر و افزایش تنش در منطقه نیست. اسرائیل برای تأکید بر توانمندی نظامی خود از سیستم پدافند لیزری در حضور رئیس جمهوری آمریکا رونمایی کرد. جمهوری اسلامی نیز آخرین ساخته نیروی دریایی‌اش، ناودسته مجهز به پهپاد را به نمایش گذاشت. به نوعی هر دو کشور خواستند توان نظامی خود را به رخ دیگری بکشند. البته ناودسته پهپادبر جمهوری اسلامی تهدیدی جدی‌تر



برای کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس است تا اسرائیل؛ اگرچه در یک سال گذشته خبرهایی از درگیری‌ها بین دو کشور در آب‌های بین‌المللی نیز پخش شده است.

همکاری نظامی - امنیتی واشنگتن با جده

در جده دیدار رئیس جمهوری آمریکا با پادشاه و ولیعهد سعودی اگرچه مشکلات در روابط بین دو کشور را که از زمان ریاست جمهوری باراک اوباما وارد مرحله‌ای بحرانی شده بودند برطرف نکرد، ولی دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای در زمینه همکاری دفاعی و امنیتی بین دو کشور داشت. همکاری‌هایی که به شدت مقامات تهران را نگران کرده است، اگرچه سعودی‌ها دقیقاً پس از سفر جو بایدن به جده تکرار کردند که به گفتگوهای خود با جمهوری اسلامی با میانجیگری عراق در شهر بغداد ادامه خواهند داد. امارات متحده عربی، متحد اصلی پادشاهی سعودی، نیز صحبت از بازگرداندن سفیر خود به تهران می‌کند. انور محمد قرقاش مشاور ارشد دولت امارات متحده عربی در امور بین‌المللی، می‌گوید کشورش در حال بررسی اعزام مجدد سفیر به جمهوری اسلامی است و می‌افزاید که در زمینه‌های مختلف، «پل ارتباطی با ایران در حال بازسازی است.» انور محمد قرقاش که تا سال ۲۰۲۱ وزیر خارجه امارات متحده عربی بوده است، تأکید می‌کند که امارات در پی «سیاست رویارویی با ایران نیست.»

البته توافقات نظامی و امنیتی بین پادشاهی سعودی و ایالات متحده آمریکا داستان دیگری را حکایت می‌کنند.



اردوغان، رئیسی، پوتین در «نشست آستانه» / تهران / ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۲



موضوع حیاتی با اردوغان صحبت نکرد. در عوض تأکید کرد فلسطین اصلی‌ترین اولویت جهان اسلام است! وی اردوغان را از نزدیکی به اسرائیل بر حذر داشت و در نهایت به او در مورد عملیات نظامی در شمال سوریه هشدار داد اما اردوغان نپذیرفت و دو روز بعد مولود چاووش اوغلو وزیر خارجه ترکیه گفت برای عملیات نظامی به اجازه کسی نیاز نداریم!

ترددی نیست که علی خامنه‌ای و کارگزارانش نه برای دفاع از منافع ملی ایران بلکه حتی دیگر برای دفاع از منافع جمهوری اسلامی نیز ناتوانند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی کشتی در گل نشسته را می‌ماند آنهم در حالی که وضعیت اقتصادی در کشور روز به روز بدتر می‌شود و حکومت توان پاسخگویی به نیازهای اولیه مردم را نیز ندارد. در همین ارتباط جلال محمودزاده نماینده مهاباد در مجلس شورای اسلامی با اشاره به محدودیت ذخایر استراتژیک از جمله آرد، گندم، روغن، برنج و قند گفته است اگر ۲۰ روز واردات انجام نشود ذخایر استراتژیک کشور به صفر می‌رسد. وقتی مجموعه‌ی قطعات این وضعیت در داخل و خارج کنار هم گذاشته شود، تصویری که به دست می‌آید جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد که بر لبه پرتگاه ایستاده و راه پس و پیش ندارد.

حامد محمدی

همین دست انتقادات گفت، «ایران به ما بدهکار است» و «چیزهایی است که من نمی‌خواهم افشا کنم!» در واکنش به این مواضع بود که روزنامه «جمهوری اسلامی» نوشت، «سفر روسیه با ادبیات عهد قجر درباره ایران حرف می‌زند.» در این نوشته آمده است که دست خامنه‌ای زیر سنگ است و زورش به دفاع از منافع ملی ایران نمی‌رسد. پوتین در بحرانی‌ترین موقعیت جمهوری اسلامی و در شرایطی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هنوز از باتلاق سوریه بیرون نیامده، با موضوع پهبادهای انتحاری برای استفاده در جنگ اوکراین یکبار دیگر از رژیم اسلامی-روسوفیل سواری می‌گیرد. حتی تحلیلگران داخل ایران معتقدند که هدف روسیه کشاندن پای جمهوری اسلامی به جنگ اوکراین است. مقامات ارشد نظامی آمریکا در مورد تحویل پهبادهای انتحاری از سوی جمهوری اسلامی به روسیه هشدار جدی داده‌اند.

توصیه‌های بی‌فایده خامنه‌ای به اردوغان

گفتگوهای مستقیم علی خامنه‌ای با اردوغان نیز وضعیتی بهتر از آنچه در گفتگو با پوتین گذشت نداشت. اصلی‌ترین اختلاف میان ترکیه و ایران بر سر منابع آب است که ترکیه با سدسازی‌های پی در پی در اراضی بالادست آن را انحصاری کرده اما خامنه‌ای حتی یک کلام در مورد این

→ جمهوری اسلامی بدون روسیه نتوانست مذاکرات دوحه را حتی ۴۸ ساعت ادامه دهد! روشن است که پوتین اصلاً نمی‌خواهد تا وقتی گاز را به عنوان اهرم علیه اروپایی‌ها استفاده می‌کند کشور دیگری با تأمین حتی بخشی از این کمبود، این اهرم را تضعیف کند. اما علی خامنه‌ای در دیدار با پوتین نه تنها هیچ اشاره‌ای به باج‌خواهی پوتین از غرب در مذاکرات وین و مشروط کردن «توافق اتمی» به لغو تحریم‌های روسیه نکرد بلکه پوتین را برای حمله به اوکراین تحسین نیز کرد!

خامنه‌ای در حالی که از ترس پشت بزرگترش پنهان شده بود، از پوتین خواست حضور نظامی آمریکا در شرق فرات را «علاج» کند! پوتین هم طبق معمول با وعده‌های بی‌حساب و کتاب به خامنه‌ای ایران را ترک کرد.

شاید مهم‌ترین درخواست خامنه‌ای از پوتین «جلوگیری از حملات اسرائیل در سوریه» به پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پیگیری قراردادهایی بود که آنقدر اجرا نشد که صدای خامنه‌ای را هم درآورد. یکی از مهم‌ترین پروژه‌هایی که روسیه در ایران پشت گوش انداخته «توسعه نیروگاه اتمی بوشهر» است. بدتر آنکه هرگاه مقامات جمهوری اسلامی لب به انتقاد گشوندند با واکنش‌های تحقیرآمیز روس‌ها مواجه شدند. کمی قبل از سفر پوتین به تهران نیز لوان جاگاریان سفیر روسیه در تهران در پاسخ به

شاهزاده رضا پهلوی: هر جریان سیاسی مشروعیت و مقبولیت را باید بر اساس عملکردش از مردم بگیرد نه جای دیگر!



ویدئو

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

اساس مشروعیت و مقبولیت یک نظام یا یک جریان سیاسی در جامعه است! مشروعیت و مقبولیت هم از عملکرد می‌آید و نه حرف!

پس از این سخنان، شماری از حاضران در این نشست آنلاین به طرح پرسش‌های خود پرداختند.

پرسش: در ارتباط با نبود یک کارگروه یا یک تشکیلات منظم برای مدیریت اهدافی که در پیمان نوین و سخنان ۱۳ خرداد شاهزاده آمده، آیا جمعیت سوسیال دموکراسی برای ایران می‌تواند در این عرصه با پیشنهاد و امکانات خود یاری برساند؟

پاسخ: عصاره آنچه در پیمان نوین مطرح کردم عمدتاً مسئولیت جمعی و پذیرش آن است. موضوع این است که چطور می‌توان به یک هماهنگی مؤثر رسید و چطور می‌توان در کشور بطور متقابل تأثیرگذار بود. این موضوع مهم‌ترین نکته مفاد است که در پیمان نوین و همچنین در سخنانی ۱۳ خرداد مطرح شد.

بسیاری از افراد اصلاً با هیچ گروه و حزبی نیستند؛ مستقل هستند و نمایندگان هیچ حزبی نیستند. آنها چهره‌های مختلفی هستند که ارتباطات ارگانیک با جریانات فکری مختلف دارند. از طرف دیگر به جایی می‌رسیم که تشکلهای مشخص و سازمان‌های سیاسی می‌خواهند به نوعی در این رابطه نقشی داشته باشند؛ خیلی هم عالیست! ولی من نمی‌دانم آنها در کدام فوروم می‌توانند بهم ملحق بشوند! من کسی نیستم که پاسخ این سوال را بدانم چون وظیفه خودشان است که باید ببینند به چه نتیجه مشتری می‌رسند و چه پیشنهادی می‌توانند بدهند که مورد استقبال گروه‌های مختلف قرار بگیرد! در اینصورت خود به خود این فوروم شکل می‌گیرد.

من می‌توانم، یک کمک کنم تا این جریان راستر و بهتر پیش برود و هر نوع حمایتی را می‌توانند از من انتظار داشته باشند؛ و دو: رایزنی در سطح ملی و بین المللی انجام دهم. ←

است! در جامعه این حساسیت نسبت به آلترناتیو وجود دارد. آنچه نمی‌خواهیم، مشخص است ولی آنچه می‌خواهیم به آن برسیم یک موضوع کلیدی است و آلترناتیو هم می‌بایست در عمل بتواند به آن اتکا کند: به یک تکیه‌گاه ملموس و نه یک موضوع مجهول! نهایتاً هم مردم تصمیم می‌گیرند.

اما موضوع این است که مردم نمی‌توانند بدون ابزار لازم به آن مرحله برسند. چگونه می‌توان تقسیم وظایف کرد؟ جریانات سیاسی چطور می‌توانند تأثیرگذار باشند؟ وگرنه بحث‌های کلی و بی‌تأثیر هیچ کمک واقعی به مردم نمی‌کند. موضوع دیگر، تعریف دموکراسی آینده است. تأکید من همیشه روی محتوای نظام بوده تا شکل نظام. ولی همین درک سکولاریسم و جدایی دین از حکومت را در کشوری که عامل مذهب هنوز تأثیر دارد چطور میشود به مردم منتقل کرد و به آنها گفت که سکولاریسم به معنی بی‌دینی و بی‌مذهبی نیست! در این روند نقش روحانیت هم می‌تواند مؤثر باشد. این یکی از فرآیندهای لازم است و برای آن به پرورش فرهنگ کلان نیازمندیم.

پیش‌شرط‌های دموکراسی مانند تولرانس و احترام به عقیده دیگری باید جا بیفتد چون پلورالیسم بدون اینها ممکن نیست. نحوه همکاری و روابط جریانات سیاسی می‌تواند این فرهنگ را پرورش دهد. نگرانی مردم این است که یک‌دوره دوباره نخواهند بیایند و قدرت را قبضه کنند و احساس کنند که انتقال قدرت متعلق به آنهاست!

این را که مردم بتوانند به جریانی اعتماد کنند و روند تغییرات به سود یک بخش و به زیان بخش دیگر نشود، می‌بایست در عمل نشان داد. رفتار و عملکرد همگی ما باید این موضوع را نشان بدهد. مارگریده از ریسمان سیاه و سفید می‌رسد و باید هم بترسد. من درباره همه اینها بارها صحبت کردم و نکته جدیدی نیست. ولی باید تأکید کنم که افکار عمومی حساس است و در فضای مسموم و رادیکالی که قابل سوء استفاده است باید بیشتر به این نکته توجه کرد.»

● شاهزاده رضا پهلوی جمعه ۲۴ تیر ماه ۱۴۰۱ برابر با ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۲ در یک نشست آنلاین در گفتگو با اعضای شورای مرکزی «جمعیت سوسیال دموکراسی برای ایران» بار دیگر به تشریح نظرات خود در ارتباط با جنبش آزادیخواهی در ایران پرداخت و بر نکاتی که پیشتر در گفتگوها و سخنرانی‌های وی از جمله در «پیمان نوین» و سخنان ۱۳ خرداد امسال مطرح شده‌اند تأکید نمود.

کیهان لندن ویدئو و متن سخنان این نشست را در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد.

شاهزاده در آغاز این نشست با اشاره به تجربه چهار ساله و رویدادهای مختلف و ارتباطات متعدد و گفتگوهای دائمی با جریان‌های سیاسی در داخل و خارج کشور ابراز داشت: «در ارتباط با یک آلترناتیو سکولاردموکراتیک در مقابل حکومت مذهبی ما خیلی زیاد تئوری‌های حکومتی از جریانات مختلف شنیدیم. قدم اول برای موفقیت در گذر از جمهوری اسلامی به سوی یک آینده دموکراتیک اما قبول یک تئوری حاکمیت است. با توجه به اینکه جریانات متعددی نظرات خودشان را درباره نوع نظام و کیفیت هر کدام از آنها و تقسیم قدرت سیاسی و غیره دارند، آیا می‌توان این را به عنوان لازمه کار و به عنوان بحث اصلی و مرکزی مطرح کرد که بالاترین مرجع تصمیم‌گیری، مجلسی است که نمایندگان مردم در آن بتوانند حضور داشته باشند و درباره سرنوشت خودشان تصمیم بگیرند؟ و بر اساس صندوق رأی و انتخابات آزاد نهایتاً آن مجلس هم تصمیم‌گیرنده خواهد بود.»

با اینهمه باید پرسید کدام مرجع می‌تواند موقع بروز اختلافات تصمیم‌گیرنده باشد؟ یعنی اگر مرجع تصمیم‌گیری برای چنین مواقعی نداشته باشیم، مسائل مورد اختلاف را در کجا باید به بررسی و تصمیم‌گیری گذاشت؟ آیا منافع ملی کشور و منافع هر کدام از جریانات سیاسی بر این نیست که چنین مرجعی وجود داشته باشد؟ این البته مسئله‌ای مهم است اما تنها مسئله نیست.

موضوع دیگر اینکه چطور می‌توانیم وحدت داشته باشیم. وحدتی که روی اصول مشخصی بنا می‌شود: تمامیت ارضی کشور
جدایی دین از حکومت
اجرای اعلامیه حقوق بشر و ملحقاتش
و یک نظام دموکراتیک که نوع آن با رأی مردم تعیین می‌شود.

اینها مشترکاتی است که می‌توان روی آنها برای کنار گذاشتن جمهوری اسلامی توافق داشت.

و اما سوال اصلی این است که در زمان گذار چه تقسیم کاری صورت می‌گیرد؟ این گذار چگونه به بهترین شکل می‌تواند انجام شود؟ این کار بدون هماهنگی و همسویی نیروهای مختلف کشور، کار بسیار مشکلی خواهد بود. فکر نمی‌کنم هیچکدام از ما مدعی این باشیم که از طرف و به نمایندگی مردم داریم حرف می‌زنیم و برایشان تصمیم می‌گیریم! برعکس، می‌خواهیم به آن مرحله برسیم که نمایندگان مردم بتوانند تصمیم بگیرند! این موضوع حساس

بیانیه شهبانوفرچ پهلوی به مناسبت دستگیری‌های اخیر: پشت و پشتیبان یکدیگر باشیم و اختلاف‌ها را به سود ایران متحد و یکپارچه کم کنیم



می‌دانم که در شرایط کنونی حاکمان میهن‌مان بجای شکوفا کردن ظرفیت‌های زنان بی‌همتای ما بر بی‌عدالتی و آزار و تحقیر افزوده‌اند و بجای قردرانی از هنرمندان که در داخل و خارج از ایران مورد احترام هستند، آنها را به زندان می‌اندازند و چون پاسخی به خواسته‌های فعالان سیاسی، کارگری، معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار و اصناف ندارند، آنها را زندانی و یا سرکوب می‌کنند. اما اراده و شجاعت مدنی زنان و مردان کشورمان از قدرت سرکوبگران بزرگتر و قوی‌تر است. برای رسیدن به روزهای درخشان ایران پشت و پشتیبان یکدیگر باشیم و اختلاف‌ها را به سود ایران متحد و یکپارچه کم کنیم. به امید پیروزی نور بر تاریکی
۲۶ تیر ۱۴۰۱ / ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۲

عملکردشان را دید و بعد بتوان قضاوت کرد. همیشه امیدوار هستم که هر نوع تشکل و سازمان و شورایی که جمع می‌شوند، ضریب آسیب‌پذیری و شکست را به حداقل برسانند چون جامعه دیگه ظرفیت ضرر و فرصت برای از دست دادن ندارد ولی طبیعی است بلافاصله با دشمن روبرو می‌شود؛ با حرکت‌هایی از سوی حکومت و لشکر سایبری. باقی‌مانده این هست که باید یک ارزیابی عملی داشته باشیم و امیدوار باشیم که تأثیرگذار باشند و بر اساس آن مبانی مشترک بتوانند کارشان و برنامه‌شان را پیش ببرند.

پرسش: یکی از مباحثی که مطرح است عدم اظهار نظر صریح شما درباره گذشته و پادشاهی بر اساس قانون اساسی مشروطه است. در حالی که سخنان ۱۳ خرداد شما مخالف پادشاهی فردی است. این تفاوت نظر باعث درگیری‌ها و اختلاف شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی شده.

در رابطه با رفع این مشکل راهی به نظرمان می‌رسد؟
پاسخ: بهترین راه به نظر من این است که بگویم باور من اکنون چه هست! در آن زمان چهار سال پیش که مشروطه و مشروطیت مطرح بود و به عنوان یک آئینتایو وجود داشت، من در آن زمان این کار را کردم. در همان زمان هم اشاره کردم که نهایتاً پذیرفتن این آئینتایو با مردم است! در روند روزگار افکار خود من هم تغییر پیدا کرد چرا که می‌خواهم آزاد باشم تا بتوانم تجارب خود را با آزادی در میان بگذارم؛ چه کسی استفاده بکند چه نکند.

ایران ما سزاوار همزیستی مسالمت‌آمیز همه شهروندان با هر عقیده و پوشش و سبک زندگی است، چنانکه روزگاری چنین بود و به همت مردم باز هم روزی خواهد رسید که چنین خواهد شد. هم‌میهنان عزیزم، اگرچه روزی نیست که خبر و تصویر حمله به زنان و سلب حقوق و آزادی‌هایشان روح و روان هر ایرانی شریف را نیازارد، اما هم‌زمان اخبار مبارزه مدنی زنان و مردان سرزمین ما هرگونه اجبار و تبعیض، مایه افتخار و سربلندی است. ایران ما سزاوار همزیستی مسالمت‌آمیز همه شهروندان با هر عقیده و پوشش و سبک زندگی است، چنانکه روزگاری چنین بود و به همت مردم باز هم روزی خواهد رسید که چنین خواهد شد.

را مردم باید بگیرند. وقتی می‌گویم مردم یعنی مردم باید تصمیم بگیرند. اساس مشروعیت و مقبولیت یک نظام در جامعه است. نمی‌شود به زور اینها را به جامعه تحمیل کرد! مشروعیت و مقبولیت نهایتاً خواست جامعه است. این به معنی این نیست که مردم خودشان به شکل سازمانیافته آئینتایو ندهند! آئینتایو بالاخره یک ساختاری، یک تشکلی، یک سازماندهی است. ترکیبی از خیلی نهادهاست. مسئله اتکا بر مردم، برای مشروعیت نهایی است.

پرسش: اخیراً شورایی به نام «شورای ملی تصمیم» اعلام موجودیت کرده که دارای تنوع و تکثر از داخل و خارج است ولی این شورا مورد حمله برخی از جمله اتاق فکر جمهوری اسلامی قرار گرفته. نظر شما درباره این شورا که ریشه اصلی آن در ایران است چیست و چه توصیه‌ای برای فعالان شورا دارید؟

پاسخ: یکی از چیزهایی که در این تجربه چهار ساله به دست آوردم امتناع از قضاوت عجولانه است و اینکه مسائل را بر اساس عملکردها بررسی کنم. از نظر پرنسیپ، واکنش من نسبت به هر اقدام هم‌میهنانه‌ای که برای هدف مشترکی جمع می‌شوند مثبت است ولی در نهایت باید عملکرد آنها را دیدا من نمی‌دانم! به اندازه کافی داده و شناختی از کاری که انجام دادند ندارم و نمی‌توانم ارزیابی عملی بکنم. بنابراین دو موضوع را جدا کنیم. یکی نیت و همکاری یک عده است برای اهداف مثبت و دیگری اینکه باید

این روند هماهنگی در حال شکل گرفتن است ولی تا این لحظه بطور مشخص آیا چیزی پیشنهاد شده؟! این را باید از خود این تشکل‌ها پرسید!

پرسش: پیمان نوین تأثیرات مثبتی داشت ولی در سخنان ۱۳ خرداد شاهزاده «بزرگترین اپوزیسیون» و «آئینتایو» ملت ایران معرفی شده. آیا در این پیام نقش احزاب سیاسی را برای براندازی جمهوری اسلامی کمتر می‌بینید؟ در نظام ایده‌آل شما آزادی احزاب و تشکل‌های صنفی و مدنی و زیست محیطی چگونه است؟

پاسخ: مبنای مقبولیت یا مشروعیت هر کار سیاسی نهایتاً حمایت و تأیید مردم آن مملکت است. تنها معیار اندازه‌گیری من نیز از وجهه یک تشکل در هر فرمی، میزان تأثیرگذاری آن در خود جامعه است. این نکته عجیب و غریبی نیست که من بگویم. همه جای دنیا اینطور است. اما عواملی که می‌توانند اهرم و ابزار هر نوع تغییری باشند مسلماً تشکل‌های صنفی و سیاسی هستند. موضوع من این بود که به مردم بگویم نهایتاً تصمیم‌گیرنده شما هستید و تعیین‌کننده شما هستید! بقیه ابزاری هستیم در اختیار شما! ولی مبنای تصمیم نهایی، شما مردم هستید! این به هیچ عنوان به معنای این نیست که من بخواهم تشکل‌ها را دور زده باشم، برعکس! همانجا [پیام ۱۳ خرداد] گفتم همه این کارها برای اینست که در آینده احزاب سیاسی بتوانند برای انتخاب دولت‌ها رقابت کنند و انتخابات داشته باشند. وگرنه بدون اینها هر حرفی، مفت است. شما بهترین قانون اساسی را داشته باشید، بهترین تئوری حکومت و حاکمیت را هم تعریف کرده باشید و رفتارند هم داشته باشید و مردم هم تصمیم بگیرند؛ ولی چگونه اینها می‌خواهند در آینده کشور در مسائل سیاسی شرکت داشته باشند؟! یا از طریق احزاب است یا نهادهای دیگر سیاسی.

در آغاز کار که ایران همچنان در بحبوحه‌ی جنگ بود و شخصیت‌های آن زمان مانند زنده‌یاد دکتر بختیار و علی امینی و دیگران کار را تازه شروع کرده بودند، کسی صحبتی به غیر از انقلاب نمی‌کرد. از همان ابتدا برای من نقش اپوزیسیون مهم بود. آنوقت کسی به حرف اپوزیسیون گوش نمی‌داد. حتا تا همین چند سال پیش همین بخش اصلاحطلبی که همچنان امیدشان به اصلاح حکومت بود اصلاً جواب سلام ما را نمی‌داد! امروز اوضاع خیلی فرق کرده. در پیمان نوین هم گفتم کاری به عقبه افراد ندارم. سواً همیشه این بود که امروز چه می‌گویید و امروز به خاطر مملکت حاضرید چه کنید؟!

من خیلی زودتر از هر جریان سیاسی دیگر با کسانی که مخالف‌ترین مخالفان نظام پدرم بودند دست همکاری دادم و با هم کار کردیم. اگر هدفم چیز دیگری غیر از این می‌بود، می‌گفتم بقیه اهمیتی ندارند و هر کسی که زورش بیشتر است مثل قانون جنگل پیش می‌برد. اما برعکس؛ من همیشه گفتم حقوق همه باید حفظ بشود؛ حق نظر و بیان هر کسی باید حفظ بشود. من اگر مبارزه می‌کنم برای آزادی دیگری، برای این است که بتواند در آینده آزاد باشد و مخالف من باشد. ولی مخالف بودن به معنی دشمن هم بودن نیست. هر کسی مثل من فکر نمی‌کند الزاماً دشمن من نیست. نگاه من به پلورالیسم سیاسی و اجتماعی این است. به هر حال باید از یک فازی عبور کنیم که یک شهروند در خودش احساس مسئولیت کند برای حفظ یک سیستم یا رواج یک سیستم، نه اینکه پاسیو باشد و گوشه‌ای بنشیند. اینبار دیگر مردم باید با چشم و گوش باز بررسی کنند و رصد کنند و تصمیم بگیرند. من فراتر از این راه دیگری ندارم! همه چیز باید ارائه شود و تصمیم نهایی

من هیچ منفعت خاصی در این میان ندارم جز آزادی کشورم. محدود به هیچ ساختار خاصی نیستم و آزادانه با مردم می‌توانم نظراتم را در میان بگذارم. اینکه در آینده مردم چه می‌خواهند انتخاب بکنند صحبت دیگر است. صحبت من چه با طیف جمهوریخواه و چه طیف طرفداران سامانه پادشاهی این بوده که می‌خواهیم برای آینده بهترین مدل‌های آینده را پیشنهاد دهیم. وقتی صحبت از قانون اساسی و مجلس موسسان می‌کنیم، باید به این بحث‌ها بپردازد و درباره اینکه شکل نهایی نظام چه می‌تواند باشد، قطعاً جمهوریخواهان باید بهترین مدل نظام خودشان را ارائه بدهند و سامانه پادشاهی هم همینطور و بر اساس پیشنهادهای ارائه شده، نهایتاً مردم تصمیم می‌گیرند.

من نظرات شخصی خودم را دارم و شخصاً کوچکترین انگیزه یا خواستی و یا رقابتی برای کسب قدرت ندارم و نخواهم داشت برای اینکه هدف و منظور و انتره من این نیست آنهم به این دلیل که بتوانم کمک باشم به مجموعه‌ی این تلاش‌ها برای رسیدن به آن آینده دموکراتیک و منافع کل مملکت و نه یک جریان و گروه خاص! به همین دلیل موضع‌گیری و جناح‌گیری نمی‌کنم، به همین دلیل با همه صحبت می‌کنم و این نکات را که به شما می‌گویم، به همه گروه‌های دیگر هم می‌گویم.

پرسش: در سخنانی ۱۳ خرداد شما از عبارات «ایلات» و «عشار» و «طوایف» بجای اقوام و گروه‌های اتنیکی صحبت شده و احزاب اقوام نسبت به این موضوع انتقاد داشتند. نظرات درباره همکاری با گروه‌های اتنیکی چیست؟

پاسخ: هموطنانی که با من تماس دارند مثلاً جوانی از خطه بختیاری می‌گوید از ایل بختیاری است یا ایل لک و لر و عشیره... واژه‌بندی خود آنهاست نه من! آن حرف از واقعیت جامعه و از گفتگوی با آنها می‌آید. به معنی این نیست که کلیت مثلاً کردها و کلیت ترک‌ها و کلیت عرب‌ها را دارم نامگذاری می‌کنم. اینها نمونه‌ایست از آنچه وجود دارد. من ایران را ملت متکثر می‌بینم با زبان و گویش و مذاهب و اقوام مختلف.

بجای وارد شدن به سمانتیک، اصل گرفتاری را ببینیم: آیا حقوق و خواست‌های آنها در نظر گرفته خواهد شد؟ آیا به آنها توجه داریم و حساس هستیم و درک می‌کنیم؟ یا اینکه یک‌عده می‌خواهند آنها را نادیده بگذارند؟ مهم اینست که حرف هم را درک کنیم و این همیشه سعی من بود و تنها حرفی که به همه می‌زنم این است که تمام خواست‌هایی که شما دارید، ما اصلاً در موقعیتی نیستیم که بخواهیم چیزی بدهیم یا بگیریم! باید به مرحله‌ای برسیم که از یک مرجع بخواهیم و آن مجلس مؤسسان است و نه اینکه از خودمان [از یکدیگر] بخواهیم! ما اگر به تئوری حکومت توجه کنیم و بگوییم که چه چیزی نهایتاً می‌تواند تصمیم بگیرد و برای تشکیل آن تلاش کنیم، آنوقت به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود. منتها مکانیسم می‌خواهد و باید آن را به وجود آورد وگرنه ما نمی‌توانیم به همدیگر چیزی بدهیم یا بگیریم! من فقط می‌توانم به همه بگویم پله حرف‌های شما را می‌شنوم و می‌فهمم و خواست‌های شما بجای خود! ولی چه چیزی می‌تواند تصمیم بگیرد؟ آن تصمیم‌گیرنده من و شما نیستیم! اگر روی این مسئله به توافق برسیم بیشتر به اصل مسئله توجه کرده‌ایم و برای فراهم کردن راهکار تلاش کرده‌ایم.

پرسش: بر اساس سخنانی ۱۳ خرداد شما، ملت که نمی‌تواند آلتزاتیو باشد! مردم می‌توانند آلتزاتیو اجتماعی

باشند که به یک رهبری نیاز دارند حالا چه فردی چه جمعی. برای رسیدن به این رهبری جمعی و نیرومند یک شورای رهبری اعم از جمهوریخواه و مشروطه‌طلب تشکیل شود از نخبگان سیاسی، از همه احاد ملت که هفت هشت نفر هم بیشتر نباشند.

پاسخ: وقتی می‌گویم مردم آلتزاتیو هستند به معنی این نیست که این آلتزاتیو از سوی سازمان‌ها و گروه‌ها ارائه نمی‌شود! حرف من این است: اگر این سازمان‌ها و گروه‌ها و نیروها بر مردم متکی نباشند و مشروعیت خود را از مردم نگیرند، و مورد تأیید مردم نباشند و یا مشروعیت‌شان را به غیر از خود مردم بخواهند از جای دیگری کسب بکنند، مردم قبولشان نخواهند داشت و حرفشان به جایی نخواهد رسید!

روند کار و میزان تأثیرگذاری تمام این کنشگران و فعالین چه در داخل و چه در خارج به نقش آنها اهمیت می‌دهد و در وزن‌کشی نقش دارد. یک مکانیسم هماهنگی که درباره‌اش مرتب صحبت شده بالاخره باید از جایی آغاز شود. دست‌کم از زمان پیمان نوین این موضوع کمی تسریع شده ولی خود این نیروها هستند که باید ببینند چه کار کرده‌اند؟ چه پیشرفتی داشته‌اند؟ و چقدر نزدیک شده‌ایم به اعلام چنین مرکزی!

وقتی داوطلبانه کاری انجام می‌دهید فقط می‌توانید پیشنهاددهنده باشید؛ قبول و تأیید آن با دیگران است! اگر بخواهید چیزی را از بالا به پایین بسازید، نقض غرض می‌شود! چون این مشکل پیش می‌آید که کسی به شماها رأی ندهد! شما نماینده کسی نیستید! این بحث‌ها همیشه بوده و چهل سال است این مسائل را داریم! همیشه اختلاف نظر بر سر این بوده که دعوت کننده کی بوده؟! زیر پرچم کیست؟! و... تجربه خود من از گفتگو با انواع فعالان سیاسی و مدنی این است که تا رهبری واقعی پیش نیاید ما ول معطل و روی هوا هستیم.

ولی تعریف این رهبری چیست؟ قدر مسلم رهبری فردی نیست و من آن را در پیمان نوین هم رد کردم. پس تنها می‌تواند نتیجه کار مشترک عده‌ای باشد که پیشقدم می‌شوند. اما در این راستا ادعایشان این نیست که ما از سوی مردم رأی و نمایندگی داریم، بلکه عملکردشان مورد تأیید و قبول جامعه قرار می‌گیرد و همان برای من کافیست به عنوان مبنای مشروعیت کاری که دارند انجام می‌دهند. حال هر چقدر جریاناتی که مایل هستند امروز این همکاری را انجام بدهند، دست به دست هم بدهند تا بیشتر پیش برود، مسلماً خیلی وسیع‌تر و تأثیرگذارتر خواهد بود. از دید تأثیرگذاری تنها همین عملکرد است که بازخوردش را در فضای مجازی می‌بینیم. فقط آنالیز خاص داده‌های علمی است که با روش‌های دیگری به دست می‌آید که مثلاً جامعه ایران در حال حاضر از نظر فکری و ذهنی در کجا قرار دارد. ما هرچه زودتر به این هماهنگی برسیم، از خوان مهمی عبور کرده‌ایم و با توجه به وضعیت شکننده نظام و خلاءای که به هر حال به وجود خواهد آمد ارائه این آلتزاتیو بسیار کلیدیست.

فعالان مدنی تا حدی می‌توانند تلاش و کار کنند، اعتراض و اعتصاب کنند ولی به اندازه کافی شرایط سقوط نظام را فراهم نمی‌کنند. ورود به صحنه در حال حاضر قبل از فروپاشی با نیروهای متحد سیاسی و پلورالیست و با ترکیب بسیار متکثر کمک می‌کند به درک اینکه در زمان ترانزیسیون چه نقشی می‌تواند داشته باشند. اعتمادسازی قبل از فروپاشی آسانتر است تا در زمان فروپاشی زیرا به گذار هم کمک می‌کند. اکثر نیروهایی که در این گذار نقش دارند در داخل کشور هستند. خیلی‌هاشان ممکن است

در دستگاه‌های موجود اداری باشند ولی الان صدایشان در نمی‌آید یا نمی‌تواند بطور زودرس دربیاید چون بلافاصله شناسایی می‌شوند و رژیم سرشان را زیر آب می‌کند ولی مسلماً در آن ترانزیسیون که من فرض می‌کنم خیلی از این نیروها باید بایند و آن‌ها را پر بکنند. کشور که نمی‌تواند یکمرتبه تعطیل بشود! اداره موقت کشور که نمی‌تواند تعطیل بشود! ما که نمی‌توانیم تجربه بدی را که در سقوط صدام حسین در عراق دیدیم برای ایران پیش ببریم. در آنجا تمام نیروهایی که سر کار بودند کنار گذاشته شدند و نتیجه را دیدیم چه شد. باید برنامه‌ریزی داشت. اتمام حجت و اطمینان دادن به آن بخشی از نظام که ریزش می‌کنند و اینکه در فردای فروپاشی جای خود را در جامعه خواهند داشت و نقش خودشان را خواهند داشت جزو صحبت ماست. به خصوص من نگاهم به سوی نیروهای انتظامی و شبه‌نظامی کشور است. اینها که نمی‌توانند روی هوا بمانند. امنیت کشور ما در وهله اول در دست این افراد خواهد بود. اسلحه دست اینهاست! حالا چه از نظر دفاع از مرز و بوم کشورمان باشد و چه از نظر آرامش و نظم و ترتیب در داخل مملکت که کار به آنارشی نکشد.

تمام اینها را امروز بهتر خواهیم توانست با یک برخورد جمعی با تمام اقشار جامعه پیش ببریم و یک گفت‌وگو مشترک ارائه بدهیم تا اینکه مردم [با نگرانی] بگویند کدام گروه قرارست موفق بشود؟! و معلوم نیست با ما راه بیاید یا نیاید و...!

تکرار می‌کنم، تا زمانی که اطمینان به آلتزاتیو یا حداقل درک اینکه این آلتزاتیو را به چه شکلی می‌خواهیم پیگیری کنیم و این ترانزیشن به چه شکلی قرار است اتفاق بیفتد و بازیگران این گذار چه نقشی دارند، مشخص نشود، جلب اعتماد جامعه بسیار مشکل خواهد بود، هرچقدر هم که این نظام را نخواهند! باز برمی‌گردد به اینکه اکنون چه داریم می‌کنیم و شاید سریع‌ترین راه در شروع کار اینست که چنین مکانیسم هماهنگی را بتوانیم وارد صحنه سیاسی کنونی ایران کنیم. منتها باید دید نیروهای سیاسی در کجا قرار دارند.

پرسش: ما هم در این جمعیت [سوسیال دموکراسی برای ایران] به این نکات باور داریم و از این رو از سخنان شما استقبال کردیم. و برای این همبستگی در «کانون همبستگی» با طیف‌های مختلف تلاش می‌کنیم. اما متأسفانه در بین طرفداران شما یا مشروطه‌خواهان که قاعدتاً می‌بایست با هم نزدیک باشند دو دستگی‌هایی وجود دارد که مانع همکاری می‌شود. چیزی که مانع ائتلاف در بین هواداران شما می‌شود عمدتاً از تفاسیر است که آنها از صحبت‌های شما دارند. برای جلوگیری از این برداشت‌های دلخواه و متضاد چه باید کرد؟

پاسخ: اگر من از هرکدام خودتان این سوال را می‌کردم که شما چه کسی را طرفدار خود می‌دانید چه پاسخی می‌دادید؟! قاعدتاً پاسختان این بود که از طرز فکر و اندیشه و باور و رفتار شما پشتیبانی کنند. ولی خیلی‌ها ممکن است ادعا کنند طرفدار این یا آن هستند ولی آیا در رفتار و عمل و اصلاً در درک خود چنین طرفداری را نشان می‌دهند؟ اگر این را نداشته باشند یا ادعایشان بیخود است و یا غرض دیگری دارند.

من واقعا راه حلی نمی‌دانم که این افکار را بتوان به حاشیه راند. اگر ما از یکسو مدافع آزادی بیان هستیم، خوب، طرف می‌گوید شما دارید ما را سانسور می‌کنید. ولی در عین حال اینها حق ندارند ادعای طرفدار بودن بکنند در حالی که عمل و برخوردشان با آن طرفداری یکی نیست و در اینصورت

برای اینکه یک نسل دیگر گرفتار نباشد. این دست ماست برای این همکاری.

اصلا شخصا نگران انگ‌ها و تنش‌ها نیستیم. چون فکر می‌کنم ما آن اعتبار جمعی لازم و فراتر از آن را داریم و الان بایستی وارد گزینه و موضوع آلت‌ناتیو بشویم که به بحث غالب تبدیل بشود. در این مورد نمی‌توانیم غفلت کنیم و جامعه بار دیگر دلسرد بشود و انرژی خود را از دست بدهد و من نگرانم که اصلا ایرانی باقی خواهد ماند که بخواهیم نجاتش بدهیم یا نه! زاینده‌رود و ارومیه دارند از بین می‌روند؛ اکوسیستم و محیط زیست ایران دارد از بین می‌رود. سر آب ممکن است در مملکت جنگ بشود؛ یعنی عواقب انسانی به اندازه‌ای وحشتناک است که این نمونه‌ها چیزی نیست. هر سال که بگذرد و حتی هر چند ماهی که بگذرد لطمه‌اش به مملکت بیشتر می‌شود ولی من نگران این باشم که چهل سال پیش چه فکر می‌کردید؟! نگرانی من قطعا این نیست.

پرسش: شما امروز چه بخواهید چه نخواهید یک سرمایه اجتماعی برای مردم ایران هستید. جوانان ایران می‌گویند مشکل‌شان این است که نمی‌توانند صدای حقوق شهروندی خود را به دیگران برسانند؛ سرکوب می‌شوند و اینترنت را قطع می‌کنند. آیا شما تلاش و رایزنی می‌کنید که کمیانی‌ها و دولتمردان و یا سرمایه‌داران ایرانی اتصال اینترنت را در ایران تأمین کنند؟

پاسخ: این جنبه صرفا تکنیکی دارد که اصلا چنین چیزی وجود دارد و ممکن است یا نه؟ مثلا شرکت استارلینک آیا در خود ایران می‌شود به آن وصل شد؟ آیا از کشورهای همسایه ممکن است؟ افرادی هستند که این مسائل را بررسی می‌کنند که چه امکانی وجود دارد. در نهایت اما کار با یکسری دولت‌های کلیدی سر و کار داد.

ممکن است من شخصا جایی حرفی بزنم و رایزنی با حزب و سیاستمدار کنم. اما این فرق می‌کند با آنکه اگر آن هماهنگی و آن هیئت را می‌داشتیم که به نمایندگی از طرف جریان‌های مختلف از جمله از داخل کشور به سراغ این یا آن دولت می‌رفت. در اینصورت قضیه خیلی فرق می‌کرد. برای تأثیرگذاری بیشتر و نتیجه گرفتن، موضوع فراتر از تلاش‌های شخصی من است. بایستی یک اهرم بسیار قوی‌تری داشته باشیم تا چنین مطالبه‌ای را در سطح جهانی مطرح کنیم. فعلا که دولت‌ها به فکر توافق و قرارداد خودشان با جمهوری اسلامی هستند. دغدغه‌شان رفتن این رژیم نیست. این دغدغه‌ها مال ماست. البته این به معنی این نیست که همه اینها به ما پشت می‌کنند. مسئله بر سر تأثیرگذاری و دیدن مسائل ایران است که این دنیا ببیند که موضوع چیست. ممکن است به نتایج آنی نرسد مثل ونزوئلا و هنگ کنگ و همچنین خود ایران. گاهی هم نتیجه مثبت به دست می‌آید مثل دادگاه حمید نوری که خوشبختانه به آن شکل پایان گرفت و یک پیروزی بزرگ بود به‌خصوص برای کنشگران حقوق بشر. درست است که در سوئد بود ولی یک مجموعه‌ای در همکاری با هم آن را پیش برد.

موقعی می‌شود از کشورهای خارجی و شرکت‌ها کمک خواست که به صورت هماهنگ و کلکتیو باشد مثلا اگر من به عنوان به فرض نماینده این مجموعه حرف بزنم معلوم است که موثرتر خواهد بود تا اینکه نظر شخص خودم را بگویم. یک روزی همه این رودها و شوراها هم بهم وصل می‌شود و شاهرگ اصلی را ایجاد خواهد کرد. ولی هرچه هماهنگ‌تر باشیم و منسجم‌تر، بخت نتیجه‌گیری مثبت هم بیشتر و هم موثرتر خواهد بود.

با افراد و همکاری با آنها اساسش بر مبنای آنچیزبست که اکنون دارند انجام می‌دهند و فکر و جهت اکنون‌شان. چون همکاری بر سر یکسری اصول مشترک است. برای من مهم نیست شما چهل سال پیش چه می‌کردید! الان مهم است که چه می‌کنید. اگر دغدغه ما حکومت و حاکمیت مردم و نظام دمکراتیک باشد و حقوق شهروندان در آن حفظ بشود و قانون اساسی منطبق بر حقوق بشری داشته باشیم که به دغدغه‌های جنسیتی و مذهبی و اتنیک و سیاسی بپردازد و اینکه چطور آن را پیاده کنیم.

ما بهم نیازمندیم. تنها جایی که ممکن است رقابت داشتیم باشیم در سلیقه و نوع دولتی است که باید انتخاب بشود و در رقابت احزاب است. ولی فردای انتخاب که نصف جامعه مسلح نمی‌شود برود طرف پیروز را سرکوب کند؛ و یا برعکس، آنکه پیروز شده بقیه را سرکوب نمی‌کند! این ضمانت دمکراسی است. ما به دنبال این هستیم. پس باید بتوانیم با هم کار کنیم. چطور می‌خواهیم به جامعه نشان بدهیم که دنبال انتقامجویی نیستیم و به دنبال آشتی ملی و صلح و کم هزینه کردن این تغییرات هستیم؟ دور باطل انتقامجویی را باید از بین ببریم.

آیا الان از نظر درک و ذهنیت و آگاهی و تجربه و غیره در وضعیت بهتری هستیم نسبت به چهل سال پیش؟ از نظر من بله! پس باید در عمل نشان بدهیم. اگر دیروز [سال ۵۷] یکدهای پولاریزه شده بودند و مقابله با یک وضعیت حکومت می‌کردند امروز شبیه همانزمان است و باز هم با یک حکومت روبرو هستیم ولی اینبار می‌خواهیم نتیجه درست بگیریم و نه نتیجه غلط. این خیلی مهم است به ویژه برای آنهایی که نمی‌خواهند هنوز بفهمند. اگر می‌خواهید بگویید نتیجه [آن مقابله در ۵۷] غلط بود، بحث درستی است؛ ولی انگیزه دمکراسی‌خواهی که غلط نبود! این دو تا را نمی‌شود با هم قاطی کرد، حداقل از دید من.

پس اگر ما همچنان در جهت دمکراسی‌خواهی اینبار می‌خواهیم نتیجه درست بگیریم یکی از راه‌های نشان دادنش این است که دیگر بهم سرکوفت نمی‌زنیم که دیروز چه کردید! چون دیگر نمی‌شود به عقب برگشت؛ ما می‌خواهیم به جلو برویم. باید در عمل نشان بدهیم که چیزی را واقعا یاد گرفتیم و آموختیم یا نگرفتیم! اگر نگرفتیم آیا شایسته سرنوشت بهتر هستیم؟ یا لیاقت‌مان همین چیزبست که الان داریم؟! مسلما لیاقت ما این نیست و خیلی بهتر از این هست. ولی فقط و فقط در عملکرد خودمان می‌توانیم این تفاوت را اثبات کنیم به خودمان و به بقیه. من از اینجا شروع می‌کنم. از روز اول که وارد این زندگی سیاسی شدم که دست خودم هم نبود، دست هیچکدام از شما هم نیست، نگاهم همیشه به جلو بوده. نه به عقب. و وقتی می‌گویم دست همکاری، با کمال خلوص نیت و صداقت این را می‌گویم حتا با کسانی که علیه پدر من انقلاب کردند. امروز چه می‌گویند؟ یاد می‌آید همان زمان جنبش سبز تلفنی داشتم با اسماعیل خوبی صحبت می‌کردم؛ گفت نفرین شده هستیم. گفتم شما تجارب خودت را در اختیار نسل امروزی بگذار اگر می‌خواهی رفع و جبران کنی. و یادم می‌آید صحبتی آن اوایل با هما ناطق داشتم در پاریس که چه جوری ارزیابی می‌کرد شرایط را. چهل سال پیش یعنی زمانی که نصف جمعیت الان کشور به دنیا نیامده بود! اکنون کجا هستیم؟ اکنون باید بگوییم کسی که قبلا اصلحطلب بود غیرقابل همکاری‌بست؟ یا اینکه چه بهتر که فهمید نمی‌شود نظام را اصلاح کرد؟! برای اینکه بتوانیم با هم به خاطر مملکت همکاری کنیم؛ به خاطر رفع مسائل و مشکلات کشور و

من می‌توانم به او بگویم که نه طرفدار من نیستی! من این را همیشه به شکل شفاف گفته‌ام و تکرار کرده‌ام و باز هم می‌گویم: در میان طیف‌هایی که به جریان سامانه پادشاهی تعلق دارند نمی‌توانند رفتار ضد تולرانس داشته و طور دیگری باشند. متاسفانه مجبوریم در بعضی موارد خط‌کشی‌های مشخص کنیم.

من مطمئن هستم در طیف‌های دیگر هم این موضوع وجود دارد و شما هم این مشکلات را دارید و در همه طیف‌ها هست! چگونه می‌توان راهی پیدا کرد؟ من در سخنرانی ۱۳ خرداد هم گفتم که دو تیپ هستند: بخشی که همچنان جزو مشکل هستند یعنی بجای راه حل و همکاری و اینکه می‌سرکوفت بزنند که طرف انقلابی بوده و... اصلا سر و کله زدن با اینها اتلاف وقت با ارزش هر کدام از ماست. کاتگوری دوم آنها هستند که می‌خواهند با جدیت و صمیمیت با هم کار کنند؛ تا جایی که ممکن است برای اینها وقت می‌گذاریم و صحبت می‌کنیم و... اینقدر باید این کار را کرد تا افراطیون به حاشیه رانده شوند. تنها راه هم باز عملکرد خودشان است. ما که می‌گوییم کی باشد و کی نباشد! این عملکرد خودشان است که تعیین می‌کند. ولی مستلزم اینست که بقیه دیسپلین‌های خودشان را داشته باشند و از هم دفاع کنند. اگر کسی به جریانی حمله کرد، از آن دفاع کنیم! از هم دفاع کنید در مجموعه‌ای که نیت خوش دارد. وگرنه خراب کردن و تهمت زدن و شایعه‌پراکنی بسیار آسان است. تنها راه، جدیت و تلاش مستمر در جا انداختن روش و روندیست که برای بعضی‌ها خوش نیست. ولی تنها راه چاره برای آینده کشور همین است. تمام کشورهای آزاد مسئله هموفوبیک بودن و ضد جنسیت بودن و مذهب و راسیسم را دارند. این افراد که از بین می‌روند! ولی حرفشان برو ندارد؛ پایه قانونی ندارد و هیچ جریان و رسانه‌ای از آنها حمایت نمی‌کند. ولی این راه یک‌شبه نیست و همه چیز از همان ترکیب اولیه شروع می‌شود؛ از هویت نوینی که می‌خواهیم از خود ارائه بدهیم و ثابت کنیم که این مملکت جای کافی برای همگی دارد و حکومت قانون و قانونمندی هست که نهایتا در مملکت قائم خواهد بود؛ حق شکایت و حق دادرسی برای ظلم و توهین و تهمت و زور وجود دارد. حکومت قانون را باید به وجود آورد.

ما از هر نوع روندی که ما را به مسیر یک فاشیسم نوین و یا برخورد‌های غیرقابل قبول برگرداند از حالا باید جلوگیری کنیم و در برابرش بایستیم و فکر کنیم در اکثریت برنده هستیم. اکثریت خاموش اینطور فکر می‌کند. معمولا گروه‌های افراطی هستند که صدایشان بلندتر است. ولی به معنی این نیست که حرفشان اثرگذارترست. در مقابل آن سر و صدا ما باید سر و صدای خودمان را داشته باشیم و این تنها راه برای به حاشیه راندن آنهاست.

پرسش: من در انقلاب ۵۷ شرکت داشتم و از سال ۵۸ علیه این رژیم مبارزه می‌کنم و چهار سال و نیم نیز در زندان بودم اما بعضی جوانان که کار سیاسی می‌کنند فکر می‌کنند ما عامل بدبختی مردم بودیم و بابت این کارمان باید توبه کنیم! بعضی‌هاشان طرفدار شما هستند. آیا این چهل و اندی سال مبارزه ما که بسیاری هم جانشان را از دست دادند تاثیری در عقب نشاندن این رژیم نداشته؟

پاسخ: من حداقل به شما بگویم که در ۵۷ گیر نکردم. و امروز در اولین سال قرن جدید [خورشیدی] نگاهم اینست که اکنون چه می‌کنیم، به همان اندازه اهمیت دارد که تجربه‌ای که شما داشتید و دیگری و دیگران. به شرطی که این تجربه را به مصرف بیهیبه برسانید. نگاه من در رابطه

پرشش: ساز و کار عملی و مادی برای تضمین دموکراسی در فردای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی کدام است؟ پیشنهاد شما برای این تضمین چیست؟ برخی بیانیه ده ماده‌ای دادند؛ برخی پارلمان در تبعید می‌گویند؛ برخی می‌گویند حل ریشه‌ای برای رهبری باید در دست زنان باشد!

پاسخ: بخش قضایی در زمان بحران سیاسی یک مطلب کلیدی است و حاکمیت قانون؛ با فرض اینکه قانونی البته تدوین شده باشد یعنی مثلاً مجلس موسسان تصمیماتی گرفته باشد و قانون اساسی مشخص باشد، همه اینها در گرو داشتن دادگستری قوی و مستقل است. حتی در حل برخی بحران‌های سیاسی مملکت نیز می‌تواند نقش یک دیوان عالی را بازی کند. من بخشی از مسئله را در قانونگذاری می‌بینم. در حکومت قانون و حفظ آن. موضوع قضا و حقوقدانان بسیار مهم است؛ الزاماً کسانی که بیشتر سیاسی هستند دنبال ایده‌ها و ایده‌آل‌های خودشان هستند ولی اگر جایی اختلافی به وجود بیاید که صندوق رأی نتواند حل کند، و برداشت قانونی مورد ابهام و اختلاف باشد آنوقت نه قوه مجریه و نه قوه مقننه نمی‌تواند مشکل را حل کند. ما نیازمند کمک فکری افراد متخصص در این عرصه هستیم و به برداشت حقوقی نیاز است که می‌بایست به مستحکم‌تر کردن این هدف کمک کند.

زمانی که اعتماد کافی ندارید، می‌بایست جایی برای دادخواهی باشد. اعتماد را نمی‌شود فقط به یک فرد داشت. این اتفاقا خطرناک است؛ چون آن فرد که امروز به او اعتماد دارید ممکن است فردا طور دیگری بشود. بعدش چکار می‌خواهید بکنید؟ اعتماد را باید به سیستم داشت؛ به نهادها و به ساختارهایی در جوامع دموکراتیک که ضامن‌های حفظ دموکراسی هستند؛ سندیکاها، رسانه‌های آزاد، ان جی او ها، اینها هستند که مراقبت می‌کنند راجع به مسائل مختلف و خیلی فراتر از ساختارهای حکومتی. چه بهتر که هرچقدر بیشتر هم اکنون اینها را وارد کار بکنیم.

خیلی از نهادها در داخل که در مقابل رژیم هستند باید آنها را تقویت کرد و صدایشان را در خارج به گوش رساند. آنها مشکلات را می‌شناسند و باید آنها را توانمند کرد. آنها باید متکی باشند که شاید صدایشان در داخل خفه است، در خارج کشور انعکاس پیدا می‌کند. همه اینها چیزهایی است که کمک می‌کند نه تنها به توانمندتر کردن قابلیت اجرایی کارهای کنونی یا در زمان گذار بلکه نمونه‌ای است از آنچه می‌توانیم داشته باشیم؛ اینهاست که بستر اعتماد را در جامعه فراهم می‌کند. ولی این راه یک شبه نیست بلکه یک روند و پروسه است و چه بهتر که از هم‌اکنون آغاز کنیم. گذر زمان نشان خواهد داد یا ثابت خواهد کرد که آیا ما در این اعتمادسازی که جامعه به آن نیازمند است موفق خواهیم بود یا خیر. ولی فکر کنم با انگیزه‌ای که در میان جریان‌های متمایل به همکاری می‌بینم، خیلی به این مرحله نزدیک شده‌ایم ولی به شرطی که بدانند که ما با این علم این کار را می‌کنیم که حق داشتن اختلاف سلیقه را همچنان محفوظ می‌دانیم و حق اینکه فردا یکسری اختلاف نظر با هم داشته باشیم محفوظ می‌دانیم و به این مفهوم پلورالیسم سیاسی را در مملکت مان حفظ می‌کنیم ولی حق هیچکسی زیر پا گذاشته نمی‌شود. این سریع‌ترین راه جذب اطمینان و اعتماد جامعه است و تنها راه‌اش نه در حرف بلکه در عمل نشان دادن است؛ من راه دیگری نمی‌بینم.

اگر آن حمله را جمهوری اسلامی شروع کرد چی؟!

جنگ برای اعتقاد و اقتصاد!



چشم همه هستند و بسیار صریح‌تر از سوی زمامداران نظام مطرح می‌شوند.

الاهه بقراط (آذر ۱۳۹۰) - شیرازه رژیم در حال از هم گسستن است؟ حمله به سفارت انگلستان و مواضع متناقض سران جمهوری اسلامی که دولت‌اش «ابراز تأسف» و عضو «خبرگان» و رؤسای مجلس و کمیسیون امنیت ملی‌اش آن را تأیید، و بخشی از «محافظه‌کارانش» آن را «علیه امنیت ملی» ارزیابی می‌کنند، به چه معنی است؟ آنهم در شرایطی که هر رژیم عقلی اگر بخواهد با تحریم‌ها مقابله کند، باید یک سیاست نرم و نه تهاجمی در پیش بگیرد. آیا سران و مشاوران رژیم، خامنه‌ای را با خمینی، نتایج اسفبار سی و اندی سال حکومت را با وعده‌های شیرین نخستین سال انقلاب اسلامی، دولت کنونی را با دولت بازرگان و شرایط تغییر یافته جهان امروز را با دوران جنگ سرد، اشتباه گرفته و اساساً قادر به تشخیص موقعیت خود نیستند؟

پیوند خطرناک اعتقاد و اقتصاد

اگر جنگی در ایران در گیرد، مسبب آن رژیم جمهوری اسلامی است. از همین رو تنها نیرویی که می‌تواند از آن جلوگیری کند، درست مانند رژیم‌های طالبان و صدام و قذافی، کسی جز جمهوری اسلامی نیست. کفایت جمهوری اسلامی با همکاری همه‌جانبه، خیال غرب و کشورهای منطقه را نسبت به برنامه اتمی خود آسوده کند تا نه تنها خطر جنگ بلکه تحریم‌های اقتصادی نیز به تدریج لغو شوند. مگر بسیاری از رژیم‌های دیکتاتوری و واپسمانده با غرب روابط دوستانه ندارند؟ جمهوری اسلامی هم یکی از آنها! ساده‌اندیشی است اگر تصور شود تحریم‌هایی که دامنه دلایل‌اش به عرصه حقوق بشر نیز کشیده شده، به صرف زیر پا نهادن این حقوق، اعمال می‌شوند. آنهم در شرایطی که جنبش‌های اجتماعی به شدت سرکوب شده‌اند.

شرایط سوریه و لیبی تفاوت دارد: هم جنبش اجتماعی کوتاه نیامد و هم رژیم‌های آن دو کشور! توجه و قبول مسئولیت جهانی (نام‌اش را هرچه می‌خواهید بگذارید: پشتیبانی بشردوستانه، حمله نظامی، مداخله غیرنظامی ...) همواره مشروط به وجود فعال این جنبش‌ها است و نه زیر پا نهادن حقوق بشر و یا ناهنجاری‌هایی که بی‌کفایتی رژیم در برون آنها حتا تأثیر مستقیم دارد. از همین رو جمهوری اسلامی با تمام توان جنبش‌های اعتراضی را سرکوب می‌کند زیرا بر خطر وجود آن‌ها ظاهر بیش از کسانی آگاهی دارد که مدعی همراهی و یا هدایت و رهبری این جنبش‌ها هستند!

بازسازی اشغال یک سفارتخانه غربی پس از سه دهه، نشان می‌دهد ابزار و امکانات جمهوری اسلامی در راه تحمیل سیاست‌های خود ته کشیده و برگ سوخته‌ای را به کار برده که اگر روزی، چه بسا با پشتیبانی «بلوک شرق» و کسانی که معتقد به «مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا» بودند، برگ برنده تصور می‌شد، بدون آنکه پیامدهای اسفبار سیاسی و اقتصادی آن در جهان امروز پیش‌بینی شود، امروز هر حرکت مشابه می‌تواند زمینه را برای برخوردی فراهم آورد که سی سال پیش زمینه‌هایش

● جمهوری اسلامی بر خلاف تلاشی که پس از مرگ رهبر و بنیانگذار خود، آیت الله خمینی، به کار برد، هرگز به یک حکومت یکدست و منسجم تبدیل نشد. رژیم ایران مجموعه‌ای از گروه‌های «خودسر» است! گروه‌هایی که به دلایل اعتقادی و اقتصادی حاضر نیستند آن را از دست بدهند. رابطه «اعتقاد» و «اقتصاد» در جمهوری اسلامی بسیار ساده عمل می‌کند: با منابع اعتقادی، بر منابع اقتصادی چنگ انداختند و با منابع اقتصادی به گسترش اعتقاد خود در منطقه و جهان می‌پردازند، بدون آنکه توانسته باشند آن اعتقاد را در بین مردم خود ایران حفظ کنند.

● کفایت جمهوری اسلامی با همکاری همه‌جانبه، خیال غرب و کشورهای منطقه را نسبت به برنامه اتمی خود آسوده کند تا نه تنها خطر جنگ بلکه تحریم‌های اقتصادی نیز به تدریج لغو شوند. مگر بسیاری از رژیم‌های دیکتاتوری و واپسمانده با غرب روابط دوستانه ندارند؟ جمهوری اسلامی هم یکی از آنها! ساده‌اندیشی است اگر تصور شود تحریم‌هایی که دامنه دلایل‌اش به عرصه حقوق بشر نیز کشیده شده، به صرف زیر پا نهادن این حقوق، اعمال می‌شوند.

● توجه و قبول مسئولیت جهانی همواره مشروط به وجود فعال جنبش‌های اجتماعی است و نه زیر پا نهادن حقوق بشر و یا ناهنجاری‌هایی که بی‌کفایتی رژیم در برون آنها حتا تأثیر مستقیم دارد. از همین رو جمهوری اسلامی با تمام توان جنبش‌های اعتراضی را سرکوب می‌کند زیرا بر خطر وجود آن‌ها ظاهر بیش از کسانی آگاهی دارد که مدعی همراهی و یا هدایت و رهبری این جنبش‌ها هستند!

● مسبب یک جنگ احتمالی بودن اما به این معنی نیست که آغازکننده جنگ یا یک حمله نظامی نیز الزاماً جمهوری اسلامی خواهد بود. ولی اگر بود چی؟! آیا آنگاه تمام محاسبات و ارزیابی‌های کسانی که درباره موافقت و مخالفت با حمله نظامی و جنگ، داد سخن داده‌اند، با این فرض که این جنگ از سوی کشورهای دیگر و عمدتاً غرب، صورت خواهد گرفت و یا باید صورت گیرد، بر هم نخواهد خورد؟! آنوقت موافقت‌ها و مخالفت‌ها به چه شکلی در خواهد آمد؟!

● مقدمات هیچ جنگی یک‌شبه فراهم نمی‌شود و دلیل آن را نمی‌توان به یک عامل و عنصر محدود ساخت. جنگ جهانی اول که دو سال دیگر، یک قرن از آغاز آن می‌گذرد، سال‌ها بود که در بطن و متن جامعه اروپا تدارک دیده می‌شد و فقط آغاز آن با ترور ولیعهد اتریش در صربستان (ژوئن ۱۹۱۴) جرقه زده شد. مقدمات جنگ جهانی دوم نیز سال‌ها بود که فراهم می‌آمد و حمله رژیم هیتلری به لهستان (سپتامبر ۱۹۳۹) فقط پیامد فراهم آمدن آن مقدمات و مشهورترین دلیلی است که برای آغاز جنگ جهانی دوم نام می‌برند.

بازنشر این تحلیل سیاسی از این نظر در شرایط کنونی لازم به نظر می‌رسد که صرف نظر از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، شواهد و مستندات داخلی که ده سال پیش مبنای این تحلیل بوده است، اکنون بسیار شفاف‌تر در برابر



مقابل تهدید دشمن تهدید عملی انجام بدهند. دشمن را باید با هجوم عقب راند و استراتژی کشور در مقابل اقدامات دشمنان علیه کشور باید استراتژی هجومی باشد».

آیا نمی‌توان اشغال سفارت انگلستان را نوع «نرم» و «مزه» این «استراتژی هجومی» ارزیابی کرد؟ آیا تصور اینکه حکومتی که تمامی تغییر و تحولات منطقه را به حساب حقانیت و پرچمداری اعتقادی و استراتژیک خود می‌گذارد، بر اساس آنچه «دستیار و مشاور عالی فرماندهی معظم کل قوا» می‌گوید، به هر شکلی آغازگر یک جنگ باشد، بعید است؟ تمامی رویدادهای «بودار» ماه‌های اخیر را باید کنار هم گذاشت تا در یافتن پاسخ چندان دچار مشکل نشد. متأسفانه رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور توجه لازم را به سخنان «سردار صفوی» نشان ندادند اگرچه این سخنان آنهم از زبان فردی با چنین موقعیت ممتازی در رژیم، برای پی بردن به «اعتقاد» (و نه «شناخت») رژیم نسبت به موقعیت خود، اهمیت بسیار دارد. اعتقادی که نوع زمینی آن، یکبار جنایات استالین‌بسم و رژیم‌های مشابه، بار دیگر جنایات نازیسم، و نوع آسمانی‌اش، جنایات جمهوری اسلامی را رقم زد.

مقدمات هیچ جنگی یک‌شبه فراهم نمی‌شود و دلیل آن را نمی‌توان به یک عامل و عنصر محدود ساخت. جنگ جهانی اول که دو سال دیگر، یک قرن از آغاز آن می‌گذرد، سال‌ها بود که در بطن و متن جامعه اروپا تدارک دیده می‌شد و فقط آغاز آن با ترور ولیعهد اتریش در صربستان (ژوئن ۱۹۱۴) جرقه زده شد. مقدمات جنگ جهانی دوم نیز سال‌ها بود که فراهم می‌آمد و حمله رژیم هیتلری به لهستان (سپتامبر ۱۹۳۹) فقط پیامد فراهم آمدن آن مقدمات و مشهورترین دلیلی است که برای آغاز جنگ جهانی دوم نام می‌برند. تمامی تغییر و تحولات شگفت‌آور منطقه که تا چندی پیش برای کسی تصورپذیر نبود و با اینهمه بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی بدیهی‌ترین اتفاقات در حال روی دادن هستند، تنها در یک واکنش جهانی تعیین‌کننده می‌تواند به تثبیت برسد و نظم لازم را، بدون آنکه بخواهم آن را پیشاپیش مثبت یا منفی ارزیابی کنم، پیاده سازد. نه تنها تجربه تاریخی، با توجه به امکانات محدود نظامی و ارتباطی که کشورها در قرون پیشین داشتند، بلکه تجربه قرن بیستم نشان می‌دهد که این واکنش جهانی همواره به صورت جنگ بروز کرده است. شاید امروز وجود ساختارهای دموکراتیک در اکثریت، تغییری در این واکنش ناگزیر به وجود آورده باشد ولی در جایی که حکومت‌های مهاجم و غیردموکراتیک حاضر نیستند با روند جهانی همگام شوند، این «تغییر» تا چه اندازه تعیین‌کننده خواهد بود؟

حال، آیا اگر مسبب یک جنگ احتمالی، خود، آغازکننده آن نیز باشد، تصورناپذیر است؟ در کشوری که می‌توان گروه گروه دگراندیشان سیاسی و مذهبی را از میان برداشت، نویسندگان و شاعران و سیاستمداران را به قتل رساند، هر روز دست کم حکم دو اعدام را به اجرا در آورد، با اینهمه دستگاه عریض و طویل سیاسی و نظامی و اطلاعاتی، فداییان اسلام را برای ترور به میدان فرا خواند، و هرگاه قافیه تنگ آمد، تجمعی راه انداخت و سفارتخانه‌ها را اشغال کرد، چرا یک گروه «خودسر» در جایی که پای سرنوشت اعتقاد و اقتصاد در میان است، نتواند آتش یک جنگ را شعله‌ور کند؟!

*خبرگزاری مهر؛ «سردار سرلشکر رحیم صفوی: استراتژی ایران باید هجومی باشد»
 *این مقاله نخست ۱۰ آذر ۱۳۹۰ / ۱ دسامبر ۲۰۱۱ در کیهان لندن منتشر شد.



گرافیک از کیهان لندن

جایی که بتواند راه خود را می‌رود. مواضع متناقض مقامات عالی‌رتبه رژیم، از دولت و مجلس تا نهادهای انتصابی زیر نظر «رهبر» درباره اشغال سفارت انگلستان در تهران (سه شنبه ۸ آذر ۱۳۹۰) بیانگر همین واقعیت است. یک ویژگی گروه‌های خودسر این است که به یک بخش معین از نظام محدود نمی‌شوند. هر گروه خودسر افرادی از نهادهای مختلف را با خود همراه دارد. حال با توجه به اینکه هر گروه، شبکه‌ای است که در نهادهای نظامی و اطلاعاتی و سه قوه رژیم نیرو دارد، تصور اینکه یک یا چندگروه از خودسران به این نتیجه برسند که با راه انداختن یک جنگ می‌توان رژیم را نجات داد نه تنها مطلقاً دور از تصور نیست بلکه شواهد تحریک‌آمیز یک جنگ‌افروزی بیشتر به آن دامن می‌زند. نقش قوی و تعیین‌کننده اعتقاد را در بخشی از این گروه‌های خودسر، به ویژه بدنه آنها، نباید از یاد برد که اگر این جنگ به شکست آنان نیز بیانجامد، پیروز نهایی در آخرت، آنها خواهند بود!

جنگ برای اعتقاد و اقتصاد

به این نکته هم باید توجه کرد که شروع جنگ اشکال مختلف دارد. حمله آمریکا و متحدانش را به افغانستان در اکتبر ۲۰۰۱ در نظر بگیریم. چه کسی جنگ افغانستان را شروع کرد؟ آمریکا؟ نه! بلکه رژیم طالبان در افغانستان! این را من می‌گویم، شورای امنیت سازمان ملل می‌گوید. درست یک روز پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه شماره ۱۳۶۸ به اتفاق آراء، به آمریکا اجازه داد از طریق نظامی به «دفاع از خود» بپردازد.

جهان سال‌هاست خطر برنامه اتمی جمهوری اسلامی را در چهارچوب «دفاع از خود» پیگیری می‌کند. از همین رو یک «حمله پیشگیرانه» می‌تواند الزاماً نه از سوی غرب بلکه از طرف جمهوری اسلامی باشد. این را هم من می‌گویم، سردار سرلشکر سید یحیی رحیم صفوی، دستیار و مشاور عالی «فرماندهی معظم کل قوا» که استاد دانشگاه نیز هست، یکشنبه ۲۹ آبان [۱۳۹۰] در اصفهان گفت. سردار صفوی یک هفته پیش از «صدایی شبیه انفجار» در این شهر (۷ آذر) که بدون آنکه منشأ آن (تأسیسات اتمی) تأیید شود، در سایه اشغال سفارت انگلستان (۸ آذر) قرار گرفت گفت: «مسؤلان نباید فقط به شعار و حرف زدن اکتفا کنند. آنها باید در

وجود نداشت و مدت‌هاست بیش از پیش فراهم می‌آید.

مسبب یک جنگ احتمالی بودن اما به این معنی نیست که آغازکننده جنگ یا یک حمله نظامی نیز الزاماً جمهوری اسلامی خواهد بود. ولی اگر بود چی؟! آیا آنگاه تمام محاسبات و ارزیابی‌های کسانی که درباره موافقت و مخالفت با حمله نظامی و جنگ، داد سخن داده‌اند، با این فرض که این جنگ از سوی کشورهای دیگر و عمدتاً غرب، صورت خواهد گرفت و یا باید صورت گیرد، بر هم نخواهد خورد؟! آن وقت موافقت‌ها و مخالفت‌ها به چه شکلی در خواهد آمد؟!

در نخستین نگاه، کار گروه‌هایی که با جنگ به هر شکلی مخالفت کرده‌اند، بر خلاف فکری که موافق حمله نظامی از سوی کشورهای خارجی است، بسیار آسان است: آنها همچنان با آن مخالفت کرده و می‌توانند افکار عمومی و نیروهای خود را علیه رژیم و جنگ، هر دو، بسیج کنند. توضیح و روشنگری درباره جنگی که از سوی رژیم آغاز شود نیز به مراتب بسی ساده‌تر خواهد بود. آغاز یک جنگ احتمالی به مثابه خطای استراتژیک جمهوری اسلامی، سبب ریزش بیشتر بدنه حکومت خواهد شد و ناخواسته به اتحاد ملی یاری خواهد رساند. این فرض‌ها را نمی‌توان درباره حمله نظامی خارجی مدعی شد. ولی آیا اساساً شروع یک جنگ از سوی جمهوری اسلامی محتمل است؟ بله، هست!

جمهوری اسلامی بر خلاف تلاشی که پس از مرگ رهبر و بنیانگذار خود، آیت الله خمینی، به کار برد، هرگز به یک حکومت یکدست و منسجم تبدیل نشد. رژیم ایران مجموعه‌ای از گروه‌های «خودسر» است! گروه‌هایی که به دلایل اعتقادی و اقتصادی حاضر نیستند آن را از دست بدهند. رابطه «اعتقاد» و «اقتصاد» در جمهوری اسلامی بسیار ساده عمل می‌کند: با منابع اعتقادی، بر منابع اقتصادی چنگ انداختند و با منابع اقتصادی به گسترش اعتقاد خود در منطقه و جهان می‌پردازند، بدون آنکه توانسته باشند آن اعتقاد را در بین مردم خود ایران حفظ کنند. لیکن گروه‌های مافیایی و خودسر رژیم، که گروه فداییان اسلام‌اش نیز هفته گذشته وارد عمل مستقل شد، بر سر حفظ این منابع که با سرنوشت رژیم گره خورده است، به یک شکل نمی‌اندیشند و یک راه را پیشنهاد نمی‌کنند. از همین رو در بسیاری موارد هر یک از گروه‌های خودسر حرف خود را می‌زند و تا

با من به تاجیکستان بیاید

در این کشور فارسی زبان، تاجیک‌ها بیش از ما ایرانیان به تاریخ و فرهنگ باستانی ایران عشق می‌ورزند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی 1388 شماره 1287)

شاهزاده به پشتیبانی مردم سغد در برابر اسکندر ایستادگی دلیرانه نشان داد. (4) اسکندر به دلاوری و رزمندگی «سپیتامن» رشک می‌برد و در پایان، سپیتامن هم با فریب و نیرنگ به

روز نهم سپتامبر 2002 روز آزادی کشور تاجیکستان، روی تپه بلند شهر تاریخی «استروشن» (ستاره درخشان) آهنگ بلند سُرنا و کرنا، طبل و دهل، هوش وگوش تماشاچیان را به خود خیره می‌نمود.

با ندای بلند و آهنگی بسیار دلنشین با گویش تاجیکی فارسی، سخنگو از تاریخچه شهری که کوروش بزرگ برپا کرده است، سخن می‌راند.

مردم این سرزمین در سده ششم پیش از میلاد در برابر فرمانروایی کوروش هخامنشی ایستادگی می‌کردند. بومیان با این که خود از نژادگان ایرانی «ساکاها» بودند اما هنوز به آئین دیرینه به تاخت و تاز پرداخته و شیوه شهرگزینی را بی‌ارزش می‌پنداشتند. لشکریان کوروش برای سرکوبی «ساکاها» به این بوم و دیار می‌آمدند اما سنگر بزرگی که لشکریان را زمینگیر می‌کرد رودخانه «سیردریا» (سیحون) بود. ساکاها چون نزدیک به شکست می‌شدند، راه فرار برمی‌گزیدند و به آن سوی سیردریا می‌گریختند. کوروش بر آن شد که شهری ارتشی در این سرزمین برپا کند تا برای همیشه سربازان مرزبان بتوانند از تاخت و تاز ساکاهای بیابانی جلوگیری کنند. این شهر بیش از دوپست سال برپا بود و آن را «کوروش‌کوه» می‌نامیدند.

در زمان کوروش روی بلندترین تپه این شهر برج و باروهای دیدبانی بلندی برپا بود و یک پادگان بزرگ ارتشی روی تپه جایگزین می‌گشت. اسکندر مقدونی با ایستادگی و سرسختی در این سرزمین روبرو شد و تاریخ‌نویسان رومی و یونانی مانند Arrian، Curtius و Aristobulus می‌نویسند که چگونه اسکندر زخمی شد و نزدیک بود جان خود را از دست بدهد. این سرزمین پاره‌ای از «سغد» باستانی است و هنوز پس از هزار سال گروهی بسیار انگشت‌شمار با زبان یغناپی که همان سغدی باشد گفتگو می‌کنند. (1)

این نمایش برای جشنواره 2500 ساله شهر استروشان برپا شده بود. داستان را بدین گونه می‌شود بازگو نمود:

«یسوس» در بلخ (باختران) (2) دست‌نشانده داریوش سوم هخامنشی بود. استان بلخ بسیار تاریخی و از دیدگاه فرهنگی و دینی برای ایرانیان باستان ارزشمند بود. شهر بلخ که پایتخت باختران به‌شمار می‌آمد، «مادشهر» شناخته می‌شد. مزارشرف در نزدیک این شهر می‌باشد (3)

در زمان باستان «آناهیتا» ایزد آبهای پاک، ایزد رودخانه آمودریا (جیحون) به‌شمار می‌رفت و در شهر تاریخی بلخ ستایش ویژه‌ای به‌نام او برپا کرده بودند. امروز از این شهر باستانی چیزی بازممانده است. اما اگر روزی فرصت پیدا شد گهواره با ارزشی برای باستان‌شناسان خواهد بود. آرامگاه ربیعہ بلخی امروز یکی از زیارتگاهها به‌شمار می‌رود.

داریوش سوم به خاور ایران پناه برده بود که به یارمندی ساتراپهای دست‌نشانده خود لشکری بزرگ فراهم نموده و در برابر اسکندر ایستادگی کند. «یسوس» که خود هوای شاهنشاهی در سر می‌پروراند با نیرنگ و فریب داریوش سوم را به کشتن داد و خود را شاهنشاه خواند.

اسکندر از فریبکاری او آگاهی پیدا نمود و او را تا آسیای میانه دنبال کرد و از میان برداشت. قهرمان این داستان «سپیتامن» است که از سرزمین سغد (تاجیکستان و ازبکستان) بود. این

سال 1991 میلادی آزادی یافتند.

در آسیای میانه مردمی از نژادگان گوناگون زندگی می‌کنند مانند: ازبک و تاتار (از نژاد مغولی ترک)، تاجیک (از نژاد ایرانی بازمانده ساکاه)، روسی، یهودی، ارمنی حتی آلمانی و گروهی از کره و دیگر نژادگان.

تاجیک‌ها امروز هم به فارسی با گویش شیرین تاجیکی سخن می‌گویند. شگفت اینجاست که این کشور با ایران هم‌مرز نیست. پس از فروپاشی کمونیسم روسیه، زبان فارسی زبان رسمی تاجیکستان شناخته شد. در گذشته‌ای نه‌چندان دور، پیش از آمدن کمونیسم به این سرزمین، خط تاجیک‌ها هم مانند بیشتر مردم آسیای میانه خط فارسی بود. برای چند سالی در دهه 1920 زبان فارسی را به‌خط لاتین (مانند الفبای



مراسم نوروز در تاجیکستان

انگلیسی) می‌نوشتند. زیر فشار روسیه، الفبای لاتین جای خود را به الفبایی مانند الفبای روسی به‌نام «سیریلیک» یا «کریلیک» (Cyrilic) داد. در این الفبا چند حرف یونانی دیده می‌شود مانند دلتا، پی و فی. در این خط حرف «خ» با «x» نشان داده می‌شود.

مرزهای کشورهای پنجگانه آسیای میانه که در زمان کمونیسم کشیده شده‌اند بسیار سیاسی و نامردمی می‌باشند. برای نمونه می‌شود گوشزد نمود که دو شهر تاریخی ایران، سمرقند و بخارا که بیشتر به تاجیکستان نزدیک می‌باشند در ازبکستان جایگزین شده‌اند.

در حدود 93 درصد سرزمین تاجیکستان کوهستانی است و از این رو کشاورزی را در این سرزمین دشوار می‌کند. ریزش باران در تاجیکستان کم است و مانند همه آسیای میانه درد کم‌آبی را بر شانه دارد.

خوشبختانه کوههای بلند پامیر و آلتای که بیشتر سال از برف پوشیده‌اند آبهای سرشاری برای آسیای میانه فراهم می‌کنند. آمودریا (جیحون) از کوههای پامیر (سرزمین بدخشان) سرچشمه می‌گیرد. یکی دیگر از رودهای سرشار سیردریا (سیحون) است. شگفتی در این است که ما در فارسی این دو رودخانه را به نامهای عربی سیحون و جیحون می‌شناسیم. در اروپا آنها به نامهای یونانی شناخته شده‌اند.

کشور تاجیکستان را می‌توان به سه استان (ولایت) بخش نمود: 1- استان شمالی سغد که شهر باستانی خجند در آن جایگزین است و پس از دوشنبه پرجمعیت‌ترین شهر تاجیکستان است و از دید فرهنگی بالاتر از دیگر شهرها به‌شمار می‌آید.

2- استان ختلان که استان جنوبی است و سرزمین کلدب که یکی از شهرهای هخامنشی است در آن می‌باشد.

دست یاران خویش سر خود را از دست داد.

یکی دیگر از مردم سرشناس سغد «اکسی‌بار» نام داشت. برای بهبودی و آرامش اوضاع و شاید هم دلباختگی، اسکندر با دختر او رخسانه، پیوند کرد. از این همپیوندی که در سال 327 پیش از میلاد در بلخ برپا گردید، پسری به‌دنیای آمد که جانشین اسکندر می‌بایستی باشد. رخسانه و پسرش در سال 314 پیش از میلاد کمتر از ده سال پس از مرگ اسکندر نابود شدند. پس از مرگ اسکندر، ایران به‌دست یکی از سرداران او به‌نام «سلوکی» افتاد و برای زمانی (حدود هشتاد سال) سلوکی‌ها در ایران فرمانروایی کردند و در پایان، اشکانیان یا پارتها کم‌کم یک شاهنشاهی ایرانی دوباره برپا نمودند.

تاجیک‌ها و تاجیکستان

هرساله رئیس‌جمهور تاجیکستان رحمان‌اوف که مردی بافرهنگ می‌باشد، گروهی از دوستان بیرون و درون مرزی خود را دعوت می‌کند تا در جشنواره آزادی (روز 9 سپتامبر) شرکت کنند. میهمانان در سه تا چهار روز ماندن خود در تاجیکستان به جاهای دیدنی و تماشای کنسرت و رقص محلی برده می‌شوند. سالن کنسرت شهر دوشنبه «باربد» (5) نام دارد. جالب اینجاست که مردم مهربان تاجیکستان بیش از ایرانی‌ها به ایران باستان سرفرازی می‌ورزند.

اکنون شاید زمان این باشد که کمی خود را با آسیای میانه آشنا کنیم. پنج جمهوری: تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان و قرقیزستان را از زمان دیرین «آسیای میانه» (Central Asia) می‌نامیده‌اند. این پنج جمهوری که در جنوب بخش آسیایی اتحاد جماهیر شوروی گذشته، خاور دریای خزر، نزدیک دریاچه آرال می‌باشند، پس از فروپاشی جماهیر شوروی در

3- استان نیم‌آزاد بدخشان که کانون کارگردانی آن در «خارق» است. استان سوم بسیار کوهستانی است و کوه بلند سامان (کمونیسم گذشته) در این سرزمین است. رودخانه آمودریا، بدخشان تاجیکستان را از بدخشان افغانستان جدا می‌کند. شهر بزرگ بدخشان افغانستان فیض‌آباد است. لعل و لاجورد این سرزمین از دیرباز شناخته شده و به بازارهای دنیا روانه می‌شده‌اند.

جمعیت تاجیکستان نزدیک به هفت میلیون است. بیشتر مردم از نژاد تاجیک می‌باشند. گروه انبوهی از تاجیک‌ها در چهار جمهوری دیگر آسیای میانه زندگی می‌کنند و به آنها تاجیک‌های برون‌مرزی می‌گویند. شماره تاجیک‌های برون‌مرزی از شماره تاجیک‌های درون مرزی بیشتر است.

دارد (مانند پنج‌آب دره هند). آرامگاه نخستین چکامه‌سرای فارسی‌زبان، رودکی در این سرزمین است. چون در این دره در کف رودخانه‌ها طلای خالص به‌دست می‌آوردند و امروز هم به‌روش تجارتهای این کار دنبال می‌شود، آن دره زرافشان می‌خوانند و پس از به‌هم پیوستن و یکی شدن، رودخانه اصلی به‌سوی سمرقند و بخارا می‌رود. پس آب کشاورزی این بخش از ازبکستان، از تاجیکستان سرچشمه می‌گیرد. در زمان یورش چنگیز، شهر بزرگی در «مراکنده» برپا بود و افراسیاب نام داشت چون مردمش در برابر یورش و آدمکشی چنگیز ایستادگی نمودند. چنگیز فرمان ویرانی شهر را داد. سمرقند

در حدود یکصد سال پس از چنگیز، تیمور لنگ ویرانی شهر

و در گهوارهٔ آسیای میانه رشد و نمو می‌کردند. همانطور که در تاجیکستان اسماعیل سامانی قهرمان ملی به‌شمار می‌رود، در ازبکستان تیمور لنگ سردار ملی می‌باشد، سامانیان این سرزمین را آزاد کردند ولی تیمور بیشتر به کشورگشایی دل بسته بود و لشکرانش تا مسکو پیشروی کردند (امروز تاتارستان نزدیک مسکو می‌باشد).

پس از تیمور پسرش شاهرخ جانشین او شد. شاهرخ کانون فرماندهی خود را به هرات برد و پسرش «الغیبیک» را فرمانروای سمرقند نمود. الغیبیک بسیار دانشمند و دانش‌دوست بود. در زمان او یک رصدخانه در سمرقند ساخته شد که هنوز بازماندهٔ آن برجا می‌باشد.

الغیبیک مانند پدر بزرگش تیمور، مذهبی نبود ولی آدمکشی هم نمی‌کرد. قشریون با پسرش همایش نموده و او را به کشتن دادند. چند ماهی پس از آن پسر الغیبیک هم از میان رفت و خانوادهٔ تیموریان برفتادند.

بخارا

یگانه ساختمانی که سرفرازی تاریخی بخارا را نمودار می‌کند آرامگاه امیراسماعیل سامانی است. این ساختمان به‌سبک کاخ کسرا در مدائن از آجر ساخته شده و نمای مسجد و محراب ندارد. گویا در این باغ که بسیار دلگشا می‌باشد آتشکده‌ای جایگزین بوده و هنوز هم کمی از بازماندهٔ آتشکده در جلو ساختمان نمودار است و به‌مناسبت مقدس بودن، آرامگاه قهرمان سامانیان را در آنجا برپا کرده‌اند. ای کاش که این آرامگاه در تاجیکستان بود چون قهرمان ملی اسماعیل از سامانیان بود و به ازبکستان ربطی ندارد.

مردان سمرقند و بخارا برعکس مردم تاجیکستان بسیار مادی و کاسب‌منش می‌باشند. دستفروشان مانند مصری‌ها و تونس‌ها و مردم بی‌نوی سایر کشورهای جهان سوم، برای فروختن فرآورده‌های خود با مسافران گلاویز می‌شوند و چانه و دهان چانه‌زنان گرم است. در تاجیکستان با اینکه مردم از بزبکها بی‌نوا ترند چنان کاری مرسوم نیست. تاجیک‌ها مسافر را میهمان می‌دانند و از زمان ورود به او نان و نمک می‌خورانند و از هر گونه ناز و نیازی برخوردارش می‌کنند.

- 1- سُغدی باستان و یغناهی کنونی از زبانهای باستانی می‌باشد و نزدیک به سانسکریت است. گویا زبان ابوریحان بیرونی سُغدی بوده است.
- 2 و 3- در فارسی امروزه خاور، «مشرق» و باختر، «مغرب» است که در زمان باستان خورآوران یا خراسان (جای بیرون آمدن خورشید) و خوربران (جای فروفتن خورشید) می‌بود. باختران (Buctria) یک سرزمین پهناور و ارزشمند در افغانستان کنونی می‌باشد که شامل شهر بلخ و مزارشریف می‌شود و گویا زرتشت در این سرزمین جان سپرده و به‌خاک سپرده شده است.
- 4- در نوشتار «گاتها» که سرودهای زرتشت به‌شمار می‌روند، او خود را از خانوادهٔ «سپیتامن» می‌داند (سپیدجامگان). در تاجیکستان دریاچه‌ای پیدا می‌شود به‌نام دریاچه اسکندر و نزدیک همین دریاچه غاری است که غار «سپیتامن» نام دارد.
- 5- «باربد» از خنیاگران نامی زمان ساسانیان بود و سالن کنسرت به‌نام او می‌باشد. در ایران کنونی کمتر کسی نام و زمان «باربد» را می‌داند. سرفرازی تاجیک‌ها به ایران باستان از روی این نمودارها می‌باشد.
- 6- مدرسه در ازبکستان نام آموزشگاه دینی می‌باشد. آموزشگاه غیر دینی را «مکتب» می‌گویند. دولت ازبکستان کوشش فراوان دارد که مدرسه‌های کهنه را بازسازی کند. ای کاش که این همت و هزینه صرف بالا بردن بهداشت مردم و دستشویی‌های عمومی می‌کردید.



بنای یادبود امیر اسماعیل سامانی در شهر دوشنبه

افراسیاب را کامل نمود ولی کم‌کم نوسازی شهر سمرقند آغاز شد. تیمور لنگ مسلمانی پابرجا بود. شبها قرآن می‌خواند اما بامدادان به آدمکشی و ویرانی و شبیخون خود دست‌اندرکار می‌شد. در زمان تیمور معماران و مهندسیان ایرانی را به سمرقند آوردند و چندین مسجد و مدرسه (آموزشگاه برای آیین‌های دینی) (6) برپا کردند. به‌ویژه در جایگاه «ریگستان». در اینجا یگانه ساختمان مذهبی را می‌شود دید که بالای سردرش نگاره شیر و خورشید (یا پلنگ و خورشید) دیده می‌شود. ساختمان این سردر ایرانی است و به شیر معروف است و همین نگاره را روی اسکناسهای ازبکی نقش کرده‌اند. واحد پول ازبکستان «سم» می‌باشد که شاید از ریشه «سیم» (نقره) باشد. در انگلستان و فرانسه هم نسبت پول را به نقره می‌دهند.

روی اسکناس یکصد «سمی» هم نگاره یک بازوبند هخامنشی است (اصل طلایی این بازوبند در موزهٔ بریتانیا در زیر گنجهای آمودریا نگاهداری می‌شود). به همین روند در سردر مدرسه نادر دیوان بیگی نگاره دو پرنده، دو جانور چندپا و دایرهٔ خورشید به دور یک صورت انسان دیده می‌شود که بسیار با معماری اسلامی سنتی تفاوت دارد.

پیش از یورش چنگیز و تیمور در زمان سامانیان، شهرهای سمرقند و بخارا کانونهای علمی آسیای میانه به‌شمار می‌رفتند و استادانی چون بیرونی، ابوعلی سینا و خوارزمی در کتابخانه‌های این سرزمین به فراگرفتن دانش همت می‌گماشتند

پول تاجیکستان پس از فروپاشی روسیه، روبل تاجیکی بود و اکنون «سامانی» می‌باشد. (یک دلار در حدود 30 سامانی است).

این را بایستی یادآور شد که سلسله سامانیان که حدود یکهزار و صد سال پیش اسماعیل سامانی آن را برپا کرد پس از سرفرازی ایران و مردم ایران، برای تاجیک‌ها نیز ارزشمند می‌باشد. پیکره امیراسماعیل سامانی را در شهر دوشنبه برپا کرده‌اند. در پشت پیکره روی زمین، سرزمین سامانیان بخوبی نشان داده می‌شود. در زمان سامانیان رود آمودریا به دریای خزر پیوست و اکنون به سوی دریاچه آرال می‌رود و یا به‌اصطلاح تاجیک‌ها گسیل می‌یابد.

تا چند سال پیش، پیکره فردوسی جای پیکره اسماعیل سامانی برپا بود. در جنگهای داخلی این پیکره آسیب دید و آن را به میدان فردوسی بردند.

همه مردم تاجیکستان از کوچک و بزرگ شیفته سروده (شعر) می‌باشند و هر کس برای خودش سروده می‌سازد. مردم دل‌باخته رودکی، فردوسی، حافظ و کمال خجندی هستند. مردم شهر تاریخی سمرقند و بخارا یا تاجیک و یا ازبک تاجیک‌زبان می‌باشند اما در جمهوری ازبکستان جایگزین شده‌اند.

دره زرافشان در تاجیکستان دره‌ای است سبز و خرم پر از درختهای سیب و گلابی و زردآلو و انکور و از زمانهای دیرینه یکی از راههای ابریشم به‌شمار می‌رفته است. در آغاز این دره چند رود کوچک به‌هم می‌پیوندند و این سرزمین پنجکنت نام



هراس مسئولان قضایی و نظامی جمهوری اسلامی از پهلوی‌ها ادامه دارد: «پیش از انقلاب در صنعت مونتاژکار بودیم!»



نشست تربیتی فرماندهان مراکز آموزشی ارتش با عنوان «گام دوم آمادگی برای ظهور»

جایی نخواهند رسید.»

کمتر از یک ماه پیش ابراهیم رئیسی رئیس دولت جمهوری اسلامی مشهور به «قاضی مرگ» گفته بود «برخی با قلم فرسایی و کار در فضای مجازی به دنبال تطهیر رژیم پهلوی هستند که باید با جهاد تبیین با این جریان مقابله کرد.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اواسط بهمن ۱۴۰۰ در جمع فرماندهان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی هشدار داد دشمنان در یک جنگ ترکیبی به دنبال برجسته نشان دادن دوران پهلوی‌ها هستند و برای مقابله با آن خواستار «جهاد تبیین» شد.

پیش از این قربانعلی دری نجف‌آبادی نماینده علی خامنه‌ای در اراک در هفته قوه قضائیه با این ادعا که «پیش از انقلاب اسلامی، رژیم پهلوی خیانت‌های بزرگی علیه اسلام، مردم و منافع کشور انجام داده بود» هشدار داد «عده‌ای از مزدوران و عرب‌پرستان به دنبال تطهیر رژیم پهلوی و تحریف تاریخ هستند.» او گفت «قضات امانت‌دارانی پاک سرشت و صدیق هستند که برای انجام وظیفه تلاش می‌کنند. باید همچنان استقلال، صلابت و اقتدار دستگاه قضایی تقویت شود.»

قربانعلی برقرار امام جمعه گرگان اواخر خردادماه در خطبه‌های نماز به مردم التماس کرد «فرب شعار رضاشاه روح شاد را نخورید!»

با ادامه اعتراضات مردم که در اغلب آنها در ستایش پهلوی‌ها شعار داده می‌شود و بعد از کنفرانس خبری شاهزاده رضا پهلوی که ۱۳ خردادماه ۱۴۰۱ برگزار شد، موج تازه‌ای از «پهلوی‌ستیزی» به صورت سازماندهی شده با شعار «جهاد تبیین» در ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و همچنین رسانه‌های داخلی آغاز شد و مقامات و مسئولان کشوری و لشکری مدام علیه پهلوی‌ها سخنانی می‌گویند و متوجه نیستند که به دلیل خشم و انزجار جامعه از آنها، همه این سخنانی که با هدف تحریف و تبلیغ بیان می‌شود، نتیجه‌ی عکس دارد!

علاوه بر دستگاه قضایی جمهوری اسلامی یکی از نهادهایی که در هفته‌های اخیر بارها در نشست‌ها و جلسات آن علیه پهلوی‌ها موضع‌گیری و سخنرانی شد سازمان عقیدتی-سیاسی ارتش است.

سرتیپ محمد اکرمی‌نیا معاون هماهنگ‌کننده سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ۲۴ تیرماه در نشست تربیتی فرماندهان مراکز آموزشی ارتش با عنوان «آمادگی برای

ظهور» در سخنانی عجیب و غریب ادعا کرد «نظام حاکم در دوره پهلوی دوم از لحاظ سیاسی کاملاً وابسته بود و از نظر نظامی هم نقش ژاندارم آمریکا در منطقه را ایفا می‌کرد و پیش از انقلاب اسلامی کشور از لحاظ اقتصادی تک‌محصولی و وابسته به نفت بود و در صنعت مونتاژکار و در علوم انسانی مترجم بودیم و تولید نداشتیم!» حال آنکه مخاطبان این دروغ‌ها را با زندگی واقعی خود در ایران و همچنین اوضاع جهان مقایسه می‌کنند و بطور منطقی به این نتیجه می‌رسند که گجای جمهوری اسلامی از این نکاتی که به عنوان عیب و «خیانت» قلمداد می‌شود، بهتر است؟! اصلاً صنعتی وجود دارد؟! درآمدی به غیر از گدایی برای فروش نفت از «صنایع غیرمونتاژ» به دست می‌آید؟! کشورها و مردم منطقه از جمهوری اسلامی خیلی راضی هستند و احساس امنیت می‌کنند؟! در خود ایران چطور؟! اگر مردم از جمهوری اسلامی راضی می‌بودند که اینهمه تبلیغ و تحریف که همگی به ضد خود تبدیل می‌شوند، ضرورتی نمی‌داشت!

این مقام نظامی به تخریب پهلوی اکتفا نکرد و در خیال‌پردازی‌های متوهمانه که همه مقامات رژیم به آن مبتلا هستند ادعا کرد «از مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی عبور کرده و به مرحله دولت اسلامی رسیده‌ایم!» به این ترتیب این ۴۳ سال نکبت و تخریب همه‌اش «انقلاب اسلامی» بوده و ایران تازه به «مرحله دولت اسلامی» رسیده که نشانه‌های آن را می‌توان از بگیروبندها و تشدید سرکوب جامعه دید.

در عین حال، این ادعا که پیش از انقلاب ایران وابستگی اقتصادی و نظامی داشت و «مونتاژکار» بود در حالیست که چهار دهه پس از انقلاب هنوز جمهوری اسلامی یک چشم‌اش به «شرق» و روسیه و چین است و چشم دیگرش به دست بایدن که آیا تحریم‌ها را بر می‌دارد یا نه! همچنین اساس تجهیزات و تسلیحاتی که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به ویژه ارتش از آنها استفاده می‌کند همان خریدهای راهبردی است که در دوران محمدرضا شاه پهلوی انجام شد و تعمیراتی هم که انجام می‌دهند حتی از «مونتاژکاری» هم عقب‌تر است! صرف نظر از اینکه کشورهای آسیای جنوب شرقی که به برهه‌های اقتصاد در آسیا معروف شده‌اند، به برکت صنایع مونتاژ بوده و نامدارترین کارخانجات دنیا بسیاری از تولیدات خود را در آنجا به سرانجام می‌رسانند و نام آن کشورها بر این تولیدات نقش بسته است.

● حجت‌الاسلام علی عبداللهی رئیس حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه جمهوری اسلامی: «خائن داخلی» برای ضربه زدن به نظام مشاوره‌های خیانت‌بار به دشمنان و استکبار می‌دهند و به دنبال ارتجاع و برگشت به غیرواقعیت هستند.

● قربانعلی دری نجف‌آبادی نماینده علی خامنه‌ای در اراک گفته «پیش از انقلاب اسلامی، رژیم پهلوی خیانت‌های بزرگی علیه اسلام، مردم و منافع کشور انجام داده بود... عده‌ای از مزدوران و عرب‌پرستان به دنبال تطهیر رژیم پهلوی و تحریف تاریخ هستند.»

● سرتیپ محمد اکرمی‌نیا معاون هماهنگ‌کننده سازمان عقیدتی سیاسی ارتش: «نظام حاکم در دوره پهلوی دوم از لحاظ سیاسی کاملاً وابسته بود و از نظر نظامی هم نقش ژاندارم آمریکا در منطقه را ایفا می‌کرد.»

● چهار دهه پس از انقلاب هنوز جمهوری اسلامی یک چشم‌اش به «شرق» و روسیه و چین است و چشم دیگرش به دست بایدن که آیا تحریم‌ها را بر می‌دارد یا نه! همچنین اساس تجهیزات و تسلیحاتی که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به ویژه ارتش از آنها استفاده می‌کند همان خریدهای راهبردی است که در دوران محمدرضا شاه پهلوی انجام شد و تعمیراتی هم که انجام می‌دهند حتی از «مونتاژکاری» هم عقب‌تر است! صرف نظر از اینکه کشورهای آسیای جنوب شرقی که به برهه‌های اقتصاد در آسیا معروف شده‌اند، به برکت صنایع مونتاژ بوده و نامدارترین کارخانجات دنیا بسیاری از تولیدات خود را در آنجا به سرانجام می‌رسانند و نام آن کشورها بر این تولیدات نقش بسته است.

حجت‌الاسلام علی عبداللهی رئیس حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه جمهوری اسلامی با هشدار نسبت به آنچه «ارتجاع و برگشت به غیرواقعیت» خواند گفت «خائن داخلی» برای ضربه زدن به نظام مشاوره‌های خیانت‌بار به دشمنان و استکبار می‌دهند.

این مقام امنیتی ۲۶ تیرماه در جریان معارفه رئیس حفاظت اطلاعات دادگستری استان زنجان ضمن اعتراف غیرمستقیم به اختلافات درون رژیم تأکید کرد «دشمنان که اقتدار نظام را بر نمی‌تابند، به دنبال ایجاد اختلاف میان مدیران نظام، فاصله انداختن بین مردم و مسئولان و هجوم به اعتقادات ملت بزرگ ایران هستند، اما به فضل الهی و با رهبری حکیمانه و داهیانه مقام معظم رهبری، هوشیاری ملت به

نبرد گلناباد

سپاهی که شاه سلطان حسین به مقابله با شورشیان فرستاد از پنجاه هزار سوار و پیاده و توپچی تشکیل می‌شد که فرماندهی آن را محمدقلی خان اعتمادالدوله (قورچی‌باشی پیشین) و عبدالله خان والی عربستان (خوزستان) مشترکاً بر عهده داشتند. این نخستین خطای فاجعه‌آفرین بود زیرا این دو فرمانده رقیب یکدیگر به‌شمار می‌آمدند و علاوه بر آن، در تدابیر جنگی و اداره عملیات توافق نظر نداشتند. محمدقلی خان به عملیات گام به گام عقیده داشت و عبدالله خان به حملات برق‌آسا.

منجمان گفته بودند که روز یکشنبه اول جمادی‌الآخر 1134 ستاره بخت پادشاه و سلسله صفوی در قران سعدین قرار دارد و ساعت مناسب برای تار و مار کردن دشمن است. از بامدادان، دو سپاه در برابر یکدیگر قرار گرفتند. محمود که بر فیلی سوار بود لشکریان خود را به نبرد دلبرانه فرا خواند و گفت اگر پیروز شوید اصفهان با ثروت عظیم خود به چنگتان می‌افتد و اگر شکست بخورید تیغ قزلباش بر گردنتان فرود می‌آید و یا در راه فرار از گلناباد تا قندهار، حتی اگر جنگ دیگری پیش نیاید، از خستگی و گرسنگی و تشنگی تلف خواهید شد. این حقیقتی بود که افغانها را به نبرد مرگ و زندگی تشویق می‌کرد.

حمله را سپاه شاه از دو سو آغاز کرد. چابک‌سواران عرب تحت فرمان عبدالله خان بدنه چپ سپاه محمود را شکافتند و تا قلب اردوگاه پیش رفتند به نحوی که محمود از مشاهده این وضع به وحشت افتاد و یقین کرد که جنگ را باخته است. نوشته‌اند که اگر سپاهیان عرب عملیات خود را با جناح دیگر هماهنگ می‌ساختند و از پشت بر سپاه افغان می‌تاختند کار جنگ همان روز با شکست افغانان به پایان می‌رسید اما عربها به غارت اردوگاه پرداختند و با غنایمی که به‌چنگ آورده بودند به اصفهان بازگشتند تا خود را فاتح جنگ جلوه دهند. از آن سو جناح دیگر سپاه شاه تحت فرماندهی محمدقلی خان اعتمادالدوله به بدنه راست سپاه محمود حمله برد. صف مقدم حمله از دو هزار سوار موسوم به «غلامان شاه» تشکیل می‌شد که رستم خان قوللرآقاسی برادر وختانگ والی گرجستان فرماندهی آن را برعهده داشت. سپاه افغان را در این قسمت فرماندهی با کفایت به نام امان‌الله رهبری می‌کرد. امان‌الله با عقب‌نشینی تاکتیکی، «غلامان شاه» را به دنبالش خود کشانید و ناگهان آنها را در برابر فوج زنبورکچی‌ها قرار داد که از پشت شتران به سوی دشمن آتش گشودند و جنگی خونین درگرفت. قوللر آقاسی شجاعانه جنگید ولی محمود از پشت سر حمله برد و مقاومت او را در هم شکست. چهارصد جنگاور گرجی همراه با فرمانده خود در این نبرد جان باختند و پیروزی خیره‌کننده سپاه افغان چنان رعبی در دل سرکردگان قوای ایران افکند که تعدادی از آنها با سپاهشان راه فرار در پیش گرفتند و به ولایات خود بازگشتند.

از سپاه قزلباش، دو هزار تن در جنگ گلناباد به خاک هلاک افتادند. انبوهی از کشته‌شدگان توپچی‌هایی بودند که توسط امان‌الله و لشکر تحت فرمان او قتل عام شدند. توپخانه و تمام بار و بینه سپاه شکست خورده به دست افغانها افتاد و این غنائم بسی بیش از آن بود که سپاهیان عرب از آنها به‌غنیمت گرفته بودند.

با آن که سپاه شاه شکست خورده و به داخل اصفهان عقب‌نشسته بود محمود تا چند روز از جای خود نجنبید. گفته‌اند او پیروزی خود را بر سپاه قزلباش باور نمی‌داشت و می‌ترسید اگر جلوتر برود در دشت باز مورد حمله قوای نیرومندی که

کالدشکافی یک طغیان (۹)

(کیهان لندن شماره 1100-1125)

فروردین تا مهر 1385



احمد احرار

در شهر متمرکز بود قرار گیرد. کروسینسکی می‌نویسد «در حالی که نام محمود وحشتی بر دلها افکنده بود و تصور می‌رفت او، پس از مغلوب کردن و گریزاندن سپاه قزلباش، بی‌درنگ نبرد نهائی را برای تصرف پایتخت آغاز می‌کند او تنها کسی بود که از یاری بخت خود، تا آن حد که قادر به فتح اصفهان باشد، اطمینان نداشت.»

بی‌تحریکی لشکر افغان، سران سپاه قزلباش را معتجب



شاه سلطان حسین و درباریان

ساخت و به تجسس واداشت. گروهی از گشتی‌ها مأمور شدند در اطراف اردوگاه محمود سر و گوشی آب دهند و خبر بیاورند. آنها رفتند و خبر آوردند که هیچ اثری از تحرک قوا دیده نمی‌شود و حتی توپهایی که افراد تحت فرمان محمدخان توپچی‌باشی از دست داده بودند دست نخورده و بدون محافظ بر سر جای خود باقی مانده است.

در این هنگام، پیام‌آوری از جانب شاه سلطان حسین برای محمود گلچیزی پیام برد که شاه خواستار صلح و آرامش است و اگر محمود دست از ستیز بکشد و به زادگاه خود بازگردد، فرمان حکومت قندهار و هرات به‌نام وی صادر و هزینه لشکرکشی و نیز بازگشت آبرومندان‌هاش از خزانه عامه پرداخت خواهد شد. محمود، یکی از نزدیکان خود را برای مذاکره با فرستاده شاه برگزید. او امتیازات بیشتری خواستار شد از جمله این که پادشاه صفوی یکی از دختران خود را به عقد ازدواج محمود درآورد تا بدین گونه بستگی خونی بین طرفین برقرار شود. پیشنهاد اخیر مورد موافقت شاه قرار نگرفت زیرا که آن را وهنی نسبت به

خود می‌دانست و علاوه بر آن، دختر پادشاه شیعه و متولی مذهب تشیع چگونه می‌توانست به زوجیت یک سنی معتصب - صرف نظر از یاغی بودن وی - درآید؟ مذاکرات صلح به جایی نرسید. محمود اما از خلال همین گفت‌وگوها به ضعف دربار صفوی پی برد و عزم خود را برای حمله به اصفهان جزم کرد.

اصفهان در این هنگام دستخوش وحشتی عظیم بود. ساکنان اطراف از بیم مهاجمان، که آوازه قساوت و خشونتشان در همه جا پیچیده بود، به داخل شهر هجوم آورده بودند. شاه سلطان حسین تصور می‌کرد هرچه جمعیت شهر فزونتر باشد به همان نسبت بر توان مقاومتش افزوده خواهد شد حال آن که این جمعیت کثیر به آذوقه نیاز داشت و شهری در حالت محاصره، با چنان جمعیت، علاوه بر دشمنی که پشت دروازه داشت در داخل نیز به بلای قحطی دچار می‌شد.

پیش از آن که مهاجمان راههای ورود و خروج را ببندند و شهر در محاصره قرار گیرد، محمدقلی خان اعتمادالدوله پیشنهاد کرد که شاه از اصفهان خارج شود و در قزوین - نخستین پایتخت صفویان - به گردآوری سپاه بپردازد تا هرآینه افغان بر اصفهان دست یافت تخت و تاج از بین نرود. این پیشنهاد نیز با مخالفت عبدالله خان والی عربستان روبرو شد که فرار شاه از برابر شورشگران را به منزله پایان سلطنت می‌دانست و عقیده داشت بعد از سقوط اصفهان کسی دست یاری به سوی شاه فراری دراز نخواهد کرد.

شاه سلطان حسین بار دیگر مجلس مشورتی ترتیب داد و از امیران و وزیران نظر خواست. پس از جر و بحث بسیار، والی عربستان نظر خود را بر کرسی نشاند و منطق قرار بر فرار فائق آمد. شاه در پایتخت ماندنی شد. لشکریان به تدارک دفاع پرداختند. حصارهای شهر ترمیم و تحکیم شد. سر پلها که دهانه ورودی شهر محسوب می‌شد با احداث سنگرهای محکم تحت حفاظت قرار گرفت.

اشتباه بزرگی که در این میان رخ داد تخلیه فرح‌آباد بود. شاه سلطان حسین در فرح‌آباد - بیرون شهر اصفهان - قصری همانند قصر «ورسای» مشتمل بر باغها و عمارات زیبا احداث و انواع زیورها و تجملات را صرف تزئین آن کرده بود. این قصر به‌وسیله حصار محکم مجهز به توپهای متعدد حفاظت می‌شد و می‌توانست در برابر هر تهاجمی مدتها مقاومت کند. شاه به تخلیه قصر فرح‌آباد فرمان داد. عملیات تخلیه با چنان شتابزدگی انجام گرفت که توپهای مستقر در فرح‌آباد را، همانجا در زیر خاک مدفون ساختند و چون فرح‌آباد بدون هیچ مقاومتی تسلیم شورشیان شد توپها نیز به دست آنها افتاد و علیه مدافعان شهر به‌کار رفت.

محمود، پس از دست یافتن بر فرح‌آباد به جلفا حمله برد. شهری که شاه عباس اول در جنوب اصفهان و بر ساحل زاینده‌رود بنا نهاده و آرامنه را در آنجا سکونت داده بود؛ شهری مانند واتیکان در کنار رم، با همان تقدس و همان ثروت و نعمت. آرامنه جلفا، در زمان شاه سلطان حسین به دلیل تسلط فقیهان و تعصب‌ورزی ایشان، مانند سایر اقلیت‌های مذهبی مورد فشار و آزار و بی‌حرمتی قرار گرفته و شدیداً ناراضی شده بودند. اطرافیان شاه سلطان حسین او تلقین کردند که اعتماد به وفاداری آرامنه جلفا نیست و احتمال دارد آنها نیز مانند زرتشتیان و آرامنه کرمان با شورشیان همراهی کنند. شاه فرمان داد جنگجویان ارمنی با سلاحهای خود به محافظان قصر سلطنتی بپیوندند و در آنجا مجبورشان کردند سلاحهایشان را بگذارند و بازگردند. شهر جلفا در چنین شرایطی مورد حمله قرار گرفت.

در شماره آینده: سقوط جلفا

تحویل احتمالی پهپادهای انتحاری به روسیه؛ «عبور از خط قرمزها»، پیام قدرت یا پیامدهای سنگین؟!



ناو پهپادبر نیروی ارتش جمهوری اسلامی

و از نظر تاریخی نیز با هم رقابت دارند بنابراین سطح همکاری‌های آنها محدود است.

برنز تأکید کرد روسیه از جمهوری اسلامی ایران پهپاد خواسته و این نشان می‌دهد تسلیحات آنها در جنگ ناکارآمد و ناکافی است اما مسئله اصلی این است که این پهپادها را برای کشتن اوکراینی‌هاست و کمک تسلیحاتی ایران به روسیه ایده بسیار بدی است.

همزمان با سفر جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا به عربستان سعودی، ارتش جمهوری اسلامی ایران از «ناودسته پهپادبر» رونمایی کرد. عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی رونمایی از این ناودسته را ارتقاء توان دفاعی در «حوزه‌های نوپدید» دانست و گفت موضوع پهپادها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

رسانه‌های جمهوری اسلامی به ویژه آنهایی که به نهادهای نظامی و امنیتی وابسته‌اند ادعای «وحشت آمریکا از ارسال پهپادهای ایرانی برای ارتش روسیه» را مطرح کرده‌اند و روی غافلگیری آمریکا از «توان پهپادی جمهوری اسلامی» مانور می‌دهند.

راهبردی در واکنش به ناتو منطقه‌ای

شهرام سبزواری تحلیلگر نظامی به «کیهان لندن» می‌گوید، «ارتش روسیه در زمینه پهپادهای مسلح پیشرفت زیادی نکرده و با فرسایشی شدن جنگ اوکراین به پهپادهای کاربردی نیاز پیدا کرده و سراغ جمهوری اسلامی رفته. وقتی آمریکا اعلام کرد روسیه به دنبال خرید پهپاد از جمهوری اسلامی است با سفر بایدن به اسرائیل و آمریکا که اصلی‌ترین برنامه آن تشکیل ناتوی خاورمیانه بود همزمان شد. درواقع ارتش از ناو پهپادبر رونمایی کرد که پیام دهد اگر سایبرین به دنبال تشکیل ائتلاف هستند جمهوری اسلامی هم توانایی برای پاسخ دارد.»

این تحلیلگر می‌گوید: «تشکیل ناودسته پهپادی توسط ارتش در آب‌های آزاد از جمله خلیج عدن و تنگه باب‌المندب به جمهوری اسلامی ظرفیت راهبردی می‌دهد. وقتی گفته می‌شود پهپادهای انتحاری تا هزار کیلومتر شعاع پرواز دارند پیام فراتر از تهدید عربستان و امارات و تهدید اسرائیل است. همین پیام باعث شد که بعد از نشست جده با حضور بایدن و کشورهای عربی مقامات اماراتی اعلام کنند در هیچ ائتلافی علیه ایران شرکت نمی‌کنند. جمهوری اسلامی

شماری از مقامات آمریکایی به جمهوری اسلامی هشدار دادند ارسال سلاح و تسلیحات نظامی به روسیه اقدام درستی نیست و توصیه کرده‌اند که تهران به روسیه پهپاد ندهد.

لوید اوستین وزیر دفاع آمریکا و مارک میلی رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا چهارشنبه ۲۰ ژوئیه (۲۹ تیرماه) در نشست خبری با هشدار نسبت به قصد جمهوری اسلامی برای حمایت از روسیه در جنگ اوکراین گفتند تحویل پهپاد به روسیه «ایده واقعاً بدی» است.

پیش از این کاخ سفید گزارش داده بود یک هیات روسی روزهای ۸ ژوئن (۱۸ خرداد) و ۱۶ ژوئیه (۲۵ تیرماه) در فرودگاه کاشان از پهپادهای انتحاری ساخت ایران بازدید کرده است.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ۲۱ تیرماه صحت ماجرای فروش پهپادهای ایرانی به روسیه گفت، «سابقه همکاری‌های میان جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در حوزه برخی فناوری‌های نوین به پیش از آغاز جنگ در اوکراین بر می‌گردد و در مقطع اخیر هیچ تحول خاصی در این ارتباط رخ نداده است.»

به گزارش «سی‌بی‌اس» ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) در نشست امنیتی اندیشکده «اسپن» گفت واقعیت این است که هر دو طرف تحت تحریم شدید قرار دارند و به یکدیگر نیاز دارند و دنبال خروج از انزوا سیاسی هستند اما با وجود نیازی که بهم دارند بین آنها اعتمادی نیست و در بازار انرژی رقیب یکدیگرند

● ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) می‌گوید روسیه از ایران پهپاد خواسته و این نشان می‌دهد تسلیحات آنها در جنگ اوکراین ناکارآمد و ناکافی است اما مسئله اصلی این است که این پهپادها را برای کشتن اوکراینی‌ها خواسته است.

● شهرام سبزواری تحلیلگر نظامی به «کیهان لندن» می‌گوید، «ارتش روسیه در زمینه پهپادهای مسلح پیشرفت زیادی نکرده و با فرسایشی شدن جنگ اوکراین به پهپادهای کاربردی نیاز پیدا کرد و سراغ جمهوری اسلامی رفته... تحویل پهپاد به روسیه یا رونمایی از ناوپهپادبر این پیام را می‌دهد اگر سایبرین به دنبال تشکیل ائتلاف هستند جمهوری اسلامی توانایی برای پاسخ دارد.»

● افشار سلیمانی سفیر پیشین جمهوری اسلامی در روسیه به روزنامه «شرق» می‌گوید «روسیه به پهپادهای ایران نیاز ندارد می‌خواهد پای ایران را به جنگ باز کند و به دنبال کاهش هزینه‌های حمله به اوکراین است... این هزینه‌ها لزوماً نظامی نیست.»

● وبسایت «دیپلماسی ایرانی» می‌نویسد روسیه به پهپادهای جمهوری اسلامی نیاز دارد اما فروش پهپاد به روسیه علاوه بر اینکه باعث شدت گرفتن عملیات تخریبی اسرائیل علیه صنایع پهپادی و همچنین ترور متخصصان پهپادی و هوافضا می‌شود، کشورهای منطقه را برای تشکیل ائتلاف مشترک با اسرائیل و ایجاد پدافند یکپارچه ترغیب می‌کند. همچنین این اقدام به نوعی امکان توافق و احیای برجام را هم از بین می‌برد.



کنفرانس خبری وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا

پهپادهای انتحاری جمهوری اسلامی؛ مشاور امنیت ملی کاخ سفید: روس‌ها دست کم دو بار از پایگاه پهپادی کاشان بازدید کردند



تصاویر ماهواره‌ای از بازدید روس‌ها از پایگاه پهپادی کاشان در ۲۳۰ کیلومتری تهران

و پرواز در این فرودگاه هستند و این در حالی بود که یک هواپیمای ترابری متعلق به هیئت روسی نیز کنار باند توقف کرده بود.

چک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد، «دولت اطلاعاتی به دست آورده که نشان می‌دهد حکومت ایران در حال آماده ساختن ارسال چند صد پهپاد انتحاری به روسیه است.»

او همچنین گفت، «ارزیابی ما این است که هیئت روسی اخیراً به بازدید از چند نمونه پهپادهای تهاجمی ساخت ایران پرداخته و این نشان‌دهنده علاقه وافر روسیه به دریافت پهپادهای تهاجمی از ایران است.»

نماینده‌ی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد به درخواست اظهار نظر در مورد ادعای کاخ سفید پاسخ نداده است.

حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز جمعه در گفتگوی تلفنی با دیمیتر کولبا همتای اوکراینی خود گزارش‌های مربوط به صادرات پهپادهای ایرانی به روسیه را رد کرد و آنها را «بی‌اساس» خواند.

او تأکید کرد «طرح اینگونه ادعاها همزمان با سفر بایدن به سرزمین‌های فلسطین اشغالی، در راستای اهداف و اغراض سیاسی است... در خصوص اوکراین نیز همانطور که از ابتدای بحران اعلام کرده‌ایم، موضع ما همین است و خواهان حل مسائل از طریق راه حل سیاسی هستیم. سیاست‌های ما نیز منطبق بر همین اصل بوده و مخالف هرگونه اقدامی که منجر به ادامه و تشدید درگیری‌ها شود، هستیم.» ادعاهای وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حالپست که خود رژیم ایران عامل درگیری و بی‌ثباتی و تنش در منطقه است.

● ساعاتی پیش از برگزاری «نشست جده» کاخ سفید گزارش داد یک هیئت روسی روزهای ۸ ژوئن (۱۸ خرداد) و ۱۶ ژوئیه (۲۵ تیرماه) در فرودگاه کاشان از پهپادهای انتحاری ساخت ایران بازدید کرده است.

● تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد هنگام بازدید هیئت روسی از فرودگاه کاشان پهپادهای «شاهد۱۹۱-» و «شاهد-۱۲۹» در حال نمایش و پرواز در این فرودگاه هستند و این در حالی بود که یک هواپیمای ترابری متعلق به هیئت روسی نیز کنار باند توقف کرده بود

کاخ سفید می‌گوید مقامات روسی دست‌کم دو بار در هفته‌های اخیر از یک مقرّ هوایی در مرکز ایران بازدید کرده‌اند تا پهپادهای انتحاری را که به‌دنبال استفاده از آن در جنگ با اوکراین هستند از نزدیک ببینند.

آسوشیتدپرس ۱۶ ژوئیه (۲۵ تیرماه) گزارش داد دولت آمریکا این اطلاعات را در حالی منتشر کرده که جو بایدن قرار است روز شنبه با رهبران شش کشور عربی خلیج فارس به همراه رهبران مصر، اردن و عراق در یک نشست منطقه‌ای دیدار و گفتگو کند. انتظار می‌رود بایدن در پایان آخرین مرحله از سفر چهار روزه خود با هدف تقویت موقعیت آمریکا و متحد کردن کشورهای منطقه علیه رژیم ایران «بیانیه‌ای مهم» صادر کند که گویا در آن چشم‌انداز خود را برای خاورمیانه تشریح کرده است.

به گزارش کاخ سفید، رژیم ایران این پهپادها را در روزهای ۸ ژوئن (۱۸ خرداد) و ۱۶ ژوئیه (۲۵ تیرماه) در فرودگاه کاشان برای مقامات روسی به نمایش گذاشت. دولت آمریکا همچنین تصاویر ماهواره‌ای از پهپادهای «شاهد-۱۹۱» و «شاهد۱۲۹-» را منتشر کرد که در حال نمایش

در این سال‌ها مستقیم و غیرمستقیم تأسیسات و زیرساخت‌های سعودی و امارات را هدف قرار داده. این نودسته به آنها کمک می‌کند تا اگر حوثی‌های یمن هم نباشند باز هم بتوانند در دریای سرخ و اطراف اقدامات نظامی و ایذائی کنند.»

اینکه در یک هفته گذشته دست‌کم شش مقام ارشد آمریکایی رسماً در مورد تحویل پهپاد به روسیه به تهران هشدار دادند یعنی برای آمریکا و متحدانش در شرایطی که برای کمک به اوکراین میلیاردها دلار هزینه صرف می‌کنند یعنی جمهوری اسلامی در حال عبور از خط قرمزهاست.

کشاندن پای جمهوری اسلامی به جنگ برای تقسیم هزینه‌ها

اما برخی تحلیلگران معتقدند روسیه به پهپادهای ایرانی نیاز ندارد و هدف پوتین از اینکه سراغ جمهوری اسلامی رفته دلایل دیگری دارد.

افشار سلیمانی سفیر پیشین جمهوری اسلامی در روسیه در گفتگو با روزنامه «شرق» مسئله را سیاسی می‌بیند و می‌گوید، «خبر ارسال پهپاد از سوی ایران به روسیه یقیناً در راستای اهداف اصلی سفر پوتین به ایران است... روسیه و شخص پوتین به هر طریقی که شده سعی دارد پهپادهای ایران را در جنگ اوکراین به شکل جدی و رسمی درگیر کنند... من معتقدم روسیه به عنوان قدرت دوم نظامی جهان مهم‌ترین سلاح‌های نظامی و هسته‌ای را دارد؛ پیشرفته‌ترین جنگنده‌ها، ناوها، زیردریایی‌ها، موشک‌ها نیازی به پهپادهای ایرانی ندارد؛ اما باز کردن پای ایران به جنگ اوکراین آثار مخرب تداوم این جنگ برای روسیه کاهش می‌دهد. این هزینه لزوماً هزینه لجستیکی و نظامی نیست؛ چون پهپاد ایرانی توان کاهش هزینه روسیه در جنگ اوکراین را ندارد. اینجا تمرکز روی کلیدواژه هزینه، صرفاً هزینه سیاسی و دیپلماتیک این جنگ برای روس‌هاست. با کشاندن پای دیگر کشورها به جنگ اوکراین، هزینه‌های آن بین کشورها تقسیم می‌شود. بنابراین روسیه با هدف تقسیم‌کردن هزینه‌ها با ایران، سعی دارد با مطرح کردن دریافت پهپاد از ما پای تهران را هم به جنگ با اوکراین باز کند.»

برجام از بین خواهد رفت

برخی دیگر از تحلیلگران می‌گویند «جنگ اوکراین نشان داد که روسیه در زمینه پهپادی موفق عمل نکرده و چون خود ناوگان پهپادی روسیه عمدتاً از پهپادهای سبک و کوچک با برد و مداومت پروازی کم هستند و الان روسیه به شدت به پهپادهای کامیکازه (انتحاری) و پهپادهای شناسایی نیاز دارد. مشکلات کمبود پهپاد برای رفع نیاز ارتش روسیه آشکار شده و توسط خود دولت روسیه هم به رسمیت شناخته شده است.»

وبسایت «دیپلماسی ایرانی» می‌نویسد ماجرای انتقال پهپاد ایران به روسیه روابط تهران و مسکو را بهبود بخشید و روابط با واشنگتن را در بدترین وضعیت قرار داد.

در این تحلیل آمده فروش پهپاد به روسیه علاوه بر اینکه باعث شدت گرفتن عملیات تخریبی اسرائیل علیه صنایع پهپادی و همچنین ترورمتخصصان پهپادی و هوافضا می‌شود کشورهای منطقه را برای تشکیل ائتلاف مشترک با اسرائیل و ایجاد پدافند یکپارچه ترغیب می‌کند. همچنین این اقدام به نوعی امکان توافق و احیای برجام را هم از بین می‌برد.



کیفرخواست پرونده متروپل صادر شد؛ ۲۰ متهم در بازداشت و ابهام درباره سرنوشت حسین عبدالباقی؛ کدام «خودی‌ها» قرار است محاكمه نشوند!؟

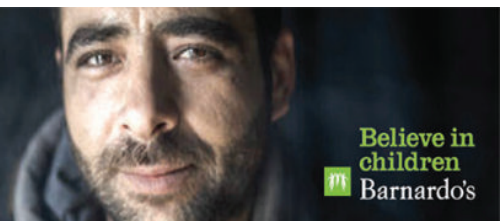
دست کم ۳۷ نفر مصدوم شدند. مالک این ساختمان حسین عبدالباقی یکی از رانتخواران در استان خوزستان است که طی دو دهه از آجیل‌فروشی به همراه برادرانش در مغازه پدری در آبادان به یکی از مافیاهای زمین و ساختمان تبدیل شد. بر اساس گزارش‌ها، بسیاری از مقامات شهر آبادان و استان خوزستان در روند تبدیل شدن حسین عبدالباقی به مافیای اقتصادی از وی حمایت کرده‌اند. حسین عبدالباقی با پولپاشی و رشوه مسیر خود را برای زمین‌خواری و ساخت‌وسازهای کلان در استان خوزستان هموار کرده بود. ساخت بناهای مختلف برای نهادهای حکومتی، ارسال تجهیزات اداری، نصب کولر در ادارات و سازمان‌ها، و آسفالت محوطه‌های متعلق به دستگاه‌های حکومت و انواع رشوه در غالب هدیه و به اصطلاح نیکوکاری از جمله این پولپاشی‌ها بوده است. با فرو ریختن ساختمان متروپل و خشم عمومی مردم در شهر آبادان، خبری درباره پیدا شدن پیکر حسین عبدالباقی در زیر آوار منتشر شد. پس از سه هفته نیز با ادعای تأیید هویت حسین عبدالباقی در آزمایش‌های ژنتیک جواز دفن او صادر و در روستایی در استان اصفهان به خاک سپرده شد. منابع محلی اما با استناد به فیلم‌های دوربین مدار بسته ساختمان متروپل و برخی شاهدان عینی معتقدند حسین عبدالباقی نه تنها زنده از ساختمان خارج شده بلکه از کشور گریخته است. علت فرار حسین عبدالباقی حفظ دارایی‌هایشان و فرار از روند محاکمه بوده است. غلامعباس ترکی معاون حقوق عامه دادستان کل کشور و عضو تیم اعزامی دادستانی به آبادان هفته گذشته در گفتگو با خبرنگاری مهر گفته بود که «شهرداری آبادان در این پروژه متروپل با گروه عبدالباقی مشارکت ۴ و نیم درصدی داشته است. مسئله اینجاست وقتی شهرداری و مشارکت کرده و بنا بوده از این ساختمان سهم برد و نتیجه‌اش شده اینکه وظیفه نظارتی خویش را اصلاً انجام ندهد است. اگر برسید در این مسئله مقصر کیست بخشی به ساختار غیر شفاف و معیوب به لحاظ مدیریت شهری منطقه ارونند بر می‌گردد.»

مستنداتی معتقدند حسین عبدالباقی نه تنها مرمده بلکه از ایران گریخته است. خبرنگاری میزان نیز ادعای مرگ حسین عبدالباقی را تکرار کرده و نوشته که در بخشی از کیفرخواست صادر شده با توجه به فوت مالک ساختمان و بر طبق تبصره ۱ ماده ۸۵ قانون آئین دادرسی کیفری درخواست پرداخت دیه به نسبت تقصیر از دادگاه درخواست گردیده است. مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه نیمه تیرماه اعلام کرده بود که شهردار فعلی و اسبق آبادان و کارمندان ذیمدخل، ناظر پروژه‌های مهندسی و شرکت‌های مشاور جزو بازداشت‌شدگان پرونده متروپل هستند. سخنگوی قوه قضاییه گفته بود که هویت عبدالباقی و کشته شدن وی محرز شده است و ضابط خاص در این حوزه در حال تکمیل بررسی موضوع است. به صورت منطقی مطابق موازین نسبت به کسانی که مقصر بودند برخورد با قاطعیت تمام صورت می‌گیرد تا کسانی که مسبب بودند دسی برای آنها شود و نسبت به سازه‌های ناایمن تکالیف قانونی خودشان را انجام دهند. یکی از موارد قابل توجه در این پرونده دیه قربانیان زن است. هفت نفر از قربانیان این حادثه زن بودند و در قوانین جمهوری اسلامی که بر پایه قوانین فقهی اسلام تنظیم شده، دیه زن برابر با نصف دیه مرد است. صادق جعفری چگنی دادستان مرکز استان خوزستان هفته گذشته خبر داده که «امکان پرداخت مازاد دیه توسط صندوق تأمین خسارات بدنی وجود دارد به همین منظور اقدامات اولیه در جهت پرداخت دیه از این طریق صورت گرفته و در حال انجام است.» صندوق تأمین خسارات بدنی یک نهاد غیردولتی اما عمومی در ایران است که برای پرداخت خسارت‌های بیمه‌ای به «افرادی که در حادثه‌ای صدمه دیده‌اند اما به هر دلیلی نمی‌توانند از شرکت بیمه و یا از مسبب حادثه خسارت خود را دریافت کنند»، کمک می‌کند. ساختمان متروپل آبادان در نیمروز دوم خردادماه به دلیل تخلفات در ساخت و شکست ستون‌های ساختمان فرو ریخت و طبق آمار رسمی ۴۳ تن در این حادثه مرگبار جان باختند و

● در این پرونده تعداد ۲۱ نفر مقصر حادثه شناخته شده‌اند که علیه ۲۰ نفر افراد موثر کیفرخواست صادر شده است.
● معاون دادستان کل کشور؛ شهرداری آبادان در این پروژه متروپل با گروه عبدالباقی مشارکت ۴ و نیم درصدی داشته است.
● دو روز پس از ریزش ساختمان متروپل، اعتراضاتی از سوی مردم در شهر آبادان آغاز و این اعتراضات شبانه به چند شهر دیگر استان و کشور کشیده شد.
● ساختمان متروپل آبادان در نیمروز دوم خردادماه فرو ریخت و طبق آمار رسمی ۴۳ تن در این حادثه مرگبار جان باختند و دست کم ۳۷ نفر مصدوم شدند.
● بیش از یک سال پیش عدم رعایت استانداردهای ایمنی و فنی در این ساختمان گزارش شده و حتی در مورد ریزش این ساختمان هشدار داده شده بود.
● مرکز رسانه قوه قضاییه از صدور کیفرخواست پرونده ریزش ساختمان متروپل و ارجاع آن به شعبه ۲ دادگاه کیفری اهواز خبر داد. مقامات قوه قضاییه از بازداشت ۲۰ متهم در ارتباط با این پرونده خبر دادند اما هنوز سرنوشت حسین عبدالباقی به عنوان متهم ردیف اول در پرده‌ای از ابهام قرار دارد.
● خبرنگاری میزان، مرکز رسانه قوه قضاییه، امروز پنجشنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۱ با اعلام این خبر که کیفرخواست پرونده ریزش ساختمان متروپل صادر شده اعلام کرده که این پرونده در مجموع ۲۰ متهم دارد.
● در این گزارش آمده که با توجه به اهمیت موضوع و با توجه به گستردگی ابعاد حادثه، این پرونده به صورت دقیق در شعبه ویژه بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز مورد ارزیابی و کارشناسی‌های تخصصی قرار گرفته و بر این اساس کیفرخواست صادر گردیده است.
● خبرنگاری میزان همچنین اعلام کرده که در این پرونده تعداد ۲۱ نفر مقصر حادثه شناخته شده‌اند که علیه ۲۰ نفر افراد موثر کیفرخواست صادر شده است.
● پس از ریزش ساختمان متروپل آبادان ادعا شد که حسین عبدالباقی مالک ساختمان متروپل و متهم ردیف اول این پرونده زیر آوار جانباخته است. منابع محلی با تکیه بر

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.





جلوگیری از سقط جنین در ایران در پی تأکيدات علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در دهه‌های گذشته بر افزایش جمعیت و «سر بازسازی» برای نظام است. از این رو، بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت خردنامه دستورالعمل «حفظ و مراقبت از جنین» را به مراکز درمانی و دانشگاهی ابلاغ کرد.

این دستورالعمل در راستای تحقق ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت صادر شده با این محتوا که بررسی ناهنجاری‌های کروموزومی جنین در مادران باردار «استاندارد» می‌کند و «با رعایت الگوی فنی از جنین‌های سالم تا هنگام تولد مراقبت می‌شود». بر این مبنا، غربالگری امری «اختیاری» است که نه با صلاحیت پزشک بلکه از سوی والدین باید پیشنهاد شود. همچنین زنان باردار کمتر از ۳۵ سال که فاقد سابقه تولد فرزند دارای مشکلات ژنتیک و سندروم داون هستند، ملزم به غربالگری جنین نیستند و مادران بالاتر از ۳۵ سال و زنان دارای سابقه زایمان فرزند با مشکلات ژنتیک یا سندروم داون، باید تحت غربالگری قرار گیرند. وزارت بهداشت همچنین پزشکان و کادر درمان را تهدید کرد، در صورت «مباشرت یا معاونت» در سقط جنین با اتهام «جرم سنگین» به قوه قضاییه معرفی می‌شوند. حتی یک سامانه تماس نیز راه‌اندازی شده تا خانواده‌ها گزارش بدهند و خبرچینی کنند که پزشک معالج به آنان توصیه‌هایی در زمینه سقط جنین یا غربالگری کرده است. محدودیت برای ارائه محصولات پیشگیری، تست‌های بارداری و حالا هم غربالگری در راستای پیشبرد سیاست افزایش جمعیت و فرزندآوری علی خامنه‌ای صورت می‌گیرد که به ویژه برای ساکنان مناطق محروم که تنها از مراکز درمانی و نیکوکاران تأمین پزشکی و بهداشتی می‌شوند، تبعات خطرناک از جمله تولد نوزادانی با مشکلات ژنتیک و ناهنجاری‌های فیزیکی دارد. فشار دستگاه بهداشت و درمان با حذف خدمات‌رسانی واکنش کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل را نیز به دنبال داشت که در بیانیه‌ای اعمال قوانین کیفری با هدف افزایش زاد و ولد برای زنان و دختران را «تبعیض‌آمیز» توصیف و از آن انتقاد کردند.

در همه کشورها قوانین انسان‌دوستانه برای پشتیبانی از حیات و سلامتی زنان باردار و همچنین جنین وجود دارد و اینطور نیست که سقط جنین بدون دلیل پزشکی و جسمی و روحی و در همه ماه‌های بارداری ممکن باشد! منتها جمهوری اسلامی با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که با هدف سیاست افزایش جمعیت و توهم زاد و ولد «لشکر اسلام» در پیش گرفته، از حذف لوازم رایگان جلوگیری از بارداری و محدودیت آنها تا مقررات سختگیرانه مربوط به سقط جنین، به گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی خودساخته حتی برای نسل‌های آینده در ایران دامن می‌زند.

وزارت بهداشت:

اجازه «سقط جنین ناسالم» نه با گواهی «پزشک» بلکه با حکم «حاکم شرع» صادر می‌شود!

● صابر جبّاری رئیس اداره جوانی جمعیت وزارت بهداشت از اجرای سختگیرانه منع سقط جنین در ایران خبر داد: حتی سقط «جنین ناسالم» تنها با حکم قاضی یا همان حاکم شرع ممکن است!

● این درحالیست که پیشتر بنا بر تشخیص پزشک و گواهی پزشک قانونی، امکان سقط جنین ناسالم وجود داشت. اکنون به گفته‌ی این مسئول وزارت بهداشت، «بر اساس ماده ۵۶ قانون جوانی جمعیت این اختیار از پزشک سلب شده است». وزارت بهداشت جمهوری اسلامی می‌گوید، حتی برای سقط «جنین ناسالم» نیز گواهی پزشک نقشی ندارد و باید حکم قاضی یا همان حاکم شرع صادر شود!

صابر جبّاری رئیس اداره جوانی جمعیت وزارت بهداشت از اجرای سختگیرانه منع سقط جنین در ایران خبر داد. منعی که حتی سقط «جنین ناسالم» را تنها با حکم حاکم شرع ممکن می‌کند. این در حالیست که پیشتر بنا بر تشخیص پزشک و گواهی پزشک قانونی، امکان سقط جنین ناسالم وجود داشت. اکنون به گفته‌ی این مسئول وزارت بهداشت، «بر اساس ماده ۵۶ قانون جوانی جمعیت این اختیار از پزشک سلب شده است!» رئیس اداره جوانی جمعیت وزارت بهداشت تأکید داشته که «پس از طی کردن یک فرایند اجرایی، اجازه سقط جنین ناسالم با حکم قاضی صادر می‌شود». بر این مبنا، غربالگری جنین که از سوی وزارتخانه بهداشت به عنوان مسئول سلامت جامعه و شهروندان، تا ۳۵ سالگی ممنوع شده، به گفته‌ی جبّاری انجام نمی‌شود «که بخواهیم جنینی را سقط کنیم، بلکه ما غربالگری انجام می‌دهیم تا به مادر و خانواده اطمینان دهیم جنین سالم است». او درباره موارد استثنائات توضیح داد: «ممکن است به دلایل مختلف پزشکی یا خراج نیاز به سقط باشد که این موارد در پزشکی قانونی و با حکم نهایی قاضی در نظر گرفته و انجام می‌شود». طبق اعلام این مسئول وزارت بهداشت، در بررسی سقط جنین توسط قاضی نیز «نباید بروج روح اتفاق افتاده باشد و سن بارداری باید کمتر از ۴ ماه باشد. خانواده‌ای که دغدغه غربالگری را دارد باید در زمان معین به پزشک مراجعه کند». منظور از بروج روح زمانی است که مسلمانان معتقدند خداوند در کالبد انسان روح دمیده است. در مواد ۴۸۷ و ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۹۱ قانون تعزیرات به بروج روح در جنین اشاره شده و بر این مبنا، در صورت سقط، قتل یک انسان کامل محسوب می‌شود.

بنابراین آنچه گفته می‌شود در قرآن و روایات آمده است، زمان دمیدن روح در جنین وقتی است که خلقت ظاهری و جسمی انسان، کامل شود بعد از آن صاحب روح می‌شود که این مدت بعد از چهار ماه کامل است و پس از چهار ماه جنین دارای حرکاتی می‌شود که نشان دهنده پدید آمدن روح در اوست.

معاون حقوق عامه دادستان کل کشور افزوده که «در مرحله اول دو شرکت را به عنوان مشاور با تلقی اینکه ساختمان عمومی است، تعیین کردند. صلاحیت فنی شرکت‌های مشاور هم زیر سوال است یعنی از ابتدا طراحی و بعدش صدور پروانه نقشه‌های فنی و اجرا و نظارت فنی در این پروژه دچار اختلال و مشکل بوده و غیر اصولی انجام شده است. طراحی تنظیم نقشه‌ها و اجرا و نظارت اشتباه بوده و بیشترین سهم اشتباه متوجه شهرداری است البته سایر دستگاه‌ها هم وظیفه نظارت دارند که به وظیفه خودشان عمل نکردند.» غلامعباس ترکی همچنین گفته که به لحاظ وضعیت آب و خاک آن منطقه، سازه‌ای که باید ایجاد شود گفته شده بیش از ۸ طبقه نباشد. با این حال شهرداری پروانه‌ای برای ۹ طبقه روی همکف صادر کرده که با همکف و منفی یک، ۱۱ طبقه می‌شود. گزارش‌های دیگری که در نخستین روزهای پس از ریزش ساختمان منتشر شد نیز نشان می‌داد که بیش از یک سال پیش عدم رعایت استانداردهای ایمنی و فنی در این ساختمان گزارش شده و حتی در مورد ریزش این ساختمان هشدار داده شده بود. در یک مورد از این گزارش‌ها که نامه رئیس وقت سازمان نظام مهندسی آبادان درباره ۱۴ مورد تخلف در ساخت متروپل بوده، این نامه به شهرداری آبادان، امام جمعه، رئیس وقت شورای اسلامی شهر، فرمانداری ویژه آبادان، معاونت شهرسازی و مدیریت حراست شهرداری آبادان ارسال شده اما هیچ اقدامی از سوی مسئولان صورت نگرفته است!

گزارش‌ها نشان می‌دهد مجتمع برج‌های دوقلوی متروپل به قدری سست بود که ستون اصلی و حمل‌کننده مجتمع‌ها نشست و طبله کرده بود. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده در فضای مجازی نیز چنین چیزی را نشان می‌دهد. مالک این ساختمان داربست‌هایی در اطراف پروژه کشیده بود که برخی مدعی هستند با هدف پنهانکاری وضعیت وخیم ساختمان انجام گرفته است. نخستین ساختمان متروپل پیش از این به بهره‌برداری رسیده بود و ساختمان دوم این پروژه دوقلو که از آن به عنوان «مگا پروژه متروپل» یاد شده، در آخرین مراحل ساخت قرار داشت اما بهره‌برداری از طبقات پایینی آن آغاز شده بود. دو روز پس از ریزش ساختمان متروپل، اعتراضاتی از سوی مردم در شهر آبادان آغاز و این اعتراضات شبانه به چند شهر دیگر استان و کشور کشیده شد. اعتراضات مردمی علیه ساختار رانت و فساد و ناکارآمد جمهوری اسلامی بود که در آن افرادی چون حسین عبدالباقی به سران مافیایی تبدیل شده و با رشوه و پول‌پاشی، فاجعه‌های تلخ و مرگبار چون ریزش متروپل را رقم می‌زنند.

در مقابل جمهوری اسلامی همه تلاش خود را برای برگزاری مراسم حکومتی به کار بسته است. علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در یک مراسم حکومتی برای «یادبود جانبختگان متروپل» در تهران گفت، «خانواده‌های داغدار و مردم آبادانی در این حادثه دهشتناک به زیر دو آوار کشیده شدند، آوار ریزش ساختمان و آوار روانی هدایت شده.» علی شمخانی حضور گسترده و اعتراضی مردم آبادان را به توطئه و برنامه‌ریزی خارجی منسوب کرد و اظهار داشت: «سلطنت‌طلب‌ها، منافقین و تجزیه‌طلب‌ها با گسیل نیرو، محورهای این آوارسازی روانی هستند. آنها به کمک شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ای وارد این معرکه شدند.»

پس از حادثه متروپل خربهایی از نقش موعود شمخانی، برادرزاده دبیر شورای امنیت رژیم در معرفی حسین عبدالباقی، مالک این ساختمان به شهرداری آبادان منتشر شد. اینهمه در حالیست که هنوز اسامی متهمان این پرونده اعلام نشده و مشخص نیست ۲۰ نفری که در دادگاه محاکمه می‌شوند چه کسانی هستند و کدام «خودی»‌های مقصر در این حادثه قرار نیست محاکمه شوند!



اعتراض بسیجی‌ها به سفر بایدن به منطقه و علیه عادی شدن روابط اسرائیل و دولت‌های عربی

ساز بدصدایی که ولادیمیر پوتین برای آیت‌الله‌ها کوک کرده است!

فرا ساحلی در مدیترانه امضاء کرد که با لبنان بر سر مرزهای دریایی خود با آن کشور اختلاف دارد و با وجود میانجیگری‌های آمریکا و اروپا و چند مرحله مذاکرات مستقیم برای ترسیم مرزهای دریایی تا کنون دو کشور به راه حلی نرسیده‌اند. در همین ارتباط، حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان به شیوه و زبان مقامات جمهوری اسلامی تهدید کرده «اگر نتوانیم از دریا گاز استخراج کنیم، هیچکس نمی‌تواند!» زمامداران جمهوری اسلامی نیز درباره صادرات سوخت از خلیج فارس تهدید کرده بودند که اگر ما نتوانیم نفت از خلیج فارس راهی کشورهای دیگر کنیم، هیچکس نمی‌تواند!

در استراتژی جدید دولت بایدن در خاورمیانه بود بطوری که وی رسماً اعلام کرد «می‌گذاریم چین و روسیه و ایران جای آمریکا را در منطقه پر کنند.»

در این میان قرار است ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه نیز به تهران سفر کند. رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه هم قرار است همزمان با پوتین به تهران برسد.

تعارض منافع نظامی

در جمهوری اسلامی مقامات و رسانه‌های حکومتی چنین القاء می‌کنند که گویا سفر پوتین به تهران رویدادی بزرگ و واکنشی مهم برای توازن قوا در مقابل سفر بایدن به اسرائیل و عربستان است! همچنین تبلیغ می‌شود که هدف این سفر تشکیل یک ائتلاف جدید است! اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی، روسیه و ترکیه خودشان در حوزه‌های مختلف با تعارض منافع روبرو هستند با این همه اختلاف هرگز هیچ ائتلافی شکل نخواهد گرفت مگر برای دست به یکی کردن چند عضو آن ائتلاف برای ضربه زدن به اعضای دیگر! روشن است که وزن جمهوری اسلامی در مقایسه با ترکیه و روسیه چقدر است!

در همین ارتباط این سه حکومت قبلاً هم کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند: هر سه عضو «مذاکرات آستانه» برای پایان دادن به جنگ در سوریه‌اند اما تهران و مسکو از فشار اسد رئیس جمهوری رژیم سوریه حمایت می‌کنند و ترکیه از نیروهای مسلح مخالف اسد. ضمن اینکه نیروهای وابسته به هر کدام بارها در سوریه با یکدیگر درگیر شده‌اند. این سه بازیگر با انبوهی اختلافات و مشکلات داخلی نیز روبرو هستند که فقط بخشی از آن مربوط به میدان جنگ با دیگران است که فقط احتمال دارد آنها را بطور موقت بهم نزدیک کند!

از سوی دیگر، رهبر نیروهای دموکراتیک گُرد سوریه (SDF) که مورد حمایت آمریکاست از روسیه و جمهوری اسلامی خواسته تا ترکیه را از اقدامات نظامی در شمال این کشور منصرف کنند. در ماه‌های اخیر بارها شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی و ترکیه در سوریه و عراق با یکدیگر درگیر شدند و تلفات دادند.

تعارض منافع اقتصادی

روسیه بعد از حمله به اوکراین با ارزان‌فروشی نفت

در گبرودار مذاکرات اسرائیل و لبنان بر سر ترسیم مرزهای آبی دو کشور، سه پهباد حزب‌الله لبنان در آب‌های مدیترانه در مسیر میدان گازی «کاریش» رهگیری و منهدم شدند! پهبادهایی که گفته می‌شود ساخت جمهوری اسلامی هستند.

در واکنش به این حمله یائیر لاپید نخست وزیر اسرائیل هشدار داد «بدخواهان ما از غزه تا تهران، از سواحل لبنان تا سوریه، بدانند که ما می‌توانیم از قدرت خود در مقابل هر تهدید و دشمنی استفاده کنیم، پس ما را آزمایش نکنید.»

روشن است که اگر اروپایی‌ها بتوانند برای تأمین حتا بخشی از نیاز خود به نفت و گاز منابع جدید پیدا کنند اصلاً به نفع روسیه و جمهوری اسلامی نیست. حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اواخر اسفندماه ۱۴۰۰ به ویلای کریم برزنجی سرمایه‌دار گُرد و مدیرعامل شرکت پخش فراآورده‌های نفتی کردستان عراق موسوم به «گروه کار» و چند بار راکت‌پرانی شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی به تأسیسات گازی در اربیل واکنش به صادرات انرژی از کردستان عراق به اسرائیل بود. حتا برخی تحلیلگران مطرح کردند این حملات با صحنه‌گردانی روسیه انجام شده است. سفر اخیر جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا به خاورمیانه دو محور اساسی داشت:

(۱) توافق با عربستان برای عرضه بیشتر نفت
(۲) تضمین امنیتی به شرکای منطقه‌ای و زمینه‌سازی برای ایجاد یک ائتلاف نظامی علیه تهدیدات جمهوری اسلامی به ویژه حملات پهبادی و موشکی
به نظر می‌رسد «نشست جدّه» هماهنگی رسمی برای

● اسرائیل به دنبال صادرات گاز به اروپاست اما حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان به شیوه و با زبان زمامداران جمهوری اسلامی تهدید کرده «اگر نتوانیم از دریا گاز استخراج کنیم، هیچکس نمی‌تواند!»

● در جمهوری اسلامی مقامات و رسانه‌های حکومتی چنین القاء می‌کنند که گویا سفر پوتین به تهران رویدادی بزرگ و واکنشی مهم برای توازن قوا در مقابل سفر بایدن به اسرائیل و عربستان است! آنها دلخوش به «تشکیل ائتلاف جدید» در برابر غرب هستند!

● هر قدر که بایدن و مقامات آمریکایی تلاش کردند در سفر به خاورمیانه اسرائیل و عربستان و سایر کشورهای عربی را در کمال احترام به عنوان متحدان آمریکا دلگرم به همکاری‌های امنیتی و اقتصادی کنند روس‌ها با وجود باج‌های دائمی جمهوری اسلامی مدام رژیم ایران و مقامات آن را تحقیر می‌کنند.

● لوان جاگاریان سفیر مسکو در تهران اعلام کرده است «ایران چند صد میلیون یورو به روسیه بدهکار است» و منت می‌گذارد: می‌خواهد خیلی چیزها را افشا کند!

● پوتین در شرایطی می‌خواهد در تهران با اردوغان دیدار کند که چند هفته پیش از این چاووش‌واغلو وزیر خارجه ترکیه به اسرائیل سفر کرد تا با اسرائیلی‌ها در مورد خط لوله صادرات گاز مدیترانه به اروپا از طریق ترکیه مذاکره کند. ترکیه به عنوان عضو ناتو و کشوری که سال‌هاست برای عضویت در اتحادیه اروپا تلاش می‌کند، به دنبال آن است که راهروهای جدید انرژی به سوی اروپا باز کند.

ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در شرایطی به تهران سفر می‌کند که اروپا بعد از حمله روس‌ها به اوکراین با بحران تأمین انرژی به ویژه گاز روبرو شده و رهبران اتحادیه اروپا به دنبال یافتن منابع جایگزین جهت کاهش وابستگی به منابع روسیه‌اند.

در شرایطی که نفت و گاز ایران تحریم است و میانجیگری‌های اروپا برای لغو تحریم‌های جمهوری اسلامی به بن‌بست رسیده، مقامات اسرائیلی بلندپروازانه توافقنامه صادرات گاز طبیعی به اروپا موسوم به (MOU) را با همکاری مصر امضاء کرده‌اند.

اسرائیل در حالی این توافقنامه را به پشتوانه منابع گازی

جو بایدن در نشست جدّه: نمی‌گذاریم چین و روسیه و ایران جای آمریکا را در منطقه پر کنند



نشست جدّه موسوم به «GCC+3» با حضور جو بایدن ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۲ برگزار شد

وی با تأکید بر ضرورت برقراری امنیت، ثبات و رفاه در منطقه دستیابی به آن را از طریق یافتن راهکارهای سیاسی واقع‌بینانه دانست و تأکید کرد که «باید درد و رنج مردم در بحران‌ها به‌ویژه در سوریه و لیبی را متوقف کرد».

ولیعهد عربستان در رابطه با پرونده جمهوری اسلامی گفت: «ما از ایران به عنوان یک کشور همسایه می‌خواهیم به قوانین بین‌المللی پایبند باشد و بدون دخالت در امور سایر کشورهای منطقه با آنها و همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند».

به گزارش رسانه‌های عربی، جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا در جریان نشست جدّه گفت، «نمی‌گذاریم در خاورمیانه خلأی شکل بگیرد که چین و روسیه و ایران آن را پر کنند» وی به تکرار افزود، «ایالات متحده متعهد است تضمین کند که جمهوری اسلامی ایران هرگز موفق به دستیابی به سلاح هسته‌ای نمی‌شود و به این رژیم اجازه نخواهد داد باعث بی‌ثباتی در منطقه شود».

بایدن تأکید کرد، اقدامات رژیم ایران عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه است و «ما مصمم هستیم با تهدیدهای تروزیستی در منطقه مقابله کنیم و از هم‌پیمانان خود برای رویارویی با تروزیسم حمایت می‌کنیم».

رئیس‌جمهوری آمریکا در نشست جدّه گفت: «ایالات متحده همواره شریک فعالی در خاورمیانه خواهد ماند. به فعالیت‌های خود در منطقه خاورمیانه ادامه خواهیم داد و روابط اقتصادی پایداری را بنیان خواهیم گذاشت. منافع آمریکا با موفقیت کشورهای خاورمیانه مرتبط است».

بایدن ساعاتی پس از پایان این نشست، جدّه را به مقصد واشنگتن ترک کرد.

خرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در واکنش به این نشست نوشت «عربستان برای بایدن همان گاو شیرده ترامپ است» و «خزانه طلای سعودی و دلارهای آنها به جیب آمریکایی‌ها می‌رود».

● ولیعهد عربستان در رابطه با پرونده جمهوری اسلامی در «نشست جدّه» گفت «ما از ایران به عنوان یک کشور همسایه می‌خواهیم به قوانین بین‌المللی پایبند باشد و بدون دخالت در امور سایر کشورهای منطقه با آنها و همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند».

● جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا به تکرار تأکید کرد «ایالات متحده متعهد است تضمین کند که جمهوری اسلامی ایران هرگز موفق به دستیابی به سلاح هسته‌ای نمی‌شود و به این رژیم اجازه نخواهد داد باعث بی‌ثباتی در منطقه شود».

نشست منطقه‌ای جدّه با حضور جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا و رهبران شورای همکاری خلیج (فارس) و رهبران سه کشور مصر، عراق و اردن برگزار شد.

به گزارش الشرق الاوسط محمد بن سلمان ولیعهد سعودی در سخنانی با ابراز امیدواری نسبت به اینکه نشست جدّه مرحله جدیدی برای امنیت و توسعه در منطقه باشد گفت، «این نشست پیام به جهان است که ما ارزش‌های والایی را که به آنها افتخار می‌کنیم رها نخواهیم کرد و امیدواریم جهان نیز به آنها احترام بگذارد... امیدواریم این نشست دوره جدیدی از همکاری‌های مشترک برای گسترش مشارکت استراتژیک باشد».

محمد بن سلمان تأکید کرد که عربستان سعودی ظرفیت تولید نفت خود را به ۱۳ میلیون بشکه در روز افزایش داده و پس از آن این کشور ظرفیت اضافی برای افزایش تولید نخواهد داشت.

او همچنین درباره موضوع فلسطین افزود: «ما تأیید می‌کنیم که رونق و شکوفایی منطقه مستلزم تسریع در یافتن راه حل عادلانه و همه‌جانبه برای مسئله فلسطین، مطابق با اصول و قطعنامه‌های بین‌المللی و طرح صلح عربی است».

به چین بازار صادرات نفت ایران را ربود. با تخفیف‌های روسیه به مشتریان فولاد، تولید فولاد ایران نیز سقوط کرد و تولیدات قیر نیز به وضعیتی مشابه دچار شد. مهمتر از اینها روسیه معامله اتمی غرب با جمهوری اسلامی را مشروط به لغو تحریم‌هایی کرد که پس از حمله به اوکراین علیه آن کشور اجرا می‌شوند. آمریکا اما زیر بار این باج‌خواهی نفت و مذاکرات اتمی که پیشتر به بن‌بست خورده بود، همچنان متوقف ماند. انتقادهای خفیف و زیرپوستی مقامات جمهوری اسلامی به روسیه نیز بی‌نتیجه ماند.

پوتین در شرایطی می‌خواهد در تهران با اردوغان دیدار کند که چند هفته پیش از این چاووش‌اوغلو وزیر خارجه ترکیه به اسرائیل سفر کرد تا با اسرائیلی‌ها در مورد خط لوله صادرات گاز مدیترانه به اروپا از طریق ترکیه مذاکره کند. ترکیه به عنوان عضو ناتو و کشوری که سال‌هاست برای عضویت در اتحادیه اروپا تلاش می‌کند، به دنبال آن است که راهروهای جدید انرژی به سوی اروپا باز کند.

تحقیر دائمی جمهوری اسلامی توسط روس‌ها

هرقدر که بایدن و مقامات آمریکایی تلاش کردند در سفر به خاورمیانه، اسرائیل و عربستان و سایر کشورهای عربی را در کمال احترام به عنوان متحدان آمریکا دلگرم به همکاری‌های امنیتی و اقتصادی کنند، روس‌ها با وجود باج‌های دائمی جمهوری اسلامی مدام رژیم ایران و مقامات آن را تحقیر می‌کنند. لوان جاگاریان سفیر مسکو در تهران اعلام کرده است «ایران چند صد میلیون یورو به روسیه بدهکار است» و بر سر مقامات جمهوری اسلامی منت می‌گذارد که «نمی‌خواهد خیلی چیزها را افشا کند!» او حتا دیکته کرده که رژیم ایران نباید به اروپا و آمریکا اعتماد کند چون آنها می‌خواهند «ارزش‌های پوچ خود مانند همجنس‌بازی و چیزهای خیلی کثیف» را به ایران بیاورند ولی روسیه مخالفت می‌کند».

مقامات جمهوری اسلامی آگاهند اگر با آمریکا معامله نکنند گزینه بعدی چیزی جز جنگ نیست. مذاکره برای این معامله اکنون به دلایل مختلف به بن‌بست رسیده است چنانکه معتمدین نظام هشدار می‌دهند اگر توافق صورت نگیرد کشور دچار کلاف سردرگمی می‌شود که باز کردنش با خداست! فرماندهان بلندپایه ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سخنرانی‌های خود درباره «نبرد ظهور» و آخرزمانی حرف می‌زنند بر لزوم آمادگی نیروهای تحت فرمان رژیم تأکید دارند. در چنین بحرانی روسیه با خرید پهپادهای انتحاری از جمهوری اسلامی پای ایران را، دست مانند روسیه، به جنگ اوکراین نیز باز می‌کند. جایی که رهبران غرب میلیاردها دلار برای عقب زدن روسیه خرج می‌کنند و ریسک انواع و اقسام بحران‌ها و پیامدهای آن از جمله کمبود انرژی را قبول کرده‌اند.

روسیه از یک سو مانع معامله جمهوری اسلامی روسوفیل با غرب شده و از سوی دیگر برای منافع خود بازار نفت و فولاد ایران را به سوی سقوط سوق داده است. روسیه می‌داند در تهران آیت‌الله‌ها نه راه پس دارند و نه راه پیش! به همین دلیل از آنها سواری می‌گیرد چنانکه در جنگ سوریه گرفت! در مقابل مقامات جمهوری اسلامی برای پوشاندن ضعف و ذلت خود در عرصه بین‌المللی ابزاری جز موشک و پهپاد ندارند و مجبورند چون عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی تن به بازیگردانی روسیه دهند. اگرچه غرب‌ستیزی و ضدآمریکایی بودن در سرشت جمهوری اسلامی ریشه دارد اما پوتین با سیاست‌های خود رژیم ولایت فقیه را بیش از پیش در برابر غرب تحریک می‌کند و آن را به نوعی به «سپر» خود تبدیل کرده تا همه تیرهایی که از سوی غرب شلیک می‌شود به آن اصابت کند.

زنان قصد بارداری شدن را نداشته باشند ما باید مستندات آن را ارسال کنیم.»

طبق توضیحات این ماما، به ازای هر ۲۵۰۰ نفر جمعیت بلوک‌بندی شده و برای مشاوره مناطق را تقسیم‌بندی کرده‌اند، «قبلا برای زنانی که چهار بار سزارین داشته یا پنج فرزند سالم داشتند این مشاوره‌ها انجام نمی‌شد، اما در حال حاضر الزام به مشاوره فرزندآوری برای این قبیل افراد هم وجود دارد.»

تبلیغ ازدواج و فرزندآوری در مدارس نیز از مقطع دوم متوسطه با بالا صورت می‌گیرد و «آموزش‌وپرورش هم مخالفتی با این موضوع نمی‌کند. این آموزش‌ها برای تمام ادارات به صورت اجباری صورت می‌گیرد شاید یکی از دلایل این موضوع این است که دولت می‌بیند که افراد تحصیل‌کرده معمولا تمایل کمتری به فرزندآوری دارند یا حداکثر به تک فرزند اکتفا می‌کنند و می‌خواهد این قشر را به فرزندآوری تشویق کند.»

در پی دستور علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به فرزندآوری و ازدیاد جمعیت، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که از آبان‌ماه پارسال به اجرا در آمده تا نرخ باروری ۱/۴۵ را به ۲/۱ برساند. ممنوعیت غربالگری اجباری، شناسایی و ردیابی کادر درمان مخالف این طرح و مجازات آنها، اهدای وام زمین و اتموبیل به خانواده‌ها از راهکاری دولت بوده است.

مجید احمدی مسئول دبیرخانه کمیته فرهنگی قرارگاه جمعیت وزارت بهداشت بود که اوایل تیرماه با هشدار درباره بسته شدن پنجره جمعیت کشور تا ۶ سال دیگر، گفت با کارشکنی‌هایی، بسیاری از مواد این قانون اجرایی نشده و در مرحله تهیه و ابلاغ آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها مانده است. اما اطمینان داد که با همه محدودیت‌های مالی اراده جدی دولتمردان و نمایندگان مجلس بر تحقق این سیاست جزم است.

به تازگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه‌ای اعلام کرد در بررسی صلاحیت عمومی متقاضیان عضویت هیات علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، در ازای تاهل ۵ امتیاز و در صورت داشتن هر فرزند ۳ امتیاز به امتیازات صلاحیت عمومی افزوده می‌شود. همچنین بر اساس این مصوبه در صورت تساوی امتیازات طبق فرم بررسی صلاحیت عمومی، اولویت با فرد متاهل است. شرط داشتن تاهل برای ثبت‌نام در نهضت ملی مسکن و تعلل در اعلام نتایج استخدامی آموزش و پرورش براساس تغییرات در امتیازهایی مرتبط با ازدواج و داشتن فرزند، از موارد دیگر این طرح است.

یکی از عجیب‌ترین اقدامات دولت به فرزندآوری، تشویق بازنشستگان به بچه‌دار شدن است! بطوری که اوایل خردادماه، صندوق بازنشستگی کشوری اعلام کرد طبق ماده ۱۶ قانون جوانی جمعیت، برای بازنشستگانی که تاریخ ازدواج خودشان و تاریخ تولد فرزندان‌شان قبل از سال ۱۴۰۱ باشد، مبلغ «عائله‌مندی» به ۴۰۷ هزار و ۳۸۹ تومان و حق اولاد هم به ۱۰۵ هزار و ۶۱۹ تومان می‌رسد!

«سرگذشت ندیمه» رمانی است از مارگارت اتوود نویسنده کانادایی که سریالی نیز از روی آن ساخته شده که به شدت مورد استقبال قرار گرفته است. فضایی که در سرزمین تخیلی این رمان تصویر می‌شود که تحت حکومت یک گروه افراطی مذهبی-ایدئولوژیک قرار دارد نه تنها از جمله در مورد فرزندآوری بسیار به جمهوری اسلامی شبیه است بلکه واقعیت‌های عجیب و وحشتناک رژیم ولایت فقیه در ایران از تخیل نویسنده کتاب و کارگردان این سریال نیز فراتر می‌رود!

جمهوری اسلامی بسی فراتر از «سرگذشت ندیمه»! «گشت بارداری» در بیمارستان‌ها و تشویق نوجوانان و بازنشستگان به فرزندآوری!

کرد و گفت: من از پزشکی قانونی آمده‌ام و لازم است با شما و همسرتان صحبت کنم. من روی تخت نشستم و او پرونده‌ام را بررسی کرد و پرسید که چند وقت است این بیماری را دارید؟ در ادامه گفت: «شما یک بیماری زنانه و چسبندگی لگن داری. بچه داری؟» گفتم نه و خودمان هم نخواستیم که بچه‌دار شویم. او گفت: «بیماری شما ممکن است بعد از جراحی عود کند و ممکن است که در ادامه بخشی از رحم و تخمدان برداشته شود. از این موارد مطلع هستید؟ می‌خواهید بیشتر در اینباره فکر کنید؟ من یک لحظه بهم ریختم، می‌دانستم که بیماری‌ام ممکن است دوباره عود کند اما اینکه بشنوم بخشی از رحم و تخمدانم شاید برداشته شود، ناراحتم کرد. او به همسرم گفت: «ما مجبوریم این اطلاعات را به شما بدهیم، شاید همسر شما در ادامه ناباروری داشته باشد و شما باید کامل در جریان باشید.» همسر هم به او گفت که این موضوعی نیست که الان قبل از عمل به ما بگوید، ما به اندازه کافی اضطراب داریم و اینکه موضوع بچه‌دار شدن همیشه برای ما اولویت چندم بوده است. من همسر را به دلیل بچه‌دار شدن انتخاب نکردم که حالا به دلیل بچه‌دار شدن خللی در رابطه ما به وجود بیاید.»

رضا لاری‌پور مشاور رئیس کل و سخنگوی سازمان نظام پزشکی می‌گوید، تا به حال چنین موضوعی را نشنیده و «اطلاعی از آن ندارم و در اینباره پرس و جو خواهم کرد.» او مدعی شده است: «ممکن است در پی اجرایی شدن قانون جوانی جمعیت، وظایفی را برای افرادی و برای تذکر دادن به زنان در بیمارستان‌ها در نظر گرفته باشند که البته من از آن بی‌اطلاعم. اما بطور منطقی، هیچ فرد غیردرمانی در حوزه درمان اجازه دخالت ندارد. گرچه به نظر من کشور آنقدر نیرو ندارد که آنها را برای چنین کارهایی در بیمارستان‌ها مستقر کند.»

موضوع به گشت مأموران وزارت بهداشت در بیمارستان‌ها ختم نمی‌شود. مراکز بهداشتی و خانه‌های بهداشت پیش از تصویب قانون جوانی جمعیت با تبلیغات و پوسترهایی در زمینه فرزندآوری و ازدواج پایدار، مشاوره ازدواج و فرزندآوری می‌دهند و دختران نوجوان را تشویق می‌کنند تا ازدواج کنند.

یک مامای اهل دشتستان می‌گوید: «حضور ماماها در ادارها و نصب تابلوهای تشویق به فرزندآوری در محل ورودی ادارها، الزامی شده است. از ما خواسته شده تا برای سایر جمعیت منطقه هم به صورت تماس تلفنی با جمعیت زیرمجموعه خود، مشاوره فرزندآوری بدهیم که شامل زنان ۱۰ تا ۵۴ سال دارای همسر می‌شود! حتی اگر

طبق گزارش‌های تأیید شده از سوی بیمارستان‌ها، عده‌ای از سوی وزارت بهداشت مأموریت یافته‌اند تا در بیمارستان‌ها مستقر شوند و «بررسی» کنند که بیماران مراجعه‌کننده از لحاظ سنی امکان باروری دارند تا به آنها هشدار بدهند، فرزندآوری کنند و یا از «جراحی رحم و تخمدان جلوگیری کنند.»

به تازگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه‌ای اعلام کرد در بررسی صلاحیت عمومی متقاضیان عضویت هیات علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، در ازای تاهل ۵ امتیاز و در صورت داشتن هر فرزند ۳ امتیاز به امتیازات صلاحیت عمومی افزوده می‌شود.

موضوع به گشت‌زنی مأموران وزارت بهداشت در بیمارستان‌ها ختم نمی‌شود. مراکز بهداشتی و خانه‌های بهداشت پیش از تصویب قانون جوانی جمعیت با تبلیغات و پوسترهایی در زمینه فرزندآوری و ازدواج پایدار، مشاوره ازدواج و فرزندآوری می‌دهند و دختران نوجوان را تشویق می‌کنند تا ازدواج کنند.

مأمورانی از سوی وزارت بهداشت در بعضی بیمارستان‌ها مستقر شده‌اند که به گفته‌ی مسئولان بیمارستان مجوز قانونی دارند تا بررسی کنند بیماران هنوز به لحاظ سنی امکان باروری دارند تا به آنها هشدار بدهند، «بچه‌دار شو، زن بدون رحم ناقصه!»

طبق گزارش‌های تأیید شده از سوی بیمارستان‌ها، عده‌ای از سوی وزارت بهداشت مأموریت یافته‌اند تا در بیمارستان‌ها مستقر شوند و «بررسی» کنند که بیماران مراجعه‌کننده از لحاظ سنی امکان باروری دارند تا به آنها هشدار بدهند، فرزندآوری کنند و یا از «جراحی رحم و تخمدان جلوگیری کنند.»

روزنامه «هم‌میهن» در این مورد گزارش داده که وزارت بهداشت تحت عنوان «گشت بارداری» این مأموران را به بیمارستان‌ها فرستاده و مسئولان بیمارستان‌ها نیز تأیید کرده‌اند که این مأموران از مجوز قانونی فعالیت برخوردارند. این روزنامه درباره وظایف «گشت بارداری» نوشت: «مامورانی از سوی وزارت بهداشت در بعضی بیمارستان‌ها مستقر شده‌اند که با اختیار داشتن مجوز قانونی، زنانی را که در سن باروری هستند به فرزندآوری تشویق می‌کنند و آندسته از زنان را که در پی عمل جراحی زنانه باشند از این اقدام منع می‌کنند.»

استقرار «گشت بارداری» هم‌زمان با یورش گشت‌های ارشاد اسلامی در خیابان‌ها شهرها و روستاها و افزایش فشارها و اعمال خشونت علیه زنان برای رعایت حجاب اجباری است. از هفت ماه پیش دولت بر اجرای قانون «جوانی جمعیت و حمایت از خانواده» سرعت بخشیده و محدودیت‌هایی را یکی پس از دیگری وضع و به اجرا در آورده است.

در تازه‌ترین خبرها، به گفته‌ی صابر جباری رئیس اداره جوانی جمعیت وزارت بهداشت، از زمانی که زن باردار به پزشک مراجعه می‌کند و درخواست آزمایش یا سونوگرافی صورت می‌گیرد، نتایج آن باید در سامانه مربوطه ثبت شود. با اینکه شاید به نظر برسد، این قوانین بطور جدی اجرا نمی‌شوند ولی در گزارش «هم‌میهن» روایت یک زن ۳۴ ساله مبتلا به بیماری آندومتریوز که برای عمل جراحی به بیمارستان نیکان مراجعه کرده، ابعاد هولناک دخالت در حق برخورداری افراد نسبت به تصمیم‌گیری در مورد جسم خود را نشان می‌دهد.

این زن توضیح داده: «روز جراحی همه چیز خیلی عالی پیش رفت. به من سرم زده بودند و در حال پیاده‌روی در راهروهای بیمارستان بودم که یک دکتر مرد اسمم را صدا

مجلس فدرال بلژیک لایحه جنجالی تبادل زندانیان با جمهوری اسلامی را تصویب کرد



اسدالله اسدی دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی در وین

دادن این لایحه پای احمدرضا جلالی پزشک و پژوهشگر ایرانی- سوئدی را که در یکی از دانشگاه‌های بروکسل تدریس می‌کرد نیز به میان می‌کشد. دکتر جلالی به اتهام واهی جاسوسی برای دولت متخاصم در جمهوری اسلامی محکوم به اعدام شده است. با توجه به اینکه این پزشک و پژوهشگر تابعیت بلژیکی ندارد مشخص نیست که چگونه با استفاده از این لایحه می‌توان آزادی او را به دست آورد. نه تنها ایرانیان ساکن بلژیک بارها در روزهای گذشته در مقابل مجلس فدرال این کشور تظاهرات‌هایی در اعتراض به این لایحه جنجال برانگیز برگزار کردند، بلکه گروه‌هایی از قانونگذاران آمریکائی و نمایندگان پارلمان اروپا نیز از دولت بلژیک و نمایندگان مجلس فدرال این کشور خواستند که چنین توافق شرم‌آوری را با جمهوری اسلامی امضا نکند. سازمان عفو بین‌الملل نیز روز سه‌شنبه ۱۴ تیر با صدور بیانیه‌ای از قانونگذاران بلژیکی خواست تا سازگاری لایحه استرداد مجرمین را با تعهدهای این کشور به قوانین بین‌المللی حقوق بشری مورد بررسی قرار دهند. عفو بین‌الملل در این بیانیه تأکید می‌کند که این لایحه باید شامل تضمین‌های قضایی کافی باشد تا برای مصونیت مقامات و مسئولانی که بطور جدی موازین حقوق بشر را زیر پا می‌گذارند و یا عواملی که طبق قوانین بین‌المللی مجرم هستند، مورد استفاده قرار نگیرد.

برخی از حقوقدانان معتقدند که این لایحه موادی از «کنوانسیون اروپائی پیشگیری از تروریسم» را که در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۶ در «شورای اروپا» به تصویب رسید و از ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ اجرائی است، نقض می‌کند. این حقوقدانان معتقدند که با مراجعه به «دادگاه اروپائی حقوق بشر» که در استراسبورگ مستقر است، می‌توان از اجرای این توافق جلوگیری به عمل آورد.

در عملیات مہب‌گذاری علیه گردهمایی سازمان مجاهدین خلق در حومه پاریس بازداشت و به بلژیک استرداد شد. این دیپلمات- تروریست ۷ آذر ۱۳۹۹ به اتهام طراحی عملیات تروریستی در اروپا، در دادگاه شهر بندری انتورپ در بلژیک به همراه سه نفر دیگر محاکمه شد. پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۹ دادگاه کیفری آنتورپ، با رد مصونیت دیپلماتیک اسدالله اسدی، وی را به حبس ابد که در بلژیک برابر با بیست سال زندان است محکوم کرد. حکمی که در روز ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ تأیید شد و اسدالله اسدی اعلام کرد که قصد فرجام‌خواهی ندارد و دوران محکومیتش را خواهد گذراند. دولت بلژیک در آن روزها بارها تکرار کرد که وی با هیچ زندانی اروپائی در ایران مبادله نخواهد شد.

در دادگاه تجدید نظر ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ حکم نهایی همدستان اسدالله اسدی نیز اعلام شد: امیر سعدونی و نسیمه نعیمی به ۱۸ سال زندان و سلب تابعیت بلژیک و مهرداد عارفانی به ۱۷ سال زندان و سلب تابعیت بلژیک محکوم شدند. در ۲۷ تیر امسال، در آستانه رای مجلس فدرال بلژیک اتحادیه اروپا نام اسدالله اسدی را برای ۶ ماه دیگر در فهرست تروریستی خود تمدید کرد. دولت بلژیک در توجیه این لایحه جنجال برانگیز می‌گوید اگرچه جمهوری اسلامی دولتی غیردمکراتیک و تروریست‌پرور است ولی این توافق «بهترین راه» برای ارتقاء همکاری قضائی با این کشور است. از سوی دیگر نخست‌وزیر بلژیک ادعا می‌کند که دولت او هر چه در توان دارد برای آزادی شهروندش که بی‌گناه در زندان است، انجام خواهد داد. این شهروند، مددکار اجتماعی ۴۱ ساله اولیویور فاندکاستیله است که خبر زندانی شدن او در ایران همزمان با بررسی این توافق منتشر شد. البته غیر مستقیم دولت بلژیک برای انسانی جلوه

● پارلمان بلژیک چهارشنبه ۲۹ تیر با ۷۹ رای موافق، ۴۱ رای مخالف و ۱۱ ممتنع، لایحه جنجالی گذراندن دوران محکومیت زندانیان ایرانی و بلژیکی در کشورهای خود را تصویب کرد.

● پیش نویس این لایحه بر مبنای گزارش برخی از خبرنگاری‌ها در ماه اسفند بین وزیر دادگستری بلژیک و سفیر جمهوری اسلامی در این کشور به امضا رسیده بود. دادگاهی در بلژیک اسدالله اسدی را به اتهام طراحی عملیات تروریستی به ۲۰ سال زندان و همدستانش را به ۱۸ و ۱۷ سال زندان محکوم کرده است.

● سازمان عفو بین‌الملل نیز روز سه‌شنبه ۱۴ تیر با صدور بیانیه‌ای از قانونگذاران بلژیکی خواست تا سازگاری لایحه استرداد مجرمین را با تعهدهای این کشور به قوانین بین‌المللی حقوق بشری مورد بررسی قرار دهند.

● برخی از حقوقدانان معتقدند که این لایحه موادی از «کنوانسیون اروپائی پیشگیری از تروریسم» را که در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۶ در «شورای اروپا» به تصویب رسید و از ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ اجرائی شده است، نقض می‌کند.

احمد رأفت - پارلمان بلژیک سرانجام نیمه شب چهارشنبه ۲۹ تیر با ۷۹ رای موافق، ۴۱ رای مخالف و ۱۱ ممتنع، لایحه جنجالی گذراندن دوران محکومیت زندانیان ایرانی و بلژیکی در کشورهای خود را تصویب کرد. این لایحه که با فوریت از سوی دولت راهی مجلس فدرال بلژیک شده بود و در آخرین ساعت قبل از آغاز تعطیلات تابستانی پارلمان به رای گذاشته شد، پیشتر در روز ۱۵ تیر در کمیته روابط خارجی مجلس به تصویب رسیده بود. تنها یک معجزه می‌توانست نتیجه متفاوتی را در نشست ۲۹ تیر مجلس فدرال بلژیک رقم بزند. دولت ائتلافی کنونی از آرای لازم برای تصویب این لایحه برخوردار بود، اگرچه برخی از نمایندگان احزاب اکثریت با ارائه چنین طرحی از سوی دولت موافق نبودند و رای ممتنع دادند. قانونگذار یکی از احزاب حاضر در ائتلاف دولتی به کیهان لندن می‌گوید «رای ندادن به این لایحه از سوی هرکدام از احزاب ائتلاف دولتی می‌توانست به بحرانی دامن بزند که سقوط دولت نتیجه آن باشد و در شرایط کنونی چنین تصمیمی غیر قابل تصور بود.»

پیش نویس این لایحه بر مبنای گزارش برخی از خبرنگاری‌ها در ماه اسفند بین وزیر دادگستری بلژیک و سفیر جمهوری اسلامی در این کشور به امضا رسیده بود. این لایحه یکی از موضوعاتی بود که در دیدار آلکساندر دی‌کرو، نخست‌وزیر بلژیک، و حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، در حاشیه کنفرانس اقتصادی داووس در سوئیس نیز مورد بررسی قرار گرفته بود. جمهوری اسلامی ماه‌ها است که بر دولت بلژیک فشار می‌آورد تا اسدالله اسدی، دیپلمات تروریستی را که به حبس ابد محکوم شده است آزاد کند.

اسدالله اسدی که هنگام بازداشت دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی در پایتخت اتریش بود، ۱۰ تیر ۱۳۹۷ در حال بازگشت حالیکه در اتوبائی در ایالت بایرن آلمان در حال بازگشت به محل سکونتش در اتریش بود، به اتهام دست داشتن

درباره شعر مشروطیت ایران (۳)



محمد جلالی چیمه (م. سحر)

سیداشرف گیلانی و دیگری میرزاده عشقی. سیداشرف گیلانی مشهور به «نسیم شمال» کمابیش متأثر از شعرهای عامیانه‌ی دهخدا و به‌خصوص متأثر از شعرهای ترکی آذری میرزا علی اکبر صابر بود. بهار این نوع شعر را «احمد» می‌نامید و در یک منظومه‌ی انتقادی در باره‌ی شعر و شاعران معاصر خود چنین می‌گوید:

احمدای سیداشرف خوب بود
شیوه‌اش مرغوب بود

لیک هوپ هوپ نامه بودش در بغل!
اکنون که از میرزا علی اکبر خان طاهرزاده صابر سخن گفتیم و از تأثیر او به ویژه در زمینه‌ی فرم یا شکل بر شاعران دوران مشروطه، خاصه سید اشرف گیلانی یاد کردیم، بد نیست جهت آشنایی بیشتر با او و زبان و شیوه شاعری وی و نیز برای درک پیوندهای استوار فرهنگی و عاطفی و ملی و نیز مشاهده‌ی اشتراکات ادبی و ذوق او با شاعران فارسی‌زبان هموطنش در این سوی رودخانه‌ی ارس، به نمونه‌های کوتاهی از اشعار این شاعر ایرانی مشروطه‌خواه ترک زبان قفقاز نظری بیفکنیم.
در این سرود، یکی از غزل‌های مشهور حافظ تضمین شده است:

وز سُبُل و سوری و سپریم
آفاق نگارخانه‌ی چین
گل، سرخ و به رُخِ عرق ز شبنم
تو داده ز کف زمامِ تمکین،
زان نوگلِ پیشرس که در غم

● در آثار دهخدا یک استثنای بسیار مهم هست که زنگ و رنگ شعر سبک خراسانی و زبانی بسیار فصیح و محکم دارد و در عین حال از مضمون و نگاهی نو برخوردار است. شعر بسیار مهم وی که با عنوان «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» انتشار یافت، نزد بسیاری از اهل ادب، طلیعه‌ی شعر جدید پیش از نیما شمرده شده و از زمینه‌سازان شعر سیاسی و اجتماعی فارسی به شمار می‌رود.

امسال ۱۱۶ سال از ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ که پیروزی انقلاب مشروطه با امضای فرمان توسط مظفرالدین شاه قاجار به تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه پیروزی حقوقی خود را به ثبت رساند، می‌گذرد. شاعر گرامی محمد جلالی چیمه (م. سحر) کتاب خود با عنوان «درباره شعر مشروطیت ایران» را برای انتشار در اختیار کیهان لندن قرار داده است تا همزمان با سالگردی دیگر از انقلابی مترقی و آزادخواهانه که راه زندگی ایرانیان را به سوی جهان مدرن و «ایران نوین» در دوران پهلوی‌ها گشود، منتشر شود. کیهان لندن این مجموعه را در بخش‌های مختلف در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

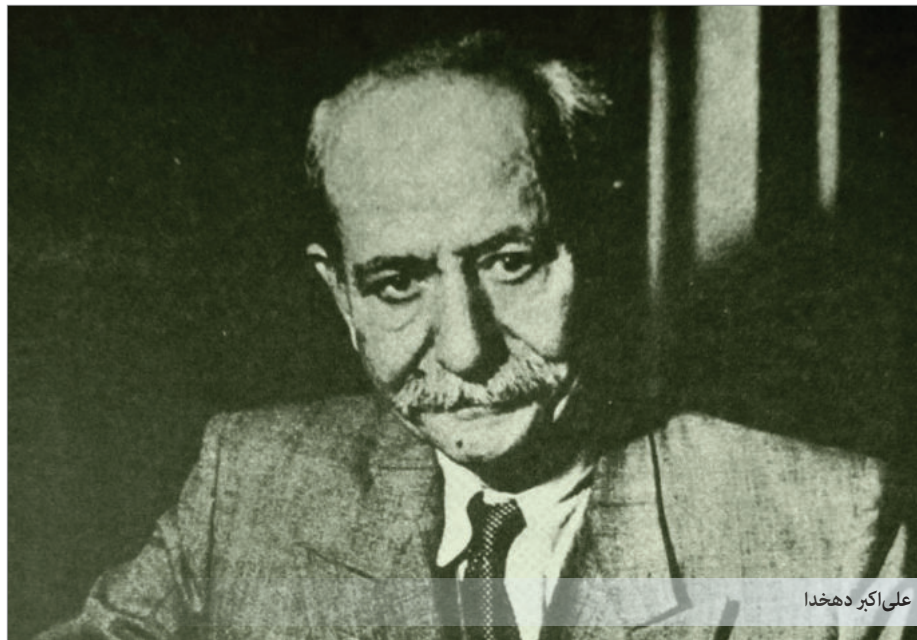
بخش سوم

موضوع سخن ما شعر فارسی در دوران مشروطیت است. بخش سوم این سخن را پی می‌گیریم.
در بخش پیشین از استاد بزرگ علی اکبر دهخدا سخن به میان آوردیم و به نمونه‌هایی از شعرهای او اشاره کردیم. هم از شعرهایی که به شیوه فولکلوریک سروده و نوجویی‌هایی که در زمینه‌ی اوزان هجایی به ثمر رسانده بود نمونه آوردیم و هم از مثنوی‌های بسیار محکم و فحیم او که به شیوه سنایی در «حدیقه الحقیقه» و «کارنامه بلخ» او با مضامین طنزآمیز سیاسی انتشار داده بود سخن گفتیم. در آثار دهخدا یک استثنای بسیار مهم هست که زنگ و رنگ شعر سبک خراسانی و زبانی بسیار فصیح و محکم دارد و در عین حال از مضمون و نگاهی نو برخوردار است. شعر بسیار مهم وی که با عنوان «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» انتشار یافت، نزد بسیاری از اهل ادب، طلیعه‌ی شعر جدید پیش از نیما شمرده شده و از زمینه‌سازان شعر سیاسی و اجتماعی فارسی به شمار می‌رود. از این جهت دهخدا به سهم خود در هموار کردن راه شعر فارسی جدید و فراهم ساختن زمینه‌ی مساعد جهت بیان مضامین اجتماعی و سیاسی نو نقش بسیار مؤثری داشته است. بسیاری از شاعران آن دوران این شعر دهخدا را سرمشق قرار دادند، از آن اقتباس کردند و به اقتفای آن شعر سرودند.

تصنیف جاودانه‌ی «مرغ سحر» اثر بهار بی‌شک از این شعر متأثر است. گوشه‌هایی از «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» را بخوانیم:

ای مرغ سحر چو این شب تار
بگذاشت ز سر سیاهکاری
وز نَفخه‌ی روحبخشِ اسحار
رفت از سر خفتگان خماری
بگشود گره ز زلف زرتار
محبوبه‌ی نیلگونِ عمارِ
یزدان به کمال شد پدیدار
واهریمن زشتخو حصاری
یاد آر ز شمع مرده! یاد آر!

چون باغ شود دوباره خرم
ای بلبل مستمند مسکین!



علی اکبر دهخدا

آسوده لک بو ساعت یردن گو که جهاندا
وارایسه وار در آتجق ایراندا هرمکاندا
تبریزده، سرابده، خالخالده، خانچوباندا
غیرتلی شاهسونده، هر آنده، هر زماندا
لورلارده، شیخ گوزلده، کاشاندا، اصفهاندا
تهرانده، انجمنده، قابینیتده، پارماندا
ایشلر بتون حقیقت، سوزلر بتون گوارا
« دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا»

الیوم هرطرفدن، چاپیر کوزه شکایت
هرکسده وجد و شادی، هر یرده امن و راحت
احوال داخلیه، بالخییر و السلامت
داد و ستدده رونق، شرکتله هر تجارت
خوشدل بتون جماعت، راضی بتون رعیت
آسوده حال ملت، دائر امور دولت
نظم و نسق مهیا، لشکر بتون صف آرا
« دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا»

نا داده به نار شوق تسکین
از سردی دی فسرده یاد آر!

چون گشت ز نو زمانه آباد
ای کودک دوری طلایی
وز طاعت بندگانِ خود شاد
بگرفت ز سر خدا خدایی!
نه رسمِ اِرم، نه اسمِ شداد
گل بست زبان ژانچایی،
زانکس که ز نوک تیغ جلاّد
مآخود به جُرمِ حق‌ستایی
تسنیمِ وصال خورده یاد آر!

باز گردیم به کوشش‌ها و نوآوری‌هایی که در زمینه‌ی فرم یا شکل از سوی برخی شاعران دوران مشروطیت دنبال می‌شد. این تلاش‌ها در جهت تحول در فرم به‌خصوص از سوی دو شاعر بیش از دیگران در پیش گرفته شد. یکی

بونه ای دیگر از سروده‌های صابر:

نه خروار مه شه دی؟ - ساغلیگک آز، چوق دگنه؟
 غزیت آلمش حاجی احمد ده - با! اوغلان نه منه...؟
 سن گوزک گوردک آلاند! بیله نقل ایله دیلر!

دخی کیم قالدی خدایا! بو ولایتده منه!

بو ایسه پس او لعینک ده ایشی قولایی در

دین و ایمانی دانوب، بولدان آزوب در، بابی در

اکنون وزن و لحن و فرم این شعر با نمونه‌ای از سروده‌ی

دهخدا در «چرند و پرند» مقایسه شود:

مشتی اسمال، به علی کار و بارا زار شده

تو پمیری پاتوق ما بچه بازار شده

هرکسی واسه‌ی خودش یکه میاندار شده

علی زهتاب در این مُلک پاتوقدار شده

وکیل مجلس ما جخت آقا سردار شده

مشتی اسمال فیدونی چه کشیدیم به حق

چقده واسه‌ی مشروطه دویدیم به حق

پاهامان پینه زد و پاک بُردیم به حق

به جَوونِ پر و پا قرص ندیدیم به حق

همه از پیر و جَوون وردار و ورمال شده

و اینک نمونه کوچک دیگری از شعر صابر همراه با شعری

که «نسیم شمال» از وی اقتباس کرده بی‌مناسبت نیست. از

اینگونه اقتباس‌ها و نیز ترجمه‌های آزاد از شعر صابر در

دیوان سیداشرف گیلانی فراوان است.

نخست قطعه‌ی میرزا علی اکبر صابر:

وکیل: حقسز حقلی دیوب برچوق گناهه باهمیشام

حکیم: - دردی تشخیص ایتیمیوب قوم اقربا آغلاهمیشام

تاجر: - بن حلال ایله حرامی بربرینه قاهمیشام

روضه‌خوان: امتک پولین آلوب من گوزلرین اصلاهمیشام

درویش: نرده بولسه‌م سوق آچوب مین‌مین‌بالان سوز ساهمیشام

ملا: گونده بر فتوا و یروب مخلوقی چون آداهمیشام

علم: قطع امید ایتیمیشم، یکسر بو قومی آهمیشام

جهل: اورته ده کیف ایلیوب من هم مرامه چاهمیشام

شاعر: بلبله، عشقه، گله، دائر یالان فیرلاهمیشام

عوام: اکلامام هرگز، جهالت بسترنده یاهمیشام

غزته‌چی: من جریده م طوملق ایچون مطلبی اوزاهمیشام

اینک قطعه‌ی سیداشرف گیلانی را می‌خوانیم.

صحت چهارده نفر در یک مجلس:

وکیل: من وکیلیم در همه عالم وکالت می‌کنم

حکیم: من طبیبم اندر این تهران طبابت می‌کنم

تاجر: تاجریم، با جعبه خالی‌ها تجارت می‌کنم

شبیخه‌خوان: خلق را از گریه، من داخل به جنت می‌کنم

طمعکار: من خدا را خاطر خرما عبادت می‌کنم

عالم: من خلائق را به نور علم دعوت می‌کنم

جاهل: جاهلم من، هرچه فرمایی اطاعت می‌کنم

شکم‌پرست: چون فسنگان می‌خورم من، میل شربت می‌کنم

نقال: صبح تا شب از حسین‌گرد صحبت می‌کنم

رمال: من به علم رمل، تولید محبت می‌کنم

جنگیر: بنده هرشب لشکر جن را ضیافت می‌کنم

خرمقدس: من به مشروطه‌طلب هر صبح لعنت می‌کنم

گدا: من گدایی کرده‌ام، کی ترک عادت می‌کنم

روزنامه‌چی: من تلاش از بهر بیداری ملت می‌کنم

کوشش دیگری که در راه تحول در فرم انجام می‌گرفت، از

سوی شاعر آرمانخواه و ایران‌پرست پرشور و صمیمی این

دوران میرزاده‌ی عشقی کردستانی بود. عشقی هم به فرم

عامیانه توجه داشت و هم فرم‌های کلاسیک و زبان فصیح و

رسای سبک خراسانی را مورد توجه قرار می‌داد.

از نمونه‌های اشعار وی در فرم عامیانه که به نظر من قطعاً

از «مکتب صابر» متأثر بوده، شعر معروف «کلامدی‌ها» و

نیز سرود «مظهر جمهور» است که به‌خصوص این آخری

همراه با سرود دیگری به نام «نوحه‌ی جمهوری» که

موجبات کینه‌ی جمهوریخواهی و در نتیجه مرگ شاعر را

فراهم کرد.

به گوشه‌هایی از آن نظر کنیم و ببینیم که چگونه با اتکا

به تمثیل و از زبان سگ و گربه و خر و موش کوشندگان

پروژه‌ی جمهوریخواهی را که رضاخان سردار سپه قهرمان آن

بود، می‌کوبد و به نیشخند و تمسخر می‌گیرد. و در پایان کار

از زبان «قرن بیستم» که نام روزنامه‌ی خود عشقی است

حرف آخر را می‌زند.

مظهر جمهوری فرماید:

من مظهر جمهورم، اَلدَرَم و بولدرم

از صدق و صفا دورم، اَلدَرَم و بولدرم

من قُلدرم پرزورم، اَلدَرَم و بولدرم

مأمورم و معذورم، اَلدَرَم و بولدرم

من قائد جمهورم، اَلدَرَم و بولدرم

افعی گوید:

من افعی بیجانم، اَمَنَّا صَدَقْنَا

زهر است به دندانم، اَمَنَّا صَدَقْنَا

من دشمن ایرانم، اَمَنَّا صَدَقْنَا

من فاقد ایمانم، اَمَنَّا صَدَقْنَا

من بوجار لنجانم، اَمَنَّا صَدَقْنَا

جغد گوید:...

موش گوید:...

سگ گوید:

من توله‌ی تفلیسم، عَف عَف اخوی عَف عَف

انبانه‌ی سفلیسم، عَف عَف اخوی عَف عَف

هم مکتب ابلیسیم، عَف عَف اخوی عَف عَف

من مظهر تدلیسم، عَف عَف اخوی عَف عَف

من منتظر نامم، اَمَنَّا صَدَقْنَا

الاغ گوید:

من کَره‌خر زارم، عَرعر ابوی عَر عَر

حیوان علفخوارم، عَر عَر ابوی عَر عَر

جفتک‌زن احرامم، عَر عَر ابوی عَر عَر

پالان فجری دارم، عَر عَر ابوی عَر عَر

مستوجب احسانم، اَمَنَّا صَدَقْنَا

گربه گوید:...

قرن بیستم گوید:

ای مظهر جمهوری، هی هی جبلی قَم قَم

جمهوری مجبوری، هی هی جبلی قَم قَم

مسلك نشود زوری، هی هی جبلی قَم قَم

تا کی پی مزدوری؟ هی هی جبلی قَم قَم

یکچند ما دوری، هی هی جبلی قَم قَم

من مرد مسلمانم، اَمَنَّا صَدَقْنَا!

[ادامه دارد]

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالته رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایماس یا کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

«آقازاده» متهم و محکوم به همکاری با مجاهدین خلق مشمول عفو و آزاد شد! میرسلیم: پسرم ساده لوح و سست اراده است!



مصطفی میرسلیم به همراه فرزندش مهدی

مصطفی میرسلیم عضو هیئت اجرایی همه پرسی جمهوری اسلامی و رئیس ستاد بازرسی انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، سرپرست شهربانی جمهوری اسلامی ایران در دولت موقت مهدی بازرگان، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از سال ۷۲ تا ۷۶، عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۷۵ تا کنون، و همزمان نماینده مجلس شورای اسلامی است. او همچنین نامزد دوازدهمین دوره انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی در سال ۹۶ بود.

مصطفی میرسلیم در حالی طی گفتگو با خبرنگاری تسنیم تلاش کرده فرزندش را از نظر ذهنی و جسمی دچار مشکل جلوه دهد که در سال ۹۶ که نامزد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی بود و برای کسب قدرت سیاسی بیشتر در جمهوری اسلامی تلاش می کرد، همین فرزندش اجازه یافته بود با باشگاه خبرنگاران جوان مصاحبه کند!

مهدی میرسلیم تنها پسر مصطفی میرسلیم خرداد ۹۶ در بحبوحه رقابت انتخاباتی پدرش در دوازدهمین دوره انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی، در مصاحبه با باشگاه خبرنگاران جوان در رابطه با وضعیت معیشتی پدر و خودش گفته بود: «زندگی خانواده ما در حد معمولی و متوسط رو به پایین است. پدرم یک ماشین پژو دارد، من هم یک پژوی ۲۰۶ دارم». او حتی به «فرزند تازه متولدش» نیز اشاره کرده بود.

به نظر می رسد تشدید شکاف ها در جمهوری اسلامی و رقابت های سیاسی بین جناحی در جمهوری اسلامی سبب شده محکومیت پسر مصطفی میرسلیم رسانه ای شود. با اینهمه یکی از نکات مهم این پرونده همزمانی آن با بازداشت و محاکمه دو دانشجوی نخبه و امیدبانی ایران با اتهام مشابه ارتباط و همکاری با سازمان مجاهدین خلق است.

امیرحسین مرادی و علی یونسوی دانشجویان نخبه دانشگاه «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) فروردین ماه ۱۳۹۹ به اتهام ارتباط و همکاری با سازمان مجاهدین خلق بازداشت شدند. اتهام این دو دانشجوی نخبه و امیدبانی پس از ۱۴ ماه حبس انفرادی و فشارهای شدید جسمی و روحی برای اعتراف اجباری به «فساد فی الارض» تغییر کرد.

محاکمه آنها تیرماه ۱۴۰۰ آغاز و در نهایت بر اساس حکمی که بهار ۱۴۰۱ توسط دادگاه انقلاب اسلامی تهران علیه آنها صادر شد، هر یک به تحمل ۱۶ سال زندان محکوم شدند.

«۵۹ روز انفرادی با پخش صدای شکنجه، چراغ قوی همیشه روشن، عفونت چشم، وعده های دروغین و فریب تا فشار جانفرسا برای گرفتن اعتراف اجباری و کارگردانی

۱۳۹۸ بازداشت و در بهمن ۱۳۹۸ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به پنج سال حبس محکوم کردند که پس از درخواست تجدید نظر و قطعی شدن حکم، در بهمن ۱۳۹۹ به زندان اوین برده شد.

او در ادامه ی این گفتگو محکومیت فرزندش به پنج سال زندان را تأیید و گفته پس از مدتی از اجرای حکم، با «مرخصی» فرزندش موافقت و سپس او «مشمول عفو» تشخیص داده و به کلی آزاد و پرونده مختومه شده است.

مصطفی میرسلیم مدعی شده که «مرخصی از زندان تابع ضوابطی است که مهمترین آنها مربوط به رفتار خود زندانی است. با توجه به گزارش دادپارارن مقیم و وضع جسمی و روحی فرزندم، او را مستحق مرخصی تشخیص دادند. در این فاصله، مهدی درخواست عفو کرده بود که با ملاحظه رفتار و شرایط او نیمی از مدت حبس او مشمول عفو شد.»

این عضو حزب موتلفه اسلامی درباره «شرایط» پسرش مدعی شده که فرزندش از «بدو تولد» دارای «ضعف جسمی و روحی» بوده و «بسیار عاطفی و ساده لوح و سست اراده» بوده است.

او در ادامه افزوده که مجاهدین با استفاده از همین ویژگی ها، فرزندش را «شکار» کرده و «به دام انداخته بودند».

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته «این ضعف موجب ناتوانی در تأمین وضعیت معیشتی او شده» اما توضیح نداده آیا با فرزندش اختلافی داشته؟ اگر پسرش از «بدو تولد» دارای «ضعف جسمی و روحی» بوده، وی به چه دلیل «معیشت» فرزند «مستضعف» خود را تأمین نکرده است؟! مصطفی میرسلیم همچنین گفته که اگر زودتر متوجه ارتباط فرزندش با مجاهدین شده بود «با تنبیه مختصری» می توانست او را «از این وضعیت» نجات دهد!

مصطفی میرسلیم در سخنانی متناقض ابتدا ادعا کرده که «بنده برای جلوگیری از هرگونه شائبه و شبهه، در هیچ یک از مراحل بازداشت و بازجویی و محاکمه و تجدید نظر دخالتی نکردم» اما در ادامه گفته که وقتی گزارش هایی دریافت کرده که «هم بندی هایش او را وادار کرده بودند از قرص های آرامبخش استفاده کند» و «مهدی را وادار به بیگاری کرده و از او اخاذی می کردند» در نامه به رئیس قوه قضاییه نوشته که «آیا منظور از ۵ سال حبس، زندان توأم با تحقیر و توهین و اخاذی است؟ ایشان هم بزرگواری کردند و جواب دادند.»

به نظر می رسد همین نامه و اعمال نفوذ یکی از معروف ترین افراد اصولگرای جمهوری اسلامی سبب مرخصی و آزادی، و در ادامه عفو و مختومه شدن پرونده پسرش شده است.

● عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام محکومیت فرزندش به پنج سال زندان را تأیید کرده و گفته است پس از مدتی با «مرخصی» فرزندش موافقت و سپس او «مشمول عفو» شده و پرونده مختومه شده است.

● مصطفی میرسلیم در حالی تلاش کرده فرزندش را از نظر ذهنی و جسمی دچار مشکل جلوه دهد که در سال ۹۶ که نامزد انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی بود، همین فرزندش اجازه یافت با باشگاه خبرنگاران جوان مصاحبه کند!

● این عضو حزب موتلفه اسلامی درباره «شرایط» پسرش مدعی شده که فرزندش از «بدو تولد» دارای «ضعف جسمی و روحی» بوده و «بسیار عاطفی و ساده لوح و سست اراده» بوده است و «این ضعف موجب ناتوانی در تأمین وضعیت معیشتی او شده!» وی اما توضیح نداده آیا با فرزندش اختلافی داشته؟ اگر پسرش از «بدو تولد» دارای «ضعف جسمی و روحی» بوده، وی به چه دلیل «معیشت» فرزند «مستضعف» خود را تأمین نکرده است!؟

● نخستین بار نیست که همکاری اعضای درجه یک خانواده مقامات جمهوری اسلامی با سازمان مجاهدین خلق که از نظر ایدئولوژی تفاوت چندانی با جمهوری اسلامی ندارد و عکس برگردان آن است علنی می شود.

● این عفو و مختومه شدن پرونده تنها پسر مصطفی میرسلیم در حال است که علی یونسوی و امیرحسین مرادی دو جوان نخبه و امیدبانی دانشجوی با اتهامی مشابه فرزند میرسلیم بازداشت اما هر یک به ۱۶ سال زندان محکوم شده اند!

مصطفی میرسلیم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده مجلس شورای اسلامی محکومیت فرزندش به اتهام ارتباط و همکاری با سازمان مجاهدین خلق را تأیید کرده است. او گفته پسرش به پنج سال زندان محکوم شده اما با توجه به «وضعیت روحی و جسمی» مشمول مرخصی و عفو و در نهایت «آزاد» شده است.

طی روزهای گذشته خبرهای غیررسمی درباره پرونده مهدی میرسلیم فرزند مصطفی میرسلیم عضو حزب موتلفه اسلامی در دادگاه ویژه امنیت و به دلیل ارتباط با سازمان تروریستی مجاهدین خلق منتشر شده بود. مصطفی میرسلیم در گفتگو با خبرنگاری تسنیم این خبر را تأیید کرد.

مصطفی میرسلیم از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده مجلس شورای اسلامی روز دوشنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۱ در گفتگو با خبرنگاری تسنیم درباره محکومیت فرزندش توضیح داده که «مهدی را ظاهراً پس از دو سال مراقبت، در تیرماه

خواهش و التماس برای «احیای برجام»؛

سردار اسماعیل کوثری: آمریکا نه حداقل تضمین برای دو سال بایدن!



به آتش کشیدن برجام در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۹۶ توسط حامیان حکومت و مخالفان دولت حسن روحانی

جو بایدن در نخستین سفر خود به اسرائیل در مقام رئیس جمهور ایالات متحده گفت حتی اگر به قیمت عدم توافق اتمی تمام شود آمریکا سپاه پاسداران را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج نخواهد کرد.

حالا کوثری با بیان اینکه «تحریم‌ها باید کاملاً برداشته شود» می‌گوید: «اگر آمریکایی‌ها بخواهند تحریم‌ها را به صورت موردی بردارند به تعهداتشان عمل نکرده‌اند... بایدن آلت دست کارتل‌های بزرگ دنیاست، بنابراین به راحتی دروغ می‌گوید... آمریکایی‌ها با ابزار رسانه تلاش می‌کنند مطالب خلاف واقع را به مخاطبین القا کنند.»

وی در بخش دیگری از این مصاحبه گفته «آمریکا تضمین ندادنش را به واسطه اتهاماتی که به سپاه می‌زند پنهان می‌کند... ما می‌گوییم باید تضمین دائمی داده شود اما زیر بار این تعهدات نمی‌روند چرا که خودشان را هنوز ابرقدرت می‌دانند... آمریکایی‌ها می‌خواهند به برجام برگردند ولی هیچ تعهد و تضمینی نمی‌خواهند بدهند.»

کوثری در بخشی از این مصاحبه که از متن خبرگزاری فارس حذف شده گفته است «ما می‌گوییم اولاً باید تضمین دائمی داده شود ثانیاً اگر تضمین دائمی داده نمی‌شود حداقل برای دولت بایدن که دو سال تا انتهای آن مانده است باید تضمینی بدهند اما زیر بار این تعهدات نمی‌روند چرا که خودشان را هنوز ابرقدرت می‌دانند!»

حرف‌های اسماعیل کوثری نشان می‌دهد جمهوری اسلامی برای معامله با آمریکا تا چه اندازه عقب‌نشینی کرده بطوری که به نظر می‌رسد کار به خواهش و التماس رسیده است. پیش از آغاز دور هفتم مذاکرات وین وقتی ادعا می‌شد تیم مذاکره کننده اتمی از سوی «دولت انقلابی» قرار است از موضع اقتدار با غربی‌ها مذاکره کند، علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی با طرح توقعات بیجا می‌گفت «آمریکا باید تحریم‌های اتمی و تروریستی و حقوق بشری را لغو کند و تضمین بدهد از برجام خارج نمی‌شود!» اما هشت ماه از این گنده‌گویی‌ها گذشته و نه تنها هنوز هیچ توافقی صورت نگرفته بلکه اروپا و آمریکا یکصدانه توقعات بیجای جمهوری اسلامی را در اصطلاحی محترمانه «زیاده‌خواهی‌های فرابرجامی» نامیده‌اند!

● سردار پاسدار کوثری نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید «به هیچ عنوان نمی‌توان قبول کرد سپاه که حافظ دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران است و در کنار ارتش و نیروی انتظامی برای تامین امنیت کشور تلاش می‌کنند، تحریم باشد!»

● کوثری در بخشی از مصاحبه با خبرگزاری فارس که از خروجی آن حذف شده گفته است «ما می‌گوییم اولاً باید تضمین دائمی داده شود ثانیاً اگر تضمین دائمی داده نمی‌شود حداقل برای دولت بایدن که دو سال تا انتهای آن مانده است باید تضمینی بدهند اما زیر بار این تعهدات نمی‌روند چرا که خودشان را هنوز ابرقدرت می‌دانند!»

● پیش از آغاز دور هفتم مذاکرات وین علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی با طرح توقعات بیجا می‌گفت «آمریکا باید تحریم‌های اتمی و تروریستی و حقوق بشری را لغو کند و تضمین بدهد از برجام خارج نمی‌شود!» اما هشت ماه از این گنده‌گویی‌ها گذشته و نه تنها هنوز هیچ توافقی صورت نگرفته بلکه اروپا و آمریکا یکصدانه این توقعات بیجای جمهوری اسلامی را در اصطلاحی محترمانه «زیاده‌خواهی‌های فرابرجامی» نامیده‌اند!

سردار پاسدار محمد اسماعیل کوثری نماینده مجلس شورای اسلامی و معاون پیشین «قرارگاه تارالله» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید «آمریکایی‌ها می‌خواهند بدون هیچ تعهد و تضمینی به برجام بازگردند.»

کوثری در مصاحبه با خبرگزاری فارس که ۲۷ تیرماه منتشر شده گفته است «به هیچ عنوان نمی‌توان قبول کرد سپاه که حافظ دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران است و در کنار ارتش و نیروی انتظامی برای تامین امنیت کشور تلاش می‌کنند، تحریم باشد!» وی سیاست نظام در مذاکرات را پافشاری روی این خواسته‌ها اعلام کرده است.

سردار پاسدار کوثری با اشاره به اظهارات جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا درباره سپاه پاسداران تأکید کرد: «این مسائل حرف‌های بی‌ربط است چون می‌خواهند سپاه را به گونه‌ای در بین مردم جلوه دهند که مانع از توافق است چنین مطالبی را مطرح می‌کنند و هیچ‌کدام از این ادعاهای آمریکا صحت ندارد.»

صحبت‌ها برای ضبط اعتراف اجباری» تنها نمونه‌ای فشارها به علی یونسی طی دوران بازجویی بوده است. علی یونسی به خانواده‌اش گفته بود که «پس از جراحات وارده به چشم چپاش در اثر ضرب و شتم توسط مأموران امنیتی، از مراقبت‌های بهداشتی کافی محروم شده است و چراغ‌های سلولش ۲۴ ساعت شبانه‌روز روشن است که باعث می‌شود هیچ حسی از روز و شب نداشته باشد و باعث ناراحتی و درد او شده است.»

مصطفی نیلی وکیل علی یونسی نیز از شکنجه روحی و جسمی این دو نخبه جوان در زندان خبر داده و گفته بود که آنها از حق دسترسی به وکیل محروم بودند. آنها همچنین ماه‌ها از حق هواخوری یکساعته روزانه، استفاده از فروشگاه و کتابخانه زندان محروم بوده‌اند.

رئیس دادگاه در پاسخ به اعتراض مصطفی نیلی به وضعیت نامناسب علی یونسی و امیرحسین مرادی، گفته بود که «تعیین محل نگهداری زندانیان بر عهده دادیار ناظر بوده و به همین خاطر، دادگاه نمی‌تواند در این موضوع دخالت کند.»

نخستین بار نیست که ارتباط و همکاری اعضای درجه یک خانواده مقامات جمهوری اسلامی با سازمان مجاهدین خلق که از نظر ایدئولوژی تفاوت چندانی با جمهوری اسلامی ندارد و عکس‌برگردان آن است و پس از انقلاب نیز مدتی جزئی از بدنه نظام جدید در ایران به شمار می‌رفت، علنی می‌شود.

بسیاری از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان شاخص در جمهوری اسلامی پیش و کمی پس از انقلاب ۵۷ از اعضای سازمان مجاهدین خلق بوده‌اند. بخشی از این افراد در نخستین سال‌های پس از انقلاب سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را تأسیس کردند که در ده‌های بعد به عنوان دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب برای حفظ نظام تقسیم کار کردند و از سفره انقلاب تا جایی که می‌توانستند به سود خود و خانواده‌های مافیایی‌شان استفاده کردند.

ارتباط سازمانی اعضای خانواده و نزدیکان مقامات ارشد جمهوری اسلامی با سازمان مجاهدین خلق هم پیشتر خرساز شده بود. حسین جنتی فرزند احمد جنتی سال‌ها از اعضای ارشد سازمان مجاهدین خلق بوده است. برادر پیروز حناچی شهردار پیشین تهران و فعال اصلاح‌طلب از اعضای سازمان مجاهدین خلق در خارج از ایران بوده است. ابوالحسن و مجتبی فرزندان محمود طالقانی، وحید لاهوتی اشکوری فرزند حسن لاهوتی اشکوری از نزدیکان روح‌الله خمینی، زهره عطریانفر خواهر محمد عطریانفر، حسین باروتی برادر همسر حسین شریعتمداری مدیرمسئول و نماینده خامنه‌ای در کیهان تهران نیز همگی از جمله اعضای مهم سازمان مجاهدین خلق بوده‌اند. سازمان مجاهدین خلق که به عنوان یک گروه چریکی- تروریستی در دهه چهل خورشیدی تأسیس شد از مدافعان جان‌برکف انقلاب اسلامی و روح‌الله خمینی بود. پس از آنکه نظام تازه به قدرت رسیده سهمی به آنها نداد، رهبری این سازمان به عراق گریخت و در آنجا مستقر شد و با پشتیبانی رژیم صدام حسین در آخرین ماه‌های جنگ هشت ساله به قصد فتح تهران به ایران حمله کرد. جمهوری اسلامی همزمان به فرمان رهبرش خمینی در تابستان ۶۷ فرمان قتل عام اعضا و هواداران این سازمان را در زندان‌های سراسر کشور به همراه بسیاری از زندانیان سیاسی دیگر وابسته به گروه‌های چپگرا صادر کرد و هزاران تن از آنها را به قتل رساند. حکم حبس ابد حمید نوری در دادگاه استکهلم که روز ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲ اعلام شد در ارتباط با همکاری این فرد در همین قتل عام و البته فقط در زندان گوهردشت کرج بوده است. سیدابراهیم رئیسی، رئیس حمید نوری در آزمون اکنون رئیس جمهوری اسلامی است و بر مسند سیزدهمین دولت حکومت اسلامی تکیه زده است.

علت عدم صدور ویزا برای تیم‌های ایرانی چیست؟ ورزشکار سابق تیم ملی: از ما می‌خواهند ارزش‌های انقلاب را تبلیغ کنیم!



ورزشکاران عضو تیم ملی پرورش اندام جمهوری اسلامی در سالن فرودگاه مادرید خوابیدند

حراست به بچه‌های تیم گفته بود داروها و وسایلی که مربوط به مسابقه می‌شود را به ما بدهید تا در این چمدان‌ها حمل شود اما بعد از رسیدن به اسپانیا داروها را تحویل دادند و از آن چمدان‌های مخصوص ورزشکاران خبری نشد. بچه‌ها در جریان مسابقات فهمیدند در آن چمدان‌ها پول بود!»

ماجرا اما اینجا تمام نشد. علی‌اکبری می‌گوید «مسئول حراست هنگام برگشت تیم از مسابقات دوباره به آنها چمدان‌هایی را داده تا به ایران برگردانند و ادعا کرده بود محتوای آنها مربوط به سفارت و سوغات برای خانواده‌های آنها از طرف سفارت جمهوری اسلامی در اسپانیاست اما تعدادی از بچه‌ها حاضر به حمل چمدان‌ها نشدند و با مسئول حراست بحث‌شان شد و کار بالا گرفت. آنها سوار هواپیما نشدند و پرواز رفت و شب کف فرودگاه مادرید خوابیدند! آن زمان ادعا شد علت این اتفاق دیر رسیدن به پرواز و ترافیک مادرید بود.»

این ورزشکار می‌گوید پس از آن ماجرا بچه‌های تیم را تهدید کردند که اگر مسئله درز پیدا کند به مشکل می‌خورند و آینده خودشان خراب می‌شود.

کمیته انضباطی مدرک مربیگری علی‌اکبری را بهمن ۱۳۹۹ به خاطر مسائل غیر ورزشی باطل کرد. او می‌گوید «کشورها متوجه شدند کاروان‌های ورزشی که از ایران می‌آیند در درس درست می‌کنند. در درس آنها اول برای فدراسیون‌های ورزشی کشورهای میزبان است. جمهوری اسلامی ورزشکاران را مجبور می‌کند ارزش‌های انقلابی و اسلامی را در مسابقات بین‌المللی نمایش دهند... همراه آنها اطلاعاتی‌هایی حضور دارند که کارشان تفتیش است و حتا ارتباط گرفتن با ایرانی‌هایی را که برای تشویق ورزشکاران در مسابقات سالن می‌آیند، کنترل می‌کنند. همچنین سابقه داشته بعضی از این اطلاعاتی‌های همراه تیم ورزشی به دنبال خرید بعضی قطعات افتادند!»

در رده‌های ملی چنان تنگ شده که حتا ورزشکارانی که سابقه‌ی سخیف و زشت اهدای مدال‌های بین‌المللی خود به علی‌خامنه‌ای را داشتند عطا‌ی ورزش در ایران را به لقای آن بخشیدند یا مجبور به ترک کشور شدند. کیمیا علیزاده عضو تیم ملی کاراته زنان ایران یکی از آنهاست که دو سال پیش به هلند مهاجرت کرد.

دلیل کشورهایی که برای ورزشکاران ایرانی ویزا صادر نمی‌کنند تقریباً مشترک است. آنها متوجه شده‌اند که برخی از همراهان تیم‌های ورزشی اعزامی از ایران سابقه حضور در نیروهای نظامی و امنیتی دارند یا عضو آنها هستند. مسئله آنقدر جدیست که دیگر نه تنها کشورهای غربی بلکه کشورهای آسیایی از جمله سنگاپور هم برای ورزشکاران اعزامی از ایران ویزا صادر نمی‌کنند هرچند که روزنامه «جون» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این وضعیت را ناشی از «عدم دیپلماسی ورزشی» خوانده است!

حامد علی‌اکبری عضو پیشین تیم ملی پرورش اندام جمهوری اسلامی قهرمان مسابقات جهانی قهرس در سال ۲۰۱۷ که اکنون ساکن بلژیک است تأیید می‌کند که عناصر اطلاعاتی که تیم‌های ورزشی اعزامی از ایران را همراهی می‌کنند مأموریت‌های غیرورزشی دارند.

علی‌اکبری به کیهان لندن می‌گوید «اغلب ورزشکاران حرفه‌ای اعزامی به مسابقات بین‌المللی با این تجربه که عوامل وزارت اطلاعات یا سپاه از ورزشکاران سوء استفاده می‌کنند روبرو شده‌اند.»

این ورزشکار و مربی بدنسازی توضیح می‌دهد: «در سال ۲۰۱۷ کمیته انضباطی مرا به خاطر مسائل مذهبی از تیم ملی که عازم مسابقات اسپانیا بود کنار گذاشت... واقعیت این بود که به بازیکنان تیم ملی پرورش اندام هنگام خروج از ایران به اسپانیا چمدان‌های کوچکی دادند که کسی از محتوای آن خبر نداشت. مسئول

نه فقط آمریکا، انگلیس و کانادا بلکه بعضی کشورهای آسیایی مثل سنگاپور هم برای ورزشکاران ایرانی اعزامی به مسابقات بین‌المللی ویزا صادر نمی‌کنند.

دلیل کشورهایی که برای ورزشکاران ایرانی ویزا صادر نمی‌کنند تقریباً مشترک است. آنها متوجه شدند برخی از همراهان تیم‌های ورزشی اعزامی از ایران سابقه حضور در نیروهای نظامی و امنیتی دارند یا عضو آنها هستند اما روزنامه «جون» وابسته به سپاه پاسداران این وضعیت را ناشی از «عدم دیپلماسی ورزشی» خوانده است!

حامد علی‌اکبری عضو پیشین تیم ملی پرورش اندام جمهوری اسلامی به کیهان لندن می‌گوید عوامل حراستی و اطلاعاتی همراه تیم‌های ملی از موقعیت خود سوء استفاده کرده و ورزشکاران را وادار به کارهای غیرعادی می‌کنند.

«سال ۲۰۱۷ در مسابقات اسپانیا به بازیکنان تیم ملی پرورش اندام هنگام خروج از ایران به اسپانیا چمدان‌های کوچکی دادند که کسی از محتوای آن خبر نداشت.»

کشورها متوجه شدند کاروان‌های ورزشی که از ایران می‌آیند در درس درست می‌کنند. در درس آنها اول برای فدراسیون‌های ورزشی کشورهای میزبان است. جمهوری اسلامی ورزشکاران را مجبور می‌کند ارزش‌های انقلابی و اسلامی را در مسابقات بین‌المللی نمایش دهند... همراه آنها اطلاعاتی‌هایی حضور دارند که کارشان تفتیش است.»

در ماه‌های اخیر آمریکا، انگلیس و کانادا برای شماری از بازیکنان تیم‌های ورزشی جمهوری اسلامی جهت حضور در مسابقات بین‌المللی در رشته‌های مختلف از جمله تیراندازی با کمان، کاراته، دو و میدانی و پیش از آن تییس و فوتبال ویزا صادر نکردند.

مسئولان ورزش جمهوری اسلامی در حالی این کشورها را متهم به سیاسی‌کاری می‌کنند که چهار دهه است ورزش نیز به عرصه تبلیغات سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی تبدیل شده و در انحصار خانواده‌ها و گروه‌های مافیایی رژیم است. اخیراً فدراسیون دو و میدانی جمهوری اسلامی در نامه‌ای به فدراسیون جهانی این رشته در مورد عدم صدور ویزا توسط آمریکا برای ورزشکاران ایرانی اعتراض کرده است.

در این نامه ادعا شده عدم صدور ویزا برای ورزشکاران ایران نشان داد که برای آمریکا سیاسی‌کاری بر ورزش اولویت دارد و هیچگاه برای آنها سیاست از ورزش جدا نبوده است. مقامات سیاسی و مسئولان ورزش جمهوری اسلامی در حالی دم از «سیاسی‌کاری» کشورهای دیگر در ورزش می‌زنند که خودشان به خاطر مسائل سیاسی اجازه رقابت ورزشکاران ایرانی با ورزشکاران اسرائیلی را نمی‌دهند و به خاطر همین سیاست چندین فدراسیون ورزشی با محرومیت و تعلیق روبرو شدند و چندین ورزشکار از حضور در رقابت‌های بین‌المللی محروم شده و یا مجبور به ترک ایران و عضویت در تیم‌های ملی سایر کشورها مثل آذربایجان و مغولستان شده‌اند.

در جمهوری اسلامی عرصه بر ورزشکاران نیز به ویژه

یک «ایرانفروشی» دیگر؟! تفاهم‌نامه ۴۰ میلیارد دلاری میان جمهوری اسلامی و روسیه هنگام سفر پوتین به تهران به صورت «آنلاین» امضا شد!

خود جمهوری اسلامی در انزوا بین‌المللی قرار گرفته است؟ این تناقضات وقتی به اوج می‌رسد که محسن خجسته مهر روز سه‌شنبه پس از امضای آن‌لاین تفاهم‌نامه و عدم حضور طرف روسی گفته که «در یک برنامه ۸ ساله، تا افاق ۱۴۰۸ با سرمایه‌گذاری یکصد و ۶۰ میلیارد دلاری ظرفیت تولید نفت کشور به ۵/۷ میلیون بشکه و ظرفیت تولید گاز کشور به ۱/۵ میلیارد مترمکعب در روز خواهد رسید و تمام جهت‌گیری‌ها در دولت سیزدهم به منظور توسعه و رشد اقتصادی کشور است!» معلوم نیست این مقام مسئول بر اساس کدام داده‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و با چه اطمینانی درباره «برنامه ۸ ساله»ی «دولت سیزدهم» که هنوز یکسال از چهار سال اول آن گذشته و با انواع مشکلات داخلی و خارجی روبروست، حرف می‌زند و وعده می‌دهد!

همچنین باید یادآوری کرد که شرکت گازپروم پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به صورت صد درصد شرکتی دولتی بود. سه سال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ در جریان طرح خصوصی‌سازی در روسیه این شرکت نیز به بخش خصوصی واگذار شد اما همچنان نیمی از سهام آن بطور مستقیم در دست دولت روسیه است و دولت ولادیمیر پوتین سیاست‌ها و راهبردهای این شرکت را طراحی و پیش می‌برد. در واقع «گازپروم» نیز مانند شرکت‌های جمهوری اسلامی یک شرکت «خصولتی» است!

نکته دیگر اینست که مقامات دو کشور هنوز توضیح نداده‌اند که آیا امضای این تفاهم‌نامه ذیل قرارداد ۲۰ ساله ایران و روسیه انجام گرفته یا در چارچوب دیگری قرار دارد. معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی دیروز گفت «ما پیش از این، امضای دو قرارداد نفتی با دو شرکت روسی و تفاهم‌نامه با شرکت‌های روسی را در اواخر سال گذشته و در زمانی که تحریم‌ها وجود داشتیم و مذاکرات فعلی نیز در ادامه روند مذاکرات گذشته است و هیچ نگرانی از بابت نقش تحریم‌ها در به سرانجام نرسیدن این تفاهمات و قراردادهای وجود ندارد.» خبرگزاری ایرنا دی‌ماه سال گذشته از امضای سند راهبردی ۲۰ ساله میان جمهوری اسلامی و روسیه خبر داد. ایرنا با اشاره به برنامه مستندی که در همین رابطه از شبکه تلویزیونی «زویوزدا» روسیه پخش شد این خبر را اعلام کرد. آبان پارسال نیز ابراهیم رئیسی در تماس تلفنی با ولادیمیر پوتین گفته بود که «آمادگی داریم سند جامع همکاری‌های بلندمدت دو کشور را نهایی کنیم تا روند ارتقای هر چه بیشتر روابط و همکاری‌های دو کشور با سرعت، اجرایی شود.»

ولادیمیر پوتین در همین تماس تلفنی ابراهیم رئیسی را برای اوایل سال جدید میلادی به روسیه دعوت کرد و گفت که «مسکو از پیشنهادات تهران در تدوین سند جدید همکاری بلندمدت دو کشور حمایت می‌کند و مصمم هستیم هرچه سریع‌تر نهایی و اجرایی شود.»

جمهوری اسلامی دو دهه پیش نیز قراردادی با روسیه امضا کرده بود. آن قرارداد در ۲۲ اسفند ۱۳۷۹ برابر با ۱۲ مارس ۲۰۰۱ میان حجت‌الاسلام محمد خاتمی رئیس دولت وقت جمهوری اسلامی و ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در مسکو به امضا رسید. چندماه بعد در دی‌ماه ۱۳۸۰ نمایندگان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی با اکثریت مطلق اصلاح‌طلب آن قرارداد را تأیید کردند.



میدان گازی کیش با ایران «قرارداد» امضا کرده بود اما سرنوشت این قرارداد هم نامشخص ماند و سرمایه‌گذاری واقعی از سوی روسیه در صنعت نفت ایران بابت این پروژه رخ نداد. یکی دیگر از ابهامات این تفاهم‌نامه اینست که پرداخت‌ها و تبادلات مالی در این قرارداد معلوم نیست بر اساس روبل است یا ارز دیگری نظیر دلار؛ این در حالیست که در همین روز سه‌شنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۱ که تفاهم‌نامه امضا شد، نهاد معاملاتی جهت ارز ریال- روبل در بازار متشکل ارزی ایران گشایش یافت. سال‌هاست که جمهوری اسلامی و روسیه بر سر حذف دلار از مبادلات ارزی خود سخن می‌گویند و دیروز خبرگزاری ایلنا گفته نهاد معاملاتی ارز ریال- روبل در سامانه نیما، نخستین مرحله از بسته اقدامات بانکی است که توافقات آن در سفر اخیر رئیس کل بانک مرکزی به روسیه نهایی شده است. با وجود همه تبلیغاتی که رسانه‌های داخلی و محسن خجسته مهر درباره این تفاهم‌نامه انجام داده‌اند اما خود وی در کنفرانس خبری جمله‌ای گفته که نشان می‌دهد حتی برای وزارت نفت هم ابعاد این قرارداد مبهم است. او گفته که «قرارداد شکل‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد و مدل قرارداد در زمان امضا نهایی خواهد شد!»

در آنسو نیز به دلیل کشورگشایی ولادیمیر پوتین و حمله نظامی به اوکراین از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ و تحریم‌هایی که علیه این کشور از سوی اروپا و آمریکا وضع شده است، سهام گازپروم روسیه به کمتر از ۶۰ سنت نیز رسید. در نتیجه برخلاف گفته معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی که این شرکت را «یکی از غول‌های انرژی» در دنیا معرفی کرده، «گازپروم» در بحرانی‌ترین شرایط حیات خود قرار دارد.

در نتیجه، به نظر می‌رسد امضای این تفاهم‌نامه بیش از آنکه جنبه اقتصادی مثبتی برای ایران داشته باشد، صحنه‌آرایی جمهوری اسلامی و روسیه در میدان تحریم‌هاست که البته به سود روسیه تنظیم شده است.

هنوز مشخص نیست آیا جمهوری اسلامی که هنوز به باز شدن گره برجام امید دارد و به همین دلیل فروش روزانه ۱/۴ میلیون بشکه نفت خام را در لایحه بودجه گذاشته، به دنبال امضای تفاهم‌نامه با شرکت گازپروم روسیه بوده و پروژه‌های توسعه‌ای نفت و گاز ایران را که در صورت برداشته شدن تحریم‌ها یک فرصت مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است را معطل روسیه کرده است؟! کشوری که مانند

● محسن خجسته مهر از عبارت «تفاهم‌نامه» برای آنچه میان جمهوری اسلامی و روسیه امضا شده استفاده کرده در حالی که بر خلاف قراردادهای، عموماً برای تفاهم‌نامه‌ها رقم و ارزش تعیین نمی‌شود.

● روسیه در سال‌های گذشته، چه در دوران برجام و چه در دوران تحریم‌های اخیر چندین تفاهم‌نامه با ایران امضا کرد که هیچیک حتی وارد مرحله مطالعاتی و تحقیقی هم نشد.

● مقامات جمهوری اسلامی و روسیه هنوز توضیح نداده‌اند که آیا امضای این تفاهم‌نامه ذیل قرارداد ۲۰ ساله ایران و روسیه انجام گرفته است یا در چارچوب دیگری قرار دارد!

● همچنین معلوم نیست در حالی که پوتین به تهران سفر کرده چرا این تفاهم‌نامه «آنلاین» و بدون حضور نمایندگان «گازپروم» امضا شده است!

امضای تفاهم‌نامه ۴۰ میلیارد دلاری میان ایران و روسیه روز سه‌شنبه انجام شد اما مانند همیشه در مورد چنین قراردادهای و تفاهم‌نامه‌هایی، ابهامات زیاد و پرسش‌های بی‌پاسخی درباره آن وجود دارد.

تفاهم‌نامه ۴۰ میلیارد دلاری میان ایران و روسیه صبح سه‌شنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۱ به صورت آن‌لاین و میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت گازپروم روسیه امضا شد.

محسن خجسته مهر مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و معاون وزیر نفت از سوی جمهوری اسلامی و ویتالی مارکولوف قائم مقام مدیرعامل شرکت گازپروم از سوی روسیه این قرارداد را جداگانه و به صورت آن‌لاین امضا کردند.

پس از امضای این تفاهم‌نامه محسن خجسته مهر گفت که سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری گازپروم برای توسعه میدان گازی پارس شمالی و کیش، توسعه ۶ میدان نفتی از جمله منصوری، آب‌تیمور، کرج، آذر و چنگوله، سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد دلاری گازپروم برای فشارافزایی میدان گازی پارس جنوبی و سوآپ گاز و فرآورده نفتی با روس‌ها و سرمایه‌گذاری جهت تکمیل پروژه ایران-ال.ان.جی، از محورهای این تفاهم است. معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی افزود که پیش از این هم در شرایط تحریم به میزان ۴ میلیارد دلار برای توسعه ۷ میدان نفتی با روسیه قرارداد امضا شده بود.

درباره تفاهم‌نامه امضا شده اما موارد مبهمی وجود دارد. نخست اینکه امضای این تفاهم‌نامه همزمان با سفر ولادیمیر پوتین به ایران بوده و علت امضای «آنلاین» آن و عدم حضور مقامات شرکت گازپروم در ایران مشخص نیست!

از سوی دیگر محسن خجسته مهر از عبارت «تفاهم‌نامه» برای آنچه میان دو کشور امضا شده استفاده کرده در حالی که بر خلاف قراردادهای، عموماً برای تفاهم‌نامه‌ها رقم و ارزش تعیین نمی‌شود. هرچند رسانه‌های داخلی از «امضای بزرگ‌ترین تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری ایران و روسیه» استفاده می‌کنند اما سوابق چنین تفاهم‌نامه‌هایی میان ایران و روسیه مطلقاً به معنای جذب سرمایه‌گذاری از سوی ایران یا انجام سرمایه‌گذاری خارجی از سوی روسیه نبوده است!

همانطور که مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران هم اشاره کرده روسیه در سال‌های گذشته، چه در دوران برجام و چه در دوران تحریم‌های اخیر چندین تفاهم‌نامه با جمهوری اسلامی ایران امضا کرد که هیچیک حتی وارد فاز مطالعاتی و تحقیقی هم نشد. روسیه پیش از این و در سال ۲۰۱۷ نیز برای توسعه

متحد خواست تا با ایجاد سازوکاری بین المللی «با بحران جاری مصونیت از مجازات در ایران» مقابله کنند.

انجمن خانواده‌های جانبازان پرواز PSV۵۲ اوکراین که در دی ۱۳۹۸ با شلیک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سقوط کرد و همه سرنشینانش جان باختند از صدور این حکم حمایت کرده و نوشته که «پس از بیش از سی سال انتظار، یکی از عاملین اعدام‌های خودسرانه‌ی سال ۱۳۶۷ به پیشگاه عدالت کشانده شد و حکمی را دریافت کرد که سزاوارش بود. حکم حمید نوری به خانواده‌های دادخواه امید می‌دهد که یافتن حقیقت و اجرای عدالت شدنی است.»

در مقابل اما مقامات جمهوری اسلامی به شدت از صدور این حکم خشمگین هستند. احمد معصومی فرسفر جمهوری اسلامی در استکھلم مدعی شده است که «نظام حقوقی سوئد اساسی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل را زیر پا گذاشته است.»

سفر جمهوری اسلامی در سوئد افزوده که «سیستم حقوقی سوئد صلاحیت رسیدگی به این پرونده را ندارد؛ زیرا اعمال صلاحیت بین‌المللی، به وجود جرم بین‌المللی بستگی دارد.» وزارت امور خارجه ایران نیز در واکنش به این حکم اعلام کرده است که رئیس اداره سوم غرب اروپای این وزارتخانه، ضمن احضار کاردار سفارت سوئد، مراتب اعتراض رسمی خود را نسبت به «بیانیه رسانه‌های و رای صادره از سوی دادگاه ناحیه استکھلم سوئد علیه آقای حمید نوری شهروند ایرانی زندانی در آن کشور» ابلاغ کرده است.

کاظم غریب آبادی معاون امور بین‌الملل و حقوق بشر قوه قضائیه و دبیر ستاد حقوق بشر نیز در واکنش به پیام جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران با انتشار توییتی نوشته که «بسیار تأسف برانگیز است که جاوید رحمان بجای اعتراض به مقامات سوئدی و پاسخگو کردن آنها در برابر نقض‌های گسترده حقوق بشر بنیادین قربانی (نوری)، به صورت علنی از بازداشت خودسرانه و دادگاه نمایشی این شهروند ایرانی حمایت می‌کند.»

کیهان لندن در گزارشی تحلیلی نوشته است که هم بازداشت و محاکمه و هم حکم حبس ابد برای حمید نوری یک پیروزی تاریخی برای جنبش دادخواهی ایرانیان در ۴۳ سال سرکوب بی‌امان توسط جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. بسیاری از خانواده‌های زندانیان سیاسی به امید چنین روز و چنین حکمی انتظار می‌کشیدند و برخی نیز چشم از جهان فرو بستند و همانند تا شاهد روزی باشند که سرانجام یکی از جنایتکاران جمهوری اسلامی در دادگاهی عادلانه که در آن ساعت‌ها به تبلیغ و توجیه جنایات خود پرداخت، محکوم شد. بر اساس این گزارش، اهمیت محاکمه و حکم تاریخی علیه حمید نوری در این است که از یکسو رئیس حمید نوری، ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» هم‌اکنون بر مسند ریاست دولت تکیه زده است و از سوی دیگر به دلیل دفاعیات تمام‌قد و جانانه‌ی حمید نوری از جمهوری اسلامی و رهبری و زمامداران آن، درواقع محکومیت کل نظام به شمار می‌رود.

به گزارش کیهان لندن این حکم که در نوع خود بی‌نظیر است، صفحه جدیدی را در تاریخ دادخواهی قربانیان پیش از چهار دهه جمهوری اسلامی می‌گشاید و شاید بتوان از آن به عنوان اولین پیروزی قانونی جنبش دادخواهی ایرانیان نام برد. واقعیتی که همه ایرانی‌های مخالف جمهوری اسلامی به آن ادعان دارند.

بازداشت حمید نوری اعضای «هیئت مرگ» و بسیاری دیگر از مقامات جمهوری اسلامی را واداشت سکوت خود را در مورد جنایات تابستان ۶۷ و دهه ۶۰ بشکنند و اگرچه در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی اما به هر حال به اعدام‌های گروهی اعتراف کنند. چیزی که خود حمید نوری نیز به نوعی در دادگاه در دفاع از نظام به آن اعتراف کرد!



در اعدام زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت در تابستان سال ۱۳۶۷ بازداشت شد.

تحقیقات بازپرسان و تکمیل پرونده یک سال و نیم به طول انجامید و نخستین جلسه دادگاه محاکمه او مرداد سال گذشته برابر با اوت ۲۰۲۱ آغاز شد. آخرین جلسه دادگاه حمید نوری اردیبهشت امسال برابر با مه ۲۰۲۲ برگزار شد. در طی ۹ ماه روند برگزاری جلسات دادگاه دست‌کم ۶۰ شاکی و شاهد و ۱۲ کارشناس در حوزه فقه اسلامی حقوق بین‌الملل دربرای این پرونده صحبت کردند.

در مرداد و شهریور ۱۳۶۷ هزاران زندانی سیاسی با دستور سیدروح‌الله خمینی بنیانگذار و رهبر جمهوری اسلامی در ایران، اعدام و در گورهای دستمعی دفن شدند. بر اساس برآورد سازمان‌های عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، حدود پنج هزار زندانی سیاسی ظرف دو ماه در سال ۶۷ اعدام شده‌اند. اما تعداد دقیق اعدام‌شدگان هنوز روشن نیست. حمید نوری نخستین مقام جمهوری اسلامی است که به اتهام جنایت و کشتار زندانیان سیاسی در ایران در یک دادگاه منطبق بر موازین بین‌المللی محاکمه و محکوم شده است. شاهزاده رضا پهلوی دقایقی پس از اعلام صدور حکم حبس ابد علیه حمید نوری به جرم جنایت جنگی و قتل عمد در توییتی با سپاسگزاری از همه کسانی که در بازداشت و محاکمه این تبهکار نقش داشته‌اند نوشت: «حکم دادگاه سوئد درباره #حمید_نوری، یک پیروزی بزرگ و واقعی برای همه آزادخواهان و فعالان حقوق بشر ایرانی است. عدالت برای ملت ایران سرانجام پیروز خواهد شد و امروز دادگاه سوئد گام مهم نخست را برداشت. از قضاوت و هیات منصفه دادگاه، و همه فعالانی که در این پیروزی نقش داشتند، سپاسگزارم.»

بیش از ۲۰۸ فعال مدنی و سیاسی در بیانیه‌ای اعلام کردند که رای دادگاه استکھلم در محکومیت حمید نوری «یک پیروزی تاریخی و آغازی تازه برای جنبش دادخواهی» است. در این بیانیه آمده است: «امید که پایان این دادگاه آغازی نویدبخش برای عمق بخشیدن و گسترش درس‌هایی باشد که این تجربه تاریخی برای جنبش دادخواهی و مبارزات حقوق بشری به ارمغان آورده است.»

دیانا الطحاوی معاون دفتر خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین‌الملل روز پنجشنبه ۲۳ تیر در واکنش به تصمیم دادگاه منطقه استکھلم در اعلام محکومیت این مقام سابق جمهوری اسلامی، گفت که «این پیامی صریح، اگرچه دیرهنگام» به مقامات ایران است که «مرتکبین جنایات علیه بشریت نمی‌توانند از عدالت بگریزند.»

او ضمن تأکید بر تداوم روند «پاسخگو» کردن مقام‌های جمهوری اسلامی در رابطه با جنایت‌های ارتکاب یافته، از جامعه جهانی از جمله اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل

● کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل حکم صادره علیه حمید نوری را قابل تقدیر خوانده است.

● جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل نیز گفته که روند دادگاه و حکم صادر شده در دادگاه سوئد یک رویداد تاریخی و یک نقطه عطف رو به جلو در راستای «دستیابی به حقیقت و عدالت در فصلی تاریک از تاریخ ایران است.»

کمیسیر عالی حقوق بشر سازمان ملل و گزارشگر ویژه این سازمان در امور ایران در واکنش‌هایی جداگانه از صدور حکم حبس ابد برای حمید نوری به جرم مشارکت در جنایت جنگی و قتل عمد حمایت کردند.

حمید نوری با اسم مستعار حمید عباسی دادیار سابق زندان گوهردشت، در دادگاه استکھلم پایتخت سوئد به اتهام مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ به حبس ابد محکوم شد. این حکم روز پنجشنبه ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲ برابر با ۲۳ تیرماه ۱۴۰۱ اعلام شد و در صورت اعتراض وکلای حمید نوری، در دادگاه تجدید نظر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. میشل باشله کمیسیر عالی حقوق بشر سازمان ملل در توییتی که در حساب کاربری رسمی کمیسیرای عالی حقوق بشر منتشر شده حکم صادر شده علیه حمید نوری را قابل تقدیر خوانده است.

میشل باشله همچنین گفته که کشورها باید با تکیه بر اصل صلاحیت قضایی جهانی خلاء موجود برای پاسخگویی در جرائم جدی را برطرف کرده و از احقاق حقوق و عدالت اطمینان حاصل کنند.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران نیز ضمن استقبال از حکم دادگاه سوئد علیه حمید نوری گفته که روند دادگاه و حکم صادر شده در دادگاه سوئد یک رویداد تاریخی و یک نقطه عطف رو به جلو در راستای «دستیابی به حقیقت و عدالت در فصلی تاریک از تاریخ ایران است.» گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران که پیش از این نیز خواستار تحقیق درباره نقش ابراهیم رئیسی در کشتار زندانیان سیاسی شده بود، افزود: «این یک پیام صریح است که با وجود شواهد اساسی، انکار و معافیت از مجازات دیگر امکان‌پذیر نیست.»

جاوید رحمان افزوده که «من از دیگر دولت‌های دارای صلاحیت می‌خواهم که تحقیقات مشابه و تعقیب نقض جدی حقوق بشر در ایران را به عهده بگیرند. شکاف جدی در پاسخگویی به نقض قابل مشاهده گذشته و حال قانون حقوق بشر وجود دارد و دادگاه‌های ملی در دیگر ایالت‌ها نقش اساسی در پر کردن آن شکاف دارند.»

حمید نوری ۱۸ آبان ۱۳۹۸ برابر با نهم نوامبر ۲۰۱۹ هنگام ورود به فرودگاه آرلندا در استکھلم سوئد به اتهام مشارکت

به گفته این پژوهشگر اقتصادی «دولت از یکطرف با افزایش نرخ ارز نیما تورم می‌سازد و از طرف دیگر حقوق گمرکی را کاهش می‌دهد. این به خاطر این است که یک طبقه‌ای در این کشور وجود دارد که منابع خام می‌فروشند و کالاهای مصرفی وارد می‌کنند. این کارها فقط برای این است که این واردکننده با افزایش نرخ ارز نیمایی کالای خام را با ارزش بیشتری بفروشد و با کاهش حقوق گمرکی راحت‌تر کالا وارد کند تا سود بیشتری کسب کند.»

احسان سلطانی معتقد است «وقتی نرخ دلار نیمایی را تنها در یک ماه ۷ درصد بالا برده‌اند، مبارزه با تورم چه معنایی دارد؟ مجموع نرخ ارز نیما و ارز ترجیحی زیر ۲۰ هزار تومان بوده که طی یک ماه به بالای بیست هزار تومان رسانده شده، یعنی ۳۰ درصد به نرخ ارز موثر واردات کالا افزوده شده است.»

این پژوهشگر اقتصادی افزایش نرخ ارز را به سود دولت و به زیان مردم ارزیابی کرده و گفته که «قیمت مسکن و اجاره خانه با دلار تنظیم می‌شود اما کسی دلش برای این ماجرا که به مردم صدمه زده نمی‌سوزد. یکجوری درباره بالا بردن قیمت دلار صحبت می‌کنند که انگار می‌خواهند قیمت پشمک تعیین کنند.»

کمال سیدعلی معاون سابق ارزی بانک مرکزی نیز روز گذشته در گفتگو با خبرنگاران گفته بود که «در حال حاضر، حتی با وجود توافق و وضعیت تورم نمی‌توان نرخ ارز را کمتر از ۲۷ تا ۲۸ هزار تومان در نظر گرفت. نکته مهم اینجاست که در صورتی که توافقی صورت نگیرد نرخ ارز بالاتر خواهد رفت و تعیین نرخ ارز به این مورد بستگی دارد که ما چقدر نفت بفروشیم و چقدر بتوانیم صادرات غیرنفتی را تقویت کنیم.»

علی‌اصغر سمیعی رئیس پیشین کانون صرافان ایران نیز گفته که «اگر چه باید پول ملی تقویت شود، اما کاهش نرخ ارز در شرایطی است که قیمت همه کالاها پایین آید، نه اینکه قیمت زمین و مسکن سر به فلک بکشد و فقط زورمان به ارز برسد. بهتر است که قیمت‌ها بطور متعادل کم و زیاد شود.»

بهمین فلاح کارشناس و تحلیلگر اقتصادی نیز معتقد است قیمت واقعی ارز بیش از قیمت‌هایی است که در بازار آزاد وجود دارد. او گفته است «در کشوری که رشد اقتصادی وجود ندارد، خلق پول مساوی تورم است. در همین حال، ما خروج ارزی هم از کشور داریم. ما به این شرایط تورم ساختاری می‌گوییم.»

بهمین فلاح با بیان اینکه نقدینگی بدون پشتوانه رشد کرده، گفته است: «بطور طبیعی نرخ برابری ریال با دلار را که در نظر می‌گیریم، می‌بینیم الان بطور طبیعی نرخ دلار در محدوده ۳۵ هزار تومان به بالا است.»

میثم هاشم‌خانی کارشناس و تحلیلگر اقتصادی دیگری است که کاهش نرخ ارز را منطقی ارزیابی نکرده و گفته که چند عامل در یک سال آینده تاثیر بسیار مهمی بر روند نرخ ارز خواهند گذاشت که عبارتند از توافق، تورم در آمریکا، تورم در ایران، سیاست‌های ارزی دولت و بانک مرکزی در ایران.

این کارشناس اقتصادی افزوده قیمت ارز و تورم در اقتصاد ایران طی ماه‌های آینده افزایشی خواهد بود: «در میان برنامه‌های دولت که اعلام شده است و قرار بر اجرای آن گذاشته شده است و یا برنامه‌هایی که اجرایی شده است خیلی برنامه‌های کنترل‌کننده تورم دیده نمی‌شود و این انتظار که ما روند تورم را در ایران کاهش ببینیم واقع‌بینانه نیست.»

بگیر و بند و تهدید کارساز نشد؛ قیمت دلار به بیش از ۳۲ هزار و ۲۵۰ تومان رسید



ارزی به ثبت برسانند و هر نوع خرید و فروش ارز نیز باید در این سامانه ثبت بشود.

بر اساس این قانون، «شخصی که بیش از سه بار مرتکب قاچاق شده، صرف نظر از اینکه در هر مرتبه تحت تعقیب قرار گرفته یا خیر، در صورتی که ارزش کالای قاچاق در هر مرتبه بیش از ۱۰ میلیون تومان باشد، قاچاقچی حرفه‌ای محسوب می‌شود.»

اینهمه در حالیست که کارشناسان بازار ارز افزایش قیمت‌های امروز را به دلیل سفر بایدن به تل آویو و همچنین در بن‌بست قرار داشتن توافق هسته‌ای و هشدارهایی که به صورت پراکنده درباره افزایش تنش جمهوری اسلامی در منطقه منتشر می‌شود، پیش‌بینی کرده بودند.

معامله‌گران بازار ارز ارزیابی می‌کنند که همکاری‌های جدید میان عربستان، آمریکا و اسرائیل در منطقه موجب افزایش تنش‌ها در منطقه و همچنین میان رژیم ایران و غرب خواهد شد. از سوی دیگر روند مذاکرات نیز احتمال توافق دوباره هسته‌ای را به شدت کم‌رنگ کرده است.

در این میان سیاست‌های اقتصادی دولت رئیسی نیز در تلاطم‌های بازار ارز نقش داشته است. احسان سلطانی پژوهشگر و تحلیلگر اقتصادی درباره افزایش نرخ ارز گفته که از ابتدای سال ۱۰ درصد نرخ ارز نیما و ۲۰ درصد نرخ ارز آزاد را بالا رفته و ارز ترجیحی هم از سوی دولت حذف شده است.

- قیمت دلار در نخستین ساعات آغاز به کار ارز در روز شنبه ۲۵ تیرماه به ۳۲ هزار و ۲۸۰ تومان رسید.
- قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز ۲۰ تیر اعلام کرد هر نوع نگهداری، حمل و یا عرضه انواع ارزهای خارجی بدون داشتن مدارک خرید، قاچاق ارز به شمار می‌آید.
- دولت نیز پیش از این در مصوبه‌ای اعلام کرده بود برای قاچاقچی ارز به شمار نیامدن، شهروندان باید دارایی ارزی پیشین خود را نیز در سامانه معاملات ارزی ثبت کنند.
- احسان سلطانی: یکجوری درباره بالا بردن قیمت دلار صحبت می‌کنند که انگار می‌خواهند قیمت پشمک تعیین کنند.
- بهمین فلاح با بیان اینکه نقدینگی بدون پشتوانه رشد کرده، گفته است بطور طبیعی نرخ برابری ریال با دلار را که در نظر می‌گیریم، می‌بینیم الان نرخ دلار در محدوده ۳۵ هزار تومان به بالا است.

بهای ارز در بازار ایران با افزایش روبرو شده و بار دیگر قیمت دلار از مرز ۳۲ هزار تومان عبور کرده است. در حالی که دولت و قوه قضاییه طی دو ماه گذشته مصوبات و ابلاغیه‌هایی درباره «نگهداری و معامله ارز» را به اجرا گذاشتند تا قیمت‌ها در بازار را کنترل کنند اما کارشناسان معتقدند تا موانع ساختاری اقتصاد برای افزایش قدرت پول ملی رفع نشود، افزایش قیمت ارز ادامه خواهد داشت.

قیمت دلار در نخستین ساعات آغاز به کار ارز در روز شنبه ۲۵ تیرماه به ۳۲ هزار و ۲۸۰ تومان رسید. قیمت دیگر ارزهای رایج نیز نسبت به هفته گذشته با افزایش قیمت روبرو و هر یورو ۳۲ هزار و ۵۶۰، هر پوند ۳۸ هزار و ۲۷۰ و هر درهم ۸۷۹۰ تومان معامله شد. این قیمت‌ها مربوط به صبح شنبه در بازار ارز ایران و همچنان در حال افزایش است.

در بازار طلا نیز قیمت‌ها در نخستین روز هفته روند صعودی را طی کرد. قیمت هر سکه طلا ۱۵ میلیون و ۱۸۰ هزار تومان، قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار یک میلیون و ۳۹۳ هزار تومان است.

اوج گرفتن بهای ارز و طلا در حالی ادامه دارد که کمتر از یک ماه پیش، در پی تداوم نوسان بازار ارزهای خارجی در ایران مقامات قضایی ضمن مسدود کردن ۱۱ کانال تلگرامی عده‌ای را به عنوان «اخلالگران اقتصادی و ابربدحکاران بانکی» بازداشت کردند.

حسین رحیمی رئیس پلیس پایتخت هم آخر خردادماه اعلام کرد که با توجه به «نوسانات ارزی» پلیس امنیت اقتصادی «طرح‌های ویژه‌ای» را به اجرا گذاشته که در این طرح‌ها «۳۹ نفر از سرشبهک‌های مجازی و دلان ارز بازار دستگیر شدند.»

قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز ۲۰ تیر نیز اعلام کرد هر نوع نگهداری، حمل و یا عرضه انواع ارزهای خارجی بدون داشتن مدارک خرید، قاچاق ارز به شمار می‌آید. در پیامکی که در این رابطه به شهروندان ارسال شده آمده که «عرضه، حمل یا نگهداری ارز فاقد صورتحساب خرید معتبر یا فاقد مجوز ورود توسط اشخاصی غیر از صرافی، بانک یا موسسه مالی اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی، قاچاق ارز محسوب می‌شود.»

دولت هم پیشتر در مصوبه‌ای اعلام کرده بود برای قاچاقچی ارز به شمار نیامدن، شهروندان باید دارایی ارزی پیشین خود را نیز در سامانه معاملات ارزی ثبت کنند. بنا بر مصوبات جدید دولت، دارندگان ارز برای اینکه با اتهام «قاچاق ارز» و پیامدهای آن مواجه نشوند، باید دارایی ارزی خود را که از گذشته نیز داشته‌اند، در سامانه معاملات

تکرار اعتراف به بی‌فایده بودن
توافق اتمی توسط محمدجواد
لاریجانی:

اگر بخواهیم مہب اتم
بسازیم کسی نمی‌تواند
جلوی ما را بگیرد!

● محمدجواد لاریجانی می‌گوید باید در سفر به اسرائیل با آنها هم‌قسم شد تا نگذارند ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند.

● «طبیعتاً ما مطابق فتوای رهبر انقلاب و شرع اجازه نداریم تا به دنبال تولید سلاح‌های کشتار جمعی از جمله اتم پیش برویم اما اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم کسی نمی‌تواند جلوی ما را بگیرد».

● «گند شدن فعالیت اتمی جمهوری اسلامی که در جریان برجام اتفاق افتاد به سرعت بازسازی می‌شود و توان هسته‌ای ایران چیزی نیست که با بمباران از بین برود».

● جمهوری اسلامی در حالی از یکسو لاف توانایی ساختن مہب هسته‌ای می‌زند و از سوی دیگر می‌گوید به دنبال آن نیست که تمامی رفتار و اقدامات آن در جهت استفاده نظامی از انرژی اتمی است و اساساً اگر چنین نمی‌بود نه مذاکرات اتمی وجود می‌داشت و نه مقامات رژیم مرتب به تهدید اسرائیل و غرب با برنامه اتمی «صلح‌آمیز» خود می‌پرداختند!

در شرایطی که مذاکرات هسته‌ای میان جمهوری اسلامی و آمریکا برای «احیای برجام» به بن‌بست رسیده است محمدجواد لاریجانی دبیر سابق ستاد حقوق بشر قوه قضائیه جمهوری اسلامی تهدید کرد «اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم کسی نمی‌تواند جلوی ما را بگیرد».

جواد لاریجانی ۲۶ تیرماه در برنامه گفتگوی ویژه خبری که از شبکه دو سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شود در پاسخ به این پرسش که «سفر بایدن به اسرائیل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟» گفت، «در سفر بایدن به اسرائیل آنها هم‌قسم شدند تا نگذارند ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند و طبیعتاً ما مطابق فتوای رهبر انقلاب و شرع اجازه نداریم تا به دنبال تولید سلاح‌های کشتار جمعی از جمله اتم پیش برویم اما اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم کسی نمی‌تواند جلوی ما را بگیرد».

وی تأکید کرد، «گند شدن فعالیت اتمی جمهوری اسلامی که در جریان برجام اتفاق افتاد به سرعت بازسازی می‌شود و توان هسته‌ای ایران چیزی نیست که با بمباران از بین برود چرا که تحلیلگران نظامی می‌گویند که توانمندی جمهوری اسلامی ایران محصور نیست».

لاریجانی در بخشی از این مصاحبه در پاسخ به پرسشی مبنی بر علت تغییر راهبرد نظامی آمریکا در برابر ایران گفت، «سیاست‌های آمریکا مانند سن بایدن فرتوت است و آنها در مقابل ما ناتوان هستند».

وی همچنین افزود «ما قدرت نظامی داریم اما مانند آمریکا نیستیم»

توصیه مقامات نظامی جمهوری اسلامی به نیروها در مورد ضرورت آمادگی جهت نبردهای سنگین «هنگام ظهور»!



حکومت حق و عدل صحبت می‌کنیم باید برای مقابله با این جنگ آماده شویم».

این مقام نظامی در ادامه صحبت‌هایش بر ضرورت مقابله با تهدیدات نیمه‌سخت امنیتی دشمن نیز تأکید کرد.

پیش از این سردار محمود تشکری مسئول دبیرخانه اشراف ستادکل نیروهای مسلح نیز در «جشنواره مالک اشتر» نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی که ۲۲ تیرماه برگزار شده بود اعلام کرد «نیروی زمینی باید خود را برای جنگ‌های آینده آماده کند».

اینهمه صحبت درباره ضرورت آمادگی برای جنگ در حالیست که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بارها در شرایطی که رژیم در بحران مذاکرات اتمی به تنگنا افتاده بود ادعا کرد «کشور را به سمت جنگ نمی‌بریم» اما در عمل جمهوری اسلامی با تهدیدات عمده نظامی و امنیتی روبروست.

توصیه مقامات ارتش نظامی به پرسنل تحت امر در مورد آمادگی داشتن برای جنگ در حالیست که در منطقه موضوع تشکیل ائتلاف نظامی- امنیتی عربی- عبری موسوم به «ناتو خاورمیانه» برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی بطور جدی مطرح است و گفته می‌شود از برنامه‌های اصلی سفر جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا به منطقه تقویت این ائتلاف با نزدیک‌تر کردن اسرائیل و عربستان سعودی است. امارات و بحرین و حتی مصر نیز شرکای این ائتلاف هستند. هرچند با افزایش احتمال واکنش از سوی جمهوری اسلامی مقامات اماراتی ترجیح داده‌اند اعلام کنند عضو هیچ ائتلافی علیه جمهوری اسلامی نخواهند شد.

در جریان سفر بایدن به اسرائیل، یائیر لاپید نخست‌وزیر موقت و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر پیشین اسرائیل بطور مشترک به بایدن گفتند دیپلماسی با رژیم ایران پاسخگو نیست و این نظام فقط زبان زور می‌فهمد.

در واکنش به این مواضع سرتیپ پاسدار ابوالفضل شکارچی سخنگوی ارتش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تهدید کرد «استفاده رئیس‌جمهور مفلوک آمریکا و نخست‌وزیر درمانده رژیم جعلی صهیونیستی از عبارت «توسل به زور» را به حساب جنگ روانی، توهم و خواب آلودگی مسبوق به سابقه آنان می‌گذاریم و گرنه دشمنان تاوان استفاده از کلمه توسل به زور علیه ایران اسلامی را خواهند داد».

علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز در دیدار با مقامات جمهوری آذربایجان ادعا کرد «با هر اقدامی که منجر به ایجاد ناامنی و تغییر در ژئوپلیتیک منطقه بشود، مقابله می‌کنیم».

● محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی: با جنگ ترکیبی سخت و بسیار پیچیده‌ای مواجه هستیم خودمان را باید برای مواجهه با این نوع جنگ آماده کنیم... هنگام ظهور، نبردهای فوق‌العاده سخت و سنگینی خواهد بود.

● محمود تشکری مسئول دبیرخانه اشراف ستادکل نیروهای مسلح: نیروی زمینی ارتش باید خود را برای جنگ‌های آینده آماده کند.

● پاسدار ابوالفضل شکارچی سخنگوی ارتش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی: دشمنان تاوان استفاده از کلمه توسل به زور علیه ایران اسلامی را خواهند داد.

در ایران روز ۲۳ تیرماه در مقر سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی دومین نشست تربیتی فرماندهان مرکز آموزشی ارتش با عنوان «گام دوم آمادگی برای ظهور» برگزار شد. در این جلسه رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از نظامیان خواست آماده نبردهای فوق‌العاده سنگین «ظهور» و آخزمانی باشند!

این نشست مربوط به تبیین خط مشی پرورش و مغزشویی نظامیانی است که می‌بایست شرایط ظهور امام دوازدهم شیعیان را فراهم کنند!

سرلشکر پاسدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که سخنان اصلی این نشست بود گفت «ظهور حضرت ولی عصر از وعده‌های قطعی الهی است که اتفاق خواهد افتاد و خداوند متعال در قرآن کریم بارها بر این اتفاق وعده قطعی را فرموده است».

این مقام نظامی حکومت اسلامی اشاره کرد از ویژگی‌های کسانی که منتظر «حکومت صالحان» [حکومت آخرالزمانی مهدی] هستند این است که خود قطعاً باید صالح باشند و آمادگی برای یاری حضرت مهدی را حفظ کنند!

باقری با استناد به حرف‌های روح‌الله خمینی تأکید کرد انقلاب اسلامی آغاز نهضت جهانی و مقدمه ظهور است که به گفته رهبر انقلاب آرمان بزرگش «ایجاد تمدن اسلامی» و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت است!

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با این مقدمه اشاره کرد که «انتظار فرج بدون حرکت جهادی ممکن نیست». وی عنوان کرد «در روایات داریم که هنگام ظهور، نبردهای فوق‌العاده سخت و سنگینی خواهد بود لذا کسی می‌تواند ادعای انتظار و زمینه‌سازی ظهور را داشته باشد که در این راه تلاش جهادی و حرکت اساسی از خود نشان دهد».

او پس از این مقدمه چینی سراغ اصل مطلب رفت و گفت «در برابر انقلاب اسلامی که جلوه کوچکی از قیام جهانی حضرت امام زمان است است ابرقدرت‌های شرق و غرب عالم بسیج شدند و به مقابله پرداختند و بدون شک در زمان ظهور و برای مبارزه با این قدرت‌ها داشتن یک توان دفاعی کارآمد، مهم‌ترین گام و اساسی‌ترین زمینه و الزام است و این کاری است که ارتش و نیروهای مسلح به آن مشغولند که مسئولیت و کار فوق‌العاده مهم و بزرگی است و قابل قیاس با هیچ مسئولیت دیگری نیست».

باقری در ادامه افزود «ما با جنگ ترکیبی سخت و بسیار پیچیده‌ای مواجه هستیم خودمان را باید برای مواجهه با این نوع جنگ آماده بکنیم، اگر از زمینه‌سازی برای ظهور و برقراری

اعتراف ضمنی کمال خرازی به بی‌فایده بودن برجام:

تنها در چند روز غنی‌سازی اورانیوم را از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد رساندیم!



کمال خرازی وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی

حرام قطعی شرعی اعلام کردیم، بنابراین هیچ دلیلی ندارد که برای تولید و نگه‌داشت سلاحی که استفاده از آن مطلقاً حرام است، هزینه کنیم!» با این حال فریدون عباسی دوانی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی افشا کرد با وجود فتوای خامنه‌ای مبنی بر حرام بودن ساخت سلاح اتمی محسن فخری‌زاده سیستم آن را ایجاد کرد.

در عین حال سخنان کمال خرازی و تهدیدات وی در حالیست که در سال‌های گذشته جمهوری اسلامی که از نظر نفوذ در داخل نهادهای امنیتی و نظامی آن به «پنیر سوئیسی» معروف شده، ضربات سنگینی را هم داخل خاک ایران و هم در سوریه از سوی اسرائیل متحمل شده و حتی با ترور فرماندهان و عوامل نظامی و امنیتی و اتمی‌اش از جمله بغل گوش پایتخت هم بجز تهدیدات لفظی و لاف زدن نتوانست دست به «انتقام سخت» بزند. گذشته از اروپا و آمریکا که خود را متعهد به جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای می‌دانند، اسرائیل به دلیل خطری که علیه موجودیت خود احساس می‌کند، بارها اعلام کرده که برای پیشگیری از این اتفاق به هر اقدامی که لازم باشد دست خواهد زد.

حال باید منتظر ماند و دید که آیا سفر جو بایدن به اسرائیل و عربستان و یک ائتلاف منطقه‌ای علیه تهدیدات جمهوری اسلامی، کشورهای غربی و منطقه را به این نتیجه رسانده که مشکل اصلی نه برنامه اتمی جمهوری اسلامی بلکه خود این رژیم است یا نه.

● رئیس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی در اعتراف ضمنی به بی‌فایده بودن توافق اتمی موسوم به برجام به الجزیره گفته «ما توانایی فنی برای ساخت بمب هسته‌ای را داریم اما تصمیمی در این خصوص نداریم... تنها در چند روز میزان غنی‌سازی اورانیوم را از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد رساندیم و به راحتی می‌توانیم به ۹۰ درصد نیز برسیم!»

● «هدف قرار دادن امنیت ما از داخل کشورهای همجوار با پاسخ ما به این کشورها و پاسخ مستقیم به اسرائیل همراه خواهد بود. ما مانورهای گسترده‌ای برای هدف قرار دادن عمق اسرائیل در صورت هدف قرار گرفتن نیروگاه‌های حساس خود انجام دادیم.»

● باید منتظر ماند و دید که آیا سفر جو بایدن به اسرائیل و عربستان و یک ائتلاف منطقه‌ای علیه تهدیدات جمهوری اسلامی، کشورهای غربی و منطقه را به این نتیجه رسانده که مشکل اصلی نه برنامه اتمی جمهوری اسلامی بلکه خود این رژیم است یا نه.

کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی در مصاحبه با شبکه الجزیره که ۲۶ تیرماه منتشر شد گفته جمهوری اسلامی توانایی‌های فنی ساخت بمب هسته‌ای را دارد و رزمایش‌های گسترده‌ای را با هدف ضربه زدن به عمق اسرائیل انجام داده است.

او در این مصاحبه ضمن اعتراف ضمنی به اینکه توافق اتمی موسوم به برجام بی‌پایه بوده، تأکید کرد، «بر کسی پوشیده نیست که ما توانایی فنی برای ساخت بمب هسته‌ای را داریم اما تصمیمی در این خصوص نداریم... تنها در چند روز میزان غنی‌سازی اورانیوم را از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد رساندیم و به راحتی می‌توانیم به ۹۰ درصد نیز برسیم.»

خرازی در این مصاحبه مدعی شد، «اسرائیل در مرحله ضعف قرار دارد و حمایت جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا از آنها کمکی به ارتقاء جایگاه آنها نخواهد کرد.»

این دیپلمات جمهوری اسلامی در بخشی از این مصاحبه تهدید کرده «هدف قرار دادن امنیت ما از داخل کشورهای همجوار با پاسخ ما به این کشورها و پاسخ مستقیم به اسرائیل همراه خواهد بود. ما مانورهای گسترده‌ای برای هدف قرار دادن عمق اسرائیل در صورت هدف قرار گرفتن نیروگاه‌های حساس خود انجام دادیم.»

او در گفتگو با الجزیره به وضعیت مذاکرات اتمی نیز اشاره کرد و گفت «آمریکا تضمین‌هایی در خصوص حفظ توافق هسته‌ای نداده است و این امر هرگونه توافق را از بین می‌برد.»

وی تأکید کرد که اگر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منصف و مستقل می‌بود، حل اختلافات نیز آسان‌تر می‌شد.

این ادعای خرازی که جمهوری اسلامی توانایی سخت سلاح اتمی را دارد جدید نیست. علی خامنه‌ای مهرماه ۱۳۹۸ درباره ساخت بمب اتمی گفت «ما با وجود اینکه می‌توانستیم در این راه قدم برداریم، بر اساس حکم اسلام عزیز کاربرد این سلاح را



محمد جواد لاریجانی

→ که حیثیت و وزن اصلی توأمان را نظامی ببینیم چرا که وزن اصلی توان ما در دین و منطق حق ماست و در اینجاست که باید سرمایه‌گذاری وسیعی انجام دهیم.» ساعاتی پیش از اظهارات جواد لاریجانی در مورد سلاح اتمی کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی در مصاحبه با شبکه الجزیره که ۲۶ تیرماه منتشر شد گفته بود جمهوری اسلامی توانایی‌های فنی ساخت بمب هسته‌ای را دارد. او توضیح داد «تنها در چند روز میزان غنی‌سازی اورانیوم را از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد رساندیم و به راحتی می‌توانیم به ۹۰ درصد نیز برسیم.»

تحلیلگران می‌گویند برای ساخت بمب اتمی غنی‌سازی اورانیوم باید به ۹۰ درصد برسد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آخرین گزارش خود هشدار داد جمهوری اسلامی تنها چند هفته با دستیابی به اورانیوم مورد نیاز برای ساخت سلاح اتمی فاصله دارد.

مقامات جمهوری اسلامی با استناد به فتوای خامنه‌ای ادعا می‌کنند به دنبال ساخت سلاح اتمی نیستند اما فریدون عباسی دوانی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی افشا کرد با وجود فتوای خامنه‌ای مبنی بر حرام بودن ساخت بمب اتم محسن فخری‌زاده سیستم آن را ایجاد کرد.

علی مطهری که اتفاقاً با خانواده لاریجانی فامیل است چهارم خرداد ۱۴۰۱ در مصاحبه با ایسکانیوز گفته بود «از همان ابتدا که وارد فعالیت هسته‌ای شدیم هدفمان ساخت بمب و تقویت قوای بازدارنده بود، اما نتوانستیم محرمانه بودن این مسئله را حفظ کنیم و گزارش‌های محرمانه توسط گروهک منافقین افشا شد.»

جمهوری اسلامی در حالی از یکسو لاف توانایی ساخت بمب هسته‌ای می‌زند و از سوی دیگر می‌گوید به دنبال آن نیست که تمامی رفتار و اقدامات آن در جهت استفاده نظامی از انرژی اتمی است و اساساً اگر چنین نمی‌بود نه مذاکرات اتمی وجود می‌داشت و نه مقامات رژیم مرتب به تهدید اسرائیل و غرب با برنامه اتمی «صلح‌آمیز» خود می‌پرداختند!

تخریب گنبد لاجوردی مسجد شاه اصفهان؛

مدیر «نقش جهان» درباره یک بنای
تاریخی می‌گوید:

آن را نوسازی کردیم!

● گنبد فیروزه‌ای مسجد شاه اصفهان به عنوان یکی از شاهکارهای معماری جهان، با یک مرمت غیراصولی کاملا دو تکه و دو رنگ شده است. تصاویر منتشر شده از آن نشان می‌دهد که خطوط گنبد یکدست نیستند و ضخامت بافت‌ها و نقوش ظرافت لازم را ندارد.

● بر اساس گفته‌های برخی کارشناسان کاشیکاری در اصفهان، گنبد مسجد شاه اصفهان توازن معماری خود را از دست داده و ریخت گنبدی شکل آن از دست رفته است. به گفته آنها یک سوی گنبد در بازسازی توسط پیمانکار خم دارد و سوی دیگر آن مثلثی شکل شده است!

● فریبا خطابخش مدیر پایگاه میراث جهانی نقش جهان اصفهان اما در واکنش، اعتراض‌ها را مشتکی حرف مفت خوانده و گفته است «از همان ابتدا هم نگفته‌ایم گنبد مسجد امام اصفهان را مرمت می‌کنیم بلکه اقدام ما نوسازی گنبد مسجد است و این گنبد بطور کامل نوسازی شده است!»

● با گستردگی موج اعتراض به تخریب گنبد مسجد شاه، شهرام امیری مدیر روابط عمومی میراث فرهنگی اصفهان، مرمتگر و پیمانکار را «موظف به ترمیم» آسیب‌های وارده خوانده است و به نظر می‌رسد با این کار باز هم آسیب بیشتری به آن وارد شود چرا که اگر پیمانکار مرمت آثار تاریخی بلد می‌بود، چنین بلایی بر سر گنبد آبی اصفهان نمی‌آمد!

انتشار تصویری از مرمت ناقص گنبد مسجد شاه اصفهان، پس از ۱۴ سال اتلاف وقت و بودجه، با واکنش انتقادی کارشناسان و مخاطبان شبکه‌های اجتماعی مواجه شده است.

انتشار تصویری از مرمت ناقص گنبد مسجد شاه اصفهان در یک روند ۱۴ ساله، با واکنش انتقادی کارشناسان میراث فرهنگی و مخاطبان شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است. گنبد فیروزه‌ای مسجد شاه اصفهان به عنوان یکی از شاهکارهای معماری جهان، با یک مرمت غیراصولی کاملا دو تکه و دو رنگ شده است. تصاویر منتشر شده از آن نشان می‌دهد که خطوط گنبد یکدست نیستند و ضخامت بافت‌ها و نقوش ظرافت لازم را ندارد.

تخریب گنبد مسجدشاه و مخدوش شدن اصالت نقوش تاریخی و سنتی آن، برای چندمین بار صدای اعتراض کارشناسان و فعالان میراث فرهنگی را بلند کرده است.

بر اساس گفته‌های برخی کارشناسان کاشیکاری در اصفهان، گنبد مسجد شاه اصفهان توازن معماری خود را از دست داده و ریخت گنبدی شکل آن از دست رفته است. به گفته آنها یک سوی گنبد در بازسازی توسط پیمانکار خم دارد و سوی دیگر آن مثلثی شکل شده است!

هوشنگ رسام از استادان شناخته‌شده کاشیکاری در اصفهان درباره خسارات وارده به گنبد مسجد شاه گفته



مقایسه سمت راست و چپ تصویر نشان می‌دهد که چطور مرمت غیراستاندارد، گنبد مسجد شاه را دو رنگ کرده است

اختیارشان گذاشتند.»

این باستان‌شناس درباره وضعیت سه گنبد تاریخی شهر اصفهان در دست «مرمت» نیز گفت که «یکی از آنها گنبد مسجد چهارباغ اصفهان است که داربست‌هایش بیش از ۳۰ سال است همانجا است. گنبد مسجد «امام» (شاه) را هم که یکبار مرمتش با شکست مواجه شد و دوباره آمدند و چندین سال داربست برایش برپا کردند و نتیجه مرمت آنهم شد آنچه امروز شاهدش هستیم. مرمت این گنبد اصولی نبود چون آسیب‌شناسی اصلی درست انجام نگرفت و به هیچ عنوان نمی‌توان نام مرمت را بر فعالیت‌هایی که بر این گنبد صورت گرفته است نهاد.»

ناظر مرمت آثار تاریخی در اختیار اوقاف اصفهان می‌گوید، «وقتی یک اثر تاریخی چند صد ساله و شناخته شده در جهان را مرمت می‌کنید، معنایی ندارد که بگویید نوسازی انجام شده است. در واقع زمانی که قادر نیستید اثر را به همان شکل اصلی یا نزدیک به آن مرمت کنید اصلا نباید به اثر دست بزنید و شروع به مرمت آن کنید. مرمت این آثار مطالعه دقیقی می‌خواهد. در مورد گنبد مسجد امام اصفهان نیز ابتدا باید گنبد رفع اشکال می‌شد و بعد کاشیکاری آن انجام می‌شد. ولی متأسفانه حین رفع اشکال اقدام به کاشیکاری گنبد کرده‌اند. اتفاقی که در مورد گنبد مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان نیز افتاد. پوسته گنبد مسجد شیخ لطف‌الله را برداشتند و بارندگی‌ها آسیب زیادی به این گنبد تاریخی وارد کرد. همین روند ادامه یافت و در مورد مسجد جامع عباسی اصفهان نیز حالا شاهد همین وضعیت اسفبار هستیم.»

به گفته این کارشناس مرمت و باستان‌شناس، «روش مرمت آثار تاریخی به اشتباه در ایران جا افتاده است. یعنی نوسازی و بهسازی و تعمیر، همگی با هم جمع شده‌اند و اسمش را گذاشته‌اند «مرمت» که هیچ معنا و مفهوم ندارد. در تمام ایران هم هر بار شاهد این ماجرا هستیم. یکجا قرار است گلستان‌های تخت‌جمشید را پاک کنند و به اثر آسیب می‌زنند. بنابراین باید از وزارتخانه پرسید که چه تمهیدات و مطالعات واقعی و نه صوری که در قالب یک طرح ارائه شود و دلایلی هم بیاورند که طرح‌شان رنگ و بوی علمی دارد و در عمل کار دیگری شود، در موضوع مرمت آثار تاریخی اندیشیده است؟»

با گستردگی موج اعتراض به تخریب گنبد مسجد شاه، شهرام امیری مدیر روابط عمومی میراث فرهنگی اصفهان، مرمتگر و پیمانکار را «موظف به ترمیم» آسیب‌های وارده خوانده است و به نظر می‌رسد با این کار باز هم آسیب بیشتری به آن وارد شود چرا که اگر پیمانکار مرمت آثار تاریخی بلد می‌بود، چنین بلایی بر سر گنبد آبی اصفهان نمی‌آمد!

است: «متأسفانه تمامی کاشی‌های گنبد را عوض کرده‌اند و این یکی از دردناک‌ترین کارهایی بوده که انجام شد. حتی معلوم نیست کاشی‌های قدیمی چه شده است!»

کارشناسان میراث فرهنگی می‌گویند، اصفهان مهد هنر کاشیکاری و کاشی‌سازی در جهان است و حتی استادان بزرگ اصفهان در دنامارک، هلند، مالزی، عربستان بهترین کاشی‌ها را طراحی می‌کنند ولی در مهد کاشی دنیا، اقتضای به نام مرمت بر سر بناهای تاریخی می‌آورند.

فریبا خطابخش مدیر پایگاه میراث جهانی «نقش جهان» اصفهان خطاب به منتقدان گفته که «منتقدان هر ایرادی دارند بهتر است حضوری بیایند و ایراداتشان را مطرح کنند. مواردی که منتقدان مطرح می‌کنند همان حرف‌های بی‌ربط است که زمان مرمت گنبد مسجد شیخ لطف‌الله هم مطرح می‌کردند!» پیش از گنبد مسجد شاه، گنبد مسجد شیخ لطف‌الله متعلق به دوره صفویه نیز در جریان مرمت غیراستاندارد دو رنگ شده بود و اعتراض کارشناسان و علاقمندان به میراث فرهنگی نیز به جایی نرسید.

مسجد شاه اصفهان متعلق به دوره صفویه است که نزدیک به ۱۴ سال داربست‌های فلزی محاصره‌اش کرده بودند. عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در بازدید از میدان نقش جهان وعده داد تا در اولین فرصت کار مرمت گنبد به اتمام برسد و داربست‌های ۱۴ ساله بطور کامل از منظر و بنای نقش جهان حذف شود. حالا با کنار رفتن داربست‌ها، کارشناسان می‌گویند، گویی یک پتوی چین خورده با فرورفتگی و برآمدگی‌های ناموزون تحویل گرفته‌اند. تصاویر مشخص می‌کند، ترک‌های گنبد همخوان و هم‌تراز نیستند و به همین دلیل کاشیکاری‌های انجام شده نیز ناهمخوان با نقش گنبد قرینه و همخوان با شکاف‌های دیگر نیستند.

فریبا خطابخش مدیر پایگاه میراث جهانی نقش جهان اصفهان اما در واکنش، اعتراض‌ها را مشتکی حرف مفت خوانده و گفته است که از همان ابتدا هم نگفته‌ایم گنبد مسجد امام اصفهان را مرمت می‌کنیم بلکه اقدام ما نوسازی گنبد مسجد است و این گنبد بطور کامل نوسازی شده است! این در حالیست که کارشناسان میراث فرهنگی از جمله علیرضا جعفری زند باستان‌شناس و ناظر پروژه‌های مرمت در اصفهان معتقد است: موضوع نوسازی در بنایی مانند مسجد جامع عباسی اصفهان که ۴۰۰ سال قدمت دارد و در فهرست میراث جهانی یونسکو نیز به ثبت رسیده است هیچ معنا و مفهومی ندارد و این آثار باید مرمت شوند نه نوسازی! او می‌گوید «این دو مسجد آثار ثبت جهانی شده ایران هستند و مرمت آنها نیاز به مشاوره و استفاده از تجربیات جهانی داشت. اما متأسفانه بسیار سنتی برخورد شد و بدون مشاوره افرادی را آوردند و مرمت گنبد هر دو مسجد را در



تصویری از کلافگی یک داوطلب کنکور سراسری ۹۹

حذف ادبیات فارسی از کنکور؛ ادامه تلاش شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تضعیف زبان ملی و مشترک ایرانیان

می‌توانیم در حفظ، اشاعه، ترویج و اهمیت دادن آن همه تلاش کنیم. اصلاح تصمیم نادرست سازمان سنجش در حذف درس زبان و ادبیات فارسی از کنکور سال آینده، نخستین گام است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای مطالبه این امر باید پیشگام باشد.

این یادداشت انتقادی و تند از سوی یکی از مقامات وزارت میراث فرهنگی، از سوی حسن مروتی معاون سازمان سنجش پاسخ داده شده است. طبق ادعای او، استناد قائم مقام وزیر میراث فرهنگی به توضیح مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد حذف دروس عمومی از آزمون سراسری و انتقال محاسبه نمرات آن به سوابق تحصیلی بوده که «با توجه به اصلاحات مورد نظر این شورا تا کنون ابلاغ نشده است.»

معاون سازمان سنجش حتی بطور کلی موضوع حذف دروس عمومی از کنکور ۱۴۰۲ را نیز انکار کرده و مدعی شده که «دروس عمومی و اختصاصی در آزمون سال آینده تغییری نخواهد داشت. درس ادبیات نیز مانند دیگر دروس عمومی از جمله دروس آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ خواهد بود و با توجه به اطلاعیه اخیر سازمان سنجش آموزش کشور در خصوص برگزاری آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ بر مبنای مقررات سال ۱۴۰۱، تغییری در مواد درسی آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ نیز رخ نداده است.»

مروتی هرگونه تغییر در قوانین و مقررات سنجش و پذیرش داوطلبان در دانشگاه‌ها و آزمون‌های سراسری را نتیجه تصمیمات «شورای عالی انقلاب فرهنگی» و «مصوبات مجلس شورای اسلامی» دانسته که فقط به سازمان سنجش ابلاغ می‌شود و این سازمان «منحصراً مجری قوانین ابلاغی است». در راستای آنچه شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر شیوه برگزاری آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ عنوان می‌کند، قرار بود کنکور برای پذیرش دانشجویان ۲ بار در سال برگزار شود و فقط برای همان گروه آزمایشی متقاضی، معتبر باشد.

همچنین اینگونه تصمیم گرفته شد که معدل دوره متوسطه (سال دوازدهم تحصیلی)، تأثیر ۴۰ درصدی قطعی و نه تأثیر مثبت در آزمون سراسری داشته باشد و دروس عمومی نیز از این آزمون حذف شوند.

منتقدان به حذف ادبیات فارسی از کنکور سراسری ۱۴۰۲ همچنین شیوه آموزش و محتوای تدریس شده در مدارس را مورد انتقاد قرار می‌دهند و می‌گویند، در مدارس دانش‌آموزان با روش‌های نادرست آموزش، به گونه‌ای از ادبیات فارسی به عنوان زبان ملی‌شان بیزار می‌شوند. برخی حتی بر این باورند که محتوای آموزشی در مدارس در طول ۱۲ سال، در راستای بیزاری از ادبیات و زبان فارسی طراحی شده است.

نیز دانش‌آموزان از مهارت‌های ضروری این زبان برخوردار نیستند و در خواندن و نوشتن مشکل دارند. صرف نظر از اینکه این ناتوانی در زبان و بیان را بین مقامات و نهادهای حکومتی و همچنین رسانه‌های جمهوری اسلامی نیز به روشنی می‌توان دید.

وحید عیدگاه طریقه‌ای استاد زبان و ادبیات فارسی حذف ادبیات از کنکور سراسری را «بی‌توجهی عامدانه» تعریف کرده و گفته «این اقدام در جهت تضعیف عمده جنبه‌های ملی ماست.»

این استاد دانشگاه اقدام صورت گرفته را نشان‌دهنده این امر دانسته که «جنبه‌های ملی ما به شدت در حال تضعیف شدن و تضعیف شدن عمده هستند. حذف درس ادبیات از کنکور پیام روشنی دارد، مسئله ادبیات نیست، مسئله زبان رسمی و ملی ایران است که عامدانه به آن بی‌توجهی می‌شود. اگر مسئولان بخواهند این موضوع را جدی بگیرند، شاید در آینده نه‌چندان دور نتیجه‌اش را خواهند دید.»

فعالان این حوزه معتقدند، آسیبی که در طول چهار دهه گذشته به زبان فارسی وارد شده، حالا با حذف آن از کنکور سراسری تکمیل می‌شود. چرخه‌ای شیطانی که برای نابودی ادبیات فارسی به گردش درآمده و دستگاه‌های مسئول به اصطلاح «فرهنگ‌سازی» مانند آموزش و پرورش، صداوسیما جمهوری اسلامی و شورای انقلاب فرهنگی، در این مدت آب به آسیاب‌اش ریخته‌اند. حالا نیز با این اقدام، تلاش می‌کنند با حذف ادبیات فارسی از کنکور، اساساً نیاز به آموزش ادبیات فارسی را از بین ببرند.

در تازه‌ترین اعتراض‌ها، علی دارابی قائم مقام وزارت میراث فرهنگی در اینستاگرام خواهان دخالت فرهنگستان زبان و ادب فارسی به تصمیم «تعجب‌آور» و بدون مشورت با بزرگان زبان و ادبیات فارسی، سازمان سنجش شد با این ابراز تأسف که هیچ «صدای اعتراض از نهادهای رسمی و غیردولتی» بلند نشده است.

قائم مقام وزارت میراث فرهنگی با اشاره به اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر اینکه زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. به گستره‌ی بزرگ این زبان در دنیا نیز در یادداشت خود اشاره کرد و نوشته است: «دکتر حسن انوری استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی در بیان اهمیت و ویژگی‌های زبان فارسی افزون بر نکات پیش گفته، تصریح دارد که «زبان فارسی قبل از فرانسوی و انگلیسی، زبان بین‌المللی بوده است. از هندوستان تا جنوب شرقی اروپا و از آنجا تا امپراتوری عثمانی.»

دارابی با تأکید بر اینکه «زبان و ادبیات فارسی، زبان هویتی و میراثی ما است»، اضافه کرد: «باید هر میزان

هم‌اکنون نیز دانش‌آموزان از مهارت‌های ضروری این زبان برخوردار نیستند و در خواندن و نوشتن مشکل دارند. صرف نظر از اینکه این ناتوانی در زبان و بیان را بین مقامات و نهادهای حکومتی و همچنین رسانه‌های جمهوری اسلامی نیز به روشنی می‌توان دید.

نخستین‌بار عبدالرسول پورعباس رئیس سازمان سنجش آموزش از حذف دروس عمومی در کنکور سال ۱۴۰۲ خبر داد که به معنای حذف ادبیات فارسی از اندازه‌گیری توانمندی دانش‌آموزان به عنوان زیربنایی‌ترین اصل در آموزش عمومی و تخصصی است.

در تازه‌ترین اعتراض‌ها، علی دارابی قائم مقام وزارت میراث فرهنگی در اینستاگرام خواهان دخالت فرهنگستان زبان و ادب فارسی به تصمیم «تعجب‌آور» و بدون مشورت با بزرگان زبان و ادبیات فارسی، سازمان سنجش شد با این ابراز تأسف که هیچ «صدای اعتراض از نهادهای رسمی و غیردولتی» بلند نشده است.

این یادداشت انتقادی و تند از سوی یکی از مقامات وزارت میراث فرهنگی، از سوی حسن مروتی معاون سازمان سنجش پاسخ داده شده است. طبق ادعای او، استناد قائم مقام وزیر میراث فرهنگی به توضیح مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد حذف دروس عمومی از آزمون سراسری و انتقال محاسبه نمرات آن به سوابق تحصیلی بوده که «با توجه به اصلاحات مورد نظر این شورا تاکنون ابلاغ نشده است.»

با وجود تداوم اعتراض‌ها به حذف ادبیات فارسی در کنکور سراسری سال آینده، همچنان واکنش مقامات وزارتخانه آموزش و پرورش به معترضان، تکذیب و تأکید بر تداوم درس ادبیات به عنوان یکی از دروس عمومی در این آزمون است. نخستین بار عبدالرسول پورعباس رئیس سازمان سنجش از حذف دروس عمومی در کنکور سال ۱۴۰۲ خبر داد که به معنای حذف ادبیات فارسی از اندازه‌گیری توانمندی دانش‌آموزان به عنوان زیربنایی‌ترین اصل در آموزش عمومی و تخصصی است.

حذف ادبیات فارسی از آزمون کنکور سراسری در حالیکه کارشناسان امور آموزش و ادبیات فارسی، وضعیت در این حوزه را هم‌اکنون نیز فاجعه‌بار توصیف می‌کنند و حذف این رشته از کنکور را به معنای ضربه جبران‌ناپذیری به زبان فارسی می‌دانند. نویسندگان، پژوهشگران و فعالان عرصه زبان و ادبیات فارسی معتقدند زبان فارسی به عنوان زبان رسمی، ملی و مشترک ایرانیان با خطر نابودی و تحریف روبروست و به دلیل ساختارهای نامناسب آموزشی، هم‌اکنون

توافق سعودی‌ها و آمریکا برای مقابله با تهدیدات اتمی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی



دیدار رئیس جمهوری آمریکا و پادشاه عربستان در کاخ سلطنتی جده

آن حضور خواهند داشت. مشاور امنیت ملی کاخ سفید گفت که بایدن «بیانیه مهمی» در مورد دیدگاه خود برای خاورمیانه ارائه خواهد کرد.

همزمان با سفر بایدن به عربستان ۱۸ توافق بین واشنگتن و ریاض در زمینه انرژی، فضا، درمان، مخابرات و سرمایه‌گذاری‌های مشترک امضا شد. بخشی از این توافق‌ها مربوط به گسترش همکاری با شرکت‌های پیشرو آمریکایی از جمله هواپیماسازی بوئینگ، شرکت تولید تجهیزات نظامی ریتون، شرکت میدترونیک، شرکت دیجیتال دایجنوستیکس، شرکت تولید محصولات درمانی آکویا و دیگر شرکت‌های آمریکایی در بخش‌های تورسیم، آموزش، تکنولوژی و نساجی است.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات سعودی همچنین تفاهمنامه‌ای با شرکت «IBM» برای آموزش ۱۰۰ هزار جوان سعودی در ۵ سال آینده با هدف تقویت جایگاه ریاض به عنوان قطب تکنولوژی و فناوری اطلاعات در خاورمیانه و شمال آفریقا امضا کرده است.

بخشی از انتقادات به بایدن در این سفر در مورد نقض حقوق بشر توسط حکومت عربستان با قتل خاشقجی روزنامه‌نگار منتقد حکومت عربستان در سفارت سعودی در ترکیه بود. بایدن متهم شد که به خاطر منافع اقتصادی و سیاسی نقض حقوق بشر توسط حکومت عربستان را نادیده گرفته است. این در حالیکه بایدن در کنفرانس مطبوعاتی بار دیگر محمد بن سلمان را در قتل خاشقجی مسئول دانست.

احتمالاً مقامات عربستان برای موافقت با افزایش تولید و عرضه نفت منتظر خواهند ماند تا بایدن در نشست سران عرب درباره استراتژی آمریکا در خاورمیانه مواضع خود را مشخص کند. آنچه ریاض از بایدن توقع دارد نقشه راهی مطمئن برای مهار تهدیدات جمهوری اسلامی است که تشکیل «ناتو خاورمیانه» و یا ائتلافی مشابه در مرکز آن قرار دارد.

در همین ارتباط عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان اظهار داشت، «نفت یک سلاح سیاسی نیست و شما نمی‌توانید آن را به سمت کسی بگیری و شلیک کنید... نفت یک کالاست.»

او گفت که پادشاهی سعودی در مقاطع مختلف امسال تولید خود را بر اساس تقاضا افزایش داده و به ارزیابی مجدد خود در این زمینه ادامه خواهد داد. وی افزود: «اگر می‌گویند آیا وعده نفت بیشتری داده‌ایم، به این معناست که شاهد کمبود نفت هستیم... اگر شاهد کمبود نفت باشیم، نفت بیشتری تولید خواهد شد.»

در بیانیه مشترک که پس از دیدار بایدن با مقامات سعودی منتشر شد، هیچ اشاره‌ای به افزایش عرضه نفت نشده است، اما گفته شده که آمریکا از تعهد پادشاهی سعودی برای حمایت از توازن در بازار انرژی استقبال می‌کند.

آسوشیتدپرس در گزارشی درباره سفر بایدن به جده نوشت عربستان سعودی می‌خواهد روابط امنیتی خود با ایالات متحده را تقویت و سرمایه‌گذاری‌های خود را تضمین کند تا اقتصاد این کشور را به اقتصادی تبدیل کند که کمتر متکی به نفت باشد.

بایدن همچنین گفت که پیشرفت‌هایی در گفتگو جهت تمدید آتش‌بس در یمن، جایی که عربستان سعودی سال‌ها با شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران می‌جنگید و به یک بحران انسانی منجر شده، به دست آمده است.

رئیس جمهوری آمریکا در جریان سفر به اسرائیل گفته بود برای تقویت منافع آمریکا به منطقه خاورمیانه می‌رود و این «فرصتی خواهد بود تا اشتباهاتی را که در مورد میزان نفوذمان در خاورمیانه داشتیم و از آن دور شده بودیم جبران کنیم.»

یکی از برنامه‌های مهم بایدن حضور در نشست رهبران شورای همکاری خلیج فارس (بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی) است که رهبران کشورهای همسایه خاورمیانه، مصر، عراق و اردن نیز در

● در بیانیه مشترک آمریکا و عربستان بر لزوم جلوگیری از مداخله حکومت ایران در امور داخلی سایر کشورها، حمایت آن از تروریسم با گروه‌های نیابتی مسلح و تلاش برای ناپایدار کردن امنیت و ثبات منطقه تأکید و طرفین درباره اهمیت جلوگیری از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای تأکید کرده‌اند.

● بایدن می‌گوید «عربستان با افزایش فوری عرضه نفت موافق است» اما عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان تأکید کرد، «نفت یک سلاح سیاسی نیست و شما نمی‌توانید آن را به سمت کسی بگیرید و شلیک کنید... نفت یک کالاست. هرگاه کمبود وجود داشته باشد ما عرضه را افزایش خواهیم داد.»

● آسوشیتدپرس در گزارشی درباره سفر بایدن به جده نوشت عربستان سعودی می‌خواهد روابط امنیتی خود با ایالات متحده را تقویت و سرمایه‌گذاری‌های خود را تضمین کند تا اقتصاد این کشور را به اقتصادی تبدیل کند که کمتر متکی به نفت باشد.

در بیانیه مشترکی که پس از دیدار جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا با پادشاه سعودی صادر شد طرفین بر لزوم مقابله با تهدیدات اتمی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی تأکید کرده و اعلام کردند که بر سر همکاری‌های مشترک امنیتی به توافق رسیده‌اند.

در این بیانیه هر دو طرف از جامعه بین‌المللی خواستند تا در برابر تهدید حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی متحد شوند و همزمان از این گروه خواستند که به مذاکرات صلح بپردازد.

هر دو کشور تعهد قوی و پایدار ایالات متحده برای پشتیبانی امنیتی و دفاعی از پادشاهی سعودی و تسهیل توانایی این کشور در دستیابی به توان و تجهیزات لازم به منظور دفاع از مردم و سرزمین خود در برابر تهدیدات خارجی تأکید کرده‌اند.

همچنین دو طرف بر لزوم جلوگیری از مداخله حکومت اسلامی در ایران در امور داخلی سایر کشورها، حمایت آن از تروریسم با گروه‌های نیابتی مسلح و تلاش این رژیم برای ناپایدار کردن امنیت و ثبات منطقه تأکید و درباره اهمیت جلوگیری از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای توافق کردند. در این بیانیه تأکید شده که رژیم ایران با گروه‌های نیابتی از تروریسم حمایت می‌کند و عامل بی‌ثباتی منطقه است.

روزنامه «فایننشال تایمز» ۱۵ ژوئیه (۲۴ تیرماه) گزارش داد جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا در جریان سفر به جده در دیدار با ولعهد محمد بن سلمان گفت، انتظار دارد عربستان سعودی «گام‌های بیشتری» برای افزایش عرضه نفت در «هفته‌های آینده» بردارد.

بایدن در همین ارتباط گفت، «عربستان با افزایش فوری عرضه نفت موافق است و بر اساس گفتگوهای انجام شده انتظار دارم در هفته‌های آینده شاهد گام‌های بعدی باشیم.»

آنچه بایدن از سعودی‌ها توقع دارد این است که آمریکایی‌ها اثر افزایش عرضه نفت توسط عربستان را تا «دو هفته دیگر» احساس کنند اما یک مقام سعودی تأکید کرد که بر اساس تقاضا در این مورد تصمیم می‌گیریم.

● **منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری از جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۹۸ به اتهام دادخواهی فرزندش به ۳ سال و ۶ ماه حبس محکوم شده است.**

در ادامه فشارهای سازمانیافته بر خانواده‌های دادخواه کشتار آبان ۹۸، منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری به زندان قزوین تبعید و از حق تماس تلفنی و ملاقات محروم شده است.

علی شریف‌زاده وکیل پایه یک دادگستری با انتشار توییتی نوشته که منوچهر بختیاری روز چهارشنبه ۲۹ تیر بدون اطلاع قبلی به زندان قزوین منتقل شده است. علی شریف‌زاده افزوده که موکلش «با توجه به شرایط جسمانی» و «خونریزی دستگاه گوارش» به مراقبت و درمان نیاز دارد.

منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری از جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۹۸ به اتهام دادخواهی فرزندش به ۳ سال و ۶ ماه حبس محکوم شده است. او پیشتر در زندان «رجایی‌شهر» کرج محبوس بود و پیش از تبعید به زندان قزوین چند روز به سلول انفرادی ندامتگاه مرکزی کرج منتقل شده بود. او در حالی که اقدام به اعتصاب غذا کرده بود دچار خونریزی معده شده و در شرایط جسمی نامناسبی قرار دارد.

سارا عباسی همسر منوچهر بختیاری با انتشار متنی در صفحه اینستاگرامش نوشته که همسرش پس از سه روز اعتصاب غذا دچار خونریزی شدید معده شده اما با وجود بیماری و در حالی که به درمان فوری نیاز داشته، به دستور دادستان کرج به زندان قزوین منتقل شده است.

بر اساس گزارش‌ها، منوچهر بختیاری پیشتر با وجود ابتلا به بیماری‌های کلیوی، پروستات و فتق و علیرغم تأییدیه پزشکی قانونی مبنی بر نیاز جدی به اقدامات درمانی، از رسیدگی پزشکی تخصصی و اعزام به مرخصی درمانی محروم مانده است. خبرگزاری هرانا نیز به نقل از یک منبع آگاه گزارش داده که «منوچهر بختیاری، علیرغم بیمارهای حاد در اعتصاب غذا بسر میبرد، وی پس از بازداشت خانواده‌های دادخواه در تاریخ ۲۰ تیر ماه، با ارسال یک فایل صوتی از زندان هجوم و یورش نیروهای امنیتی و بازداشت مادران و پدران دادخواه و رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرد و از همه مردم ایران خواستار همراهی و حمایت، به ویژه در تجمعات سراسری، جهت محکوم نمودن این عمل وحشیانه شده بود، به یکی از سلول‌های انفرادی ندامتگاه مرکزی کرج منتقل شد.»

منوچهر بختیاری پس از کشته شدن پویا فرزند ۲۷ ساله‌اش در اعتراضات سراسری آبان ۹۸ که در مهرشهر کرج از ناحیه سر مورد اصابت شلیک مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفت به دادخواهی فرزند برخاست. خانواده بختیاری طی دو سال و نیم گذشته بارها بازداشت، احضار و تهدید شده‌اند.

منوچهر بختیاری آخرین بار در تاریخ ۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰، توسط نیروهای امنیتی همراه با ضرب و جرح در منزل شخصی خود در تهران بازداشت شد. او نهایتاً توسط دادگاه انقلاب به ۳ سال و ۶ ماه حبس، ۲ سال و ۶ ماه تبعید و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده و از بازداشتگاه یکی از نهادهای امنیتی به ندامتگاه مرکزی کرج منتقل شد. ناهید شیر پیشه مادر پویا بختیاری، مهرداد و آصف عموهای پویا نیز از دیگر اعضای خانواده بختیاری هستند که تا کنون بارها بازداشت شده‌اند. مهرداد بختیاری پیشتر در دادگاه به پنج سال زندان محکوم شده بود. مأموران امنیتی ۱۰ روز پیش در بیستم تیرماه نیز با یورش به خانه چند تن از خانواده‌های دادخواه آبان ۹۸ شماری از آنها از جمله ناهید شیر پیشه و مهرداد بختیاری را دوباره بازداشت کردند که هنوز در زندان بسر می‌برند.

سعید دامور برادر وحید دامور، رحیمه یوسف‌زاده مادر نوید بهبودی، محبوبه رضانی مادر پژمان قلی‌پور، سکینه احمدی مادر ابراهیم کتابدار، طلعت مشکی مادر محسن جعفرپناه،

ادامه فشارهای قضایی- امنیتی بر خانواده‌های دادخواه؛ تبعید منوچهر بختیاری به زندان قزوین



منوچهر بختیاری در جزیره کیش

ایران الهیاری مادر مهرداد معین‌فر، زینب محمدی مادر محمد طاهری و فاطمه باجروانی همسر علی فتوحی از دیگر اعضای خانواده دادخواهان آبان هستند که بازداشت شده‌اند.

چند روز پس از بازداشت محبوبه رضانی مادر پژمان قلی‌پور مشخص شد او در پرونده دیگری مربوط به بازداشت دادخواهان در ماه‌های گذشته به تحمل ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شده است. پیمان قلی‌پور، برادر پژمان قلی‌پور از کشته شدگان آبان ۹۸ نیز با انتشار متنی درباره بازداشت مادرش محبوبه رضانی نوشته که «یک هفته شد که مادرم را با همون لباسای سیاهش بردن انفرادی. همش دارم به این فکر می‌کنم که مادرم این روزا تو اون انفرادی تو تنهاییش به چی فکر می‌کنه؟ ... مادرم، مادر آبان شد. مادر آبادان و خوزستان شد، مادر بچه‌های کار شد. مادر هزاران آدم ناشناس بی‌صدایی که حالا این روزا همه کنار هم جمع شدن تا صدای مادرم بشن ... ما که میلیون میلیون مردممون رو پشتمون داریم. ما که این شب سیاهو بالاخره به صبح می‌رسونیم اما ... یادتون باشه این روزا رو، چون ما یادمون نمیره ...»

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادعایی عجیب درباره بازداشت دادخواهان نوشت: «افراد بازداشت شده با پوشش دادخواهی به یک عنصر متصل با سرویس جاسوسی بیگانه ارتباط گرفته بودند و از یک رابط مالی خارجی پول دریافت می‌کردند تا اغتشاش و ناامنی در کشور ایجاد کنند.» این خبرگزاری همچنین نوشت اعضای خانواده‌های دادخواه «در جلسه‌ای که برای ایجاد اغتشاش برگزار شده بود»، بازداشت شدند و «رابط مالی بیگانه نیز در عملیات جداگانه‌ای دستگیر شده است.»

بازداشت دادخواهان بخشی از پروژه جدید اتاق فکر امنیتی‌ها در جمهوری اسلامی است که برای جلوگیری از وقوع اعتراضاتی سراسری در کشور صورت گرفته است. در بخش دیگری از این پروژه ده‌ها تن از فعالان صنفی کارگر و آموزگار بازداشت شده یا با تشکیل پرونده قضایی به دادرسی احضار شدند. رسول بداتی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی،

محسن عمرانی؛ رضاشهبایی و ریحانه انصاری نژاد فعالان کارگری، و آیشا اسداللهی مترجم و کیوان مهتدی نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران نیز از جمله فعالان صنفی هستند که از ابتدای اردیبهشت تا کنون بازداشت و در زندان بسر می‌برند. همچنین محمد رسول‌اف، مصطفی آل احمد و جعفر پناهی نیز سه سینماگری هستند که در سه هفته گذشته بازداشت شدند. مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی یک هفته پس از بازداشت جعفر پناهی اعلام کرد که «این فرد در تاریخ ۲۰ تیر ماه سال جاری برای تحمل کیفر حبس به بازداشتگاه اوین معرفی شده است.» این فشار قضایی- امنیتی سازمانیافته و ایجاد فضای رعب‌انگیز نیز شصتی با بازداشت و زیر فشار قرار گرفتن وکلای دادگستری نیز ادامه یافته است. فضای که از سوی دیگر بیانگر وحشت خود رژیم از مردم و نارضایی و اعتراضات جامعه است.

محمد علی دادخواه وکیل دادگستری روز چهارشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۱ بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. محمدعلی دادخواه پیشتر در پرونده‌ای مربوط به سال ۸۸ به هشت سال زندان محکوم شده بود اما در سال ۹۲ به مرخصی منجر به آزادی آمده بود. اکنون دادستان در دستوری اعلام کرده آن مرخصی «ثبت نشده» و در نتیجه این وکیل دادگستری باید برای تحمل ادامه حکم حبس به زندان اوین منتقل شود.

مصطفی نبلی، آرش کیسخری و محمدرضا فقیهی سه وکیل دیگر دادگستری هستند که طی هفته‌های گذشته به زندان محکوم شده و هر لحظه ممکن است این حکم به اجرا درآمده و آنها راهی زندان شوند. این حکم در رابطه با برنامه شماری از وکلا و فعالان مدنی برای شکایت از علی خامنه‌ای، حسن روحانی و مدیران مسئول در دولت روحانی در شیوه مدیریت کرونا و عدم واکسناسیون عمومی به موقع، و به اتهام «قتل غیر عمد» این مقامات صادر شده است.

بر اساس حکم صادر شده مصطفی نبلی به چهار سال حبس و دو سال محرومیت از فعالیت‌های رسانه‌ای و همچنین دو سال محرومیت از اشتغال به حرفه وکالت، آرش کیسخری به دو سال حبس، یک سال محرومیت از وکالت و یک سال محرومیت از فعالیت رسانه‌ای، و محمدرضا فقیهی به شش ماه حبس و در نهایت مریم افراز به ۹۵ روز حبس محکوم شده‌اند. امیرسالار داوودی وکیل پایه یک دادگستری نیز که پیشتر در پرونده‌ای به ۳۰ سال حبس محکوم شده بود پنجم تیرماه بازداشت و برای تحمل این حکم به زندان «رجایی‌شهر» کرج منتقل شد. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هفتم تیرماه در سخنانی تهدیدآمیز به شباهت فضای دهه شصت با فضای کنونی اشاره کرد و گفت: «علت سربلندی و پیروزی حیرت‌آور ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در برابر حوادث سال ۱۳۶۰ نهراسیدن از دشمنان بود. این سنت در همه دوران‌ها قابل تکرار است و باید بدانیم خداوند سال ۱۴۰۱ همان خداوند سال ۱۳۶۰ است!» او همچنین گفت «در مقابل همه آن حوادث، در رأس همه امام هم چون کوه دماوند سربلند ایستاد و مسئولان دلسوز و مردم و جوانان انقلابی نیز ایستادند و توانستند شرایط کشور را صد و هشتاد درجه تغییر دهند. اینطور بود که ناکامی‌های پی‌در پی به پیروزی‌های پی‌در پی تبدیل شد!» در تأیید چراغ سبز خامنه‌ای برای بسته شدن فضای اجتماعی و سیاسی کشور و بازگشت روزهای «دهه شصتی» حسینعلی نیری رئیس دادگاه انتظامی قضات و از اعضای «هیئت مرگ» در دهه شصت نیز در گفتگویی با دفاع از اعدام‌های پس از انقلاب ۵۷ و دهه شصت گفت که در شرایط پس از انقلاب نمی‌شد با «قربانت بروم و فدایت بشوم» کشور را اداره کرد. و گفت: «در این شرایط بحرانی باید چه کرد؟ باید حکم قاطعی داد! آنکه دادگاه را اداره می‌کند و مسائل در دستش است، باید مسئله را جمع کند!»

یکشنبه ۲۴ ژوئیه برابر با ۲ مرداد
ساعت: ۲۱:۰۰ به وقت تهران

همایش همبسته و هماهنگ



نازنین انصاری
(مجری برنامه)

دکتر حسن منصور

دکتر شهریار آهی

محمود ابطحی

شهران طبری

دکتر امین سوفیامهر

رضا طالبی

مرتضی برجسته
(هنرمند)

همراه با دوشخصیت کنشگر حقوق مدنی از ایران

همبسته و هماهنگ #برای_ایران

همایش آنلاین

یکشنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۲ | ۲ مرداد ۱۴۰۱

نخستین همایش «همبسته و هماهنگ برای ایران» با حضور جمعی از کنشگران سیاسی و مدنی در روز یکشنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۲ برابر با ۲ مرداد ۱۴۰۱ ساعت:

۲۱:۰۰ به وقت ایران / ۱۸:۳۰ برلین / ۹:۳۰ لس آنجلس / ۱۲:۳۰ واشینگتن / ۱۷:۳۰ لندن در تالار زوم برگزار خواهد شد.

هم‌میهنان گرامی می‌توانند با حضور در تالار زوم و یا از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله یوتیوب، فیسبوک و کلاب هاوس همایش را بطور زنده دنبال نمایند.

لینک ورود به تالار زوم و لینک پخش زنده در شبکه‌های اجتماعی متعاقباً اعلام خواهد شد.

پاینده ایران #نه_به_جمهوری_اسلامی #برای_ایران